

فصلنامه علمی - پژوهشی

انظمام

سال هجدهم، پاییز ۱۳۹۷، شماره ۶۲

انتخاب و عملکرد و همکاری انتقادی برای تصویرپردازی از آینده، بر اساس مختصات حکومت عدل مهدوی علیه السلام

علی اصغر پرپر عزت - غلامرضا گودرزی - محمد مهدی ذوالفقارزاده - مونا پارسا

تحلیل روش شناسی نظمی مهدویت پژوهی

حسین الهی نژاد

تحلیل دلایل قرآنی نظریه تسلیم پذیری منتظران در پیشگاه امام عصر علیه السلام، با محوریت مسئله عصمت ائمه علیهم السلام

ولی الله نقی پور فر - مهدی باکویی - رضا فقیهزاده

تحلیل کارکردی موعودپوری و نقش آن در تولید همکاری در ادیان ابراهیمی

مهراب صادقی نیا - محمد مهدی لطفی

کارکردهای اجتماعی ادبیه مهدویت در حوزه امنیت و دفاع

محمود ملکی راد

مدل خط مشی گذاری حکومت اسلامی: تصویرپردازی از انویهای حکومت واحد جهانی موعود

رحمان غفاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علمی - پژوهشی

انتظار موعود

با استناد به نامه شماره ۶۰۶۴ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه‌های علمیه مورخ ۱۳۹۵/۷/۱۸ فصلنامه انتظار موعود از شماره ۵۰ به رتبه علمی-پژوهشی ارتقا یافت. براساس ماده واحده جلسه ۶۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، نشریات دارای امتیاز حوزوی اعتبار یکسان با مجلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارد.

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):
بهروزی لک، غلامرضا
(استاد دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام)

جباری، محمدرضا
(دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام)

خسروپناه، عبدالحسین
(استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)

رضانزاد، عزالدین
(استاد جامعه المصطفی العالمیه)

رضایی اصفهانی، محمدعلی
(استاد جامعه المصطفی العالمیه)

زارعی متین، حسن
(استاد دانشگاه تهران)

شاکری زواردهی، روح‌الله
(دانشیار دانشگاه تهران)

صفری فروشانی، نعمت‌الله
(استاد جامعه المصطفی العالمیه)

کلباسی، مجتبی
(استاد حوزه)

محمدرضایی، محمد
(استاد دانشگاه تهران)

صاحب امتیاز:

مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

مدیر مسئول:

حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی

سر دبیر:

حجت الاسلام دکتر روح‌الله شاکری زواردهی

مدیر داخلی و دبیر تحریریه:

محسن رحیمی جعفری

ویراستار:

ابوالفضل علیدوست

صفحه آرا:

رضا فریدی

طراح جلد:

عباس فریدی

مترجم انگلیسی:

زینب فرجام‌فرد

مترجم عربی:

ضیاء الزهاوی

پایگاه‌های استنادی که این فصلنامه در آن‌ها نمایه شده است:

www.entizar.ir

www.isc.gov.ir (ISC)

www.magiran.com

www.noormags.com

www.sid.ir

پایگاه مجله انتظار موعود

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

بانک اطلاعات نشریات کشور

پایگاه مجلات تخصصی نور

پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مرکز تخصصی مهدویت
حوزه علمیه قم

نشانی: قم، خیابان شهیدا (صفائیه)، کوچه آمار، مرکز تخصصی مهدویت، دفتر

فصلنامه انتظار موعود علیه السلام

تلفن: ۰۲۵۳۷۸۴۱۶۶۱ - ۰۲۵۳۷۷۳۷۱۶۰ - نمابر: ۰۲۵۳۷۷۳۷۱۶۰

سایت فصلنامه: www.entizar.ir

پست الکترونیکی: Entizarmag@gmail.com

قیمت: ۵۰۰/۰۰۰ ریال

راهنمای تدوین و نگارش مقالات

«فصلنامه انتظار موعود» نشریه‌ای علمی - پژوهشی است که به صورت تخصصی در حوزه معارف مهدوی به منظور ارتقای علمی و ایجاد فضای نقد و بررسی بین محققان و اندیشمندان حوزه مهدویت به نشر مقالات علمی - پژوهشی می‌پردازد. مخاطبان اصلی نشریه، متخصصان و صاحب نظران معارف مهدوی بوده و فصلنامه تلاش می‌کند مقالاتی در این نشریه منتشر خواهد شد که به تأیید ارزیابان علمی مجله رسیده و دارای شرایط زیر باشد:

۱. مسئله محور و بر یک موضوع خاص تمرکز کرده باشد؛
۲. به منابع معتبر اسلامی و به ویژه معارف اهل بیت علیهم‌السلام مستند و دارای قدرت استدلال و تبیینی در عرصه مهدویت باشد؛ به طوری که با ارائه دیدگاه‌های جدید، یا روش جدید در حل مسائل، به توسعه علم بیفزاید؛ به گونه‌ای که از نظر اهل تحقیق، مقالات در حد مقالات پژوهشی باشد.
۳. علاوه بر نوآوری در عرصه مهدویت، به شبهات و مسائل علمی پیش‌روی جامعه اسلامی پاسخ دهد.

مقاله باید از نظر ساختاری دارای شرایط ذیل باشد:

- الف) مشخصات مقاله: در صفحه نخست باید عنوان دقیق مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان، رتبه علمی، تلفن و ایمیل درج شود؛
- ب) چکیده: حداکثر در ۱۵۰ کلمه که حاوی مسئله مقاله و مهم‌ترین نتایج مقاله باشد (چکیده عربی و انگلیسی، هر کدام حداقل ۱۵۰ کلمه همراه مقاله ارائه گردد)؛
- ج) واژگان کلیدی: (کلمات اصلی و کلیدی مقاله جهت نمایه)؛
- د) تیرهای اصلی و فرعی مقاله مشخص شود؛
- ه) نتیجه‌گیری مطالب در انتهای مقاله، در ۱۰ الی ۱۵ سطر ذکر شود؛
- و) شیوه ارجاع به منابع داخل متن و طبق الگوی زیر باشد: (عباسی، ۱۳۸۴: ج ۲، ص ۱۵)؛ در صورت تکراری بودن عنوان در یک سال: (حسینی، ۱۳۸۴: الف، ص ۱۲۴)؛
- ز) در پایان مقاله فهرست کامل منابع به شیوه زیر ذکر شود: نام خانوادگی، نام (سال انتشار). عنوان (پررنگ)، مترجم، محقق یا مصحح، مکان نشر، ناشر.
- ح) برگردان لاتین اسامی و مفاهیم مهم و همچنین توضیحات ضروری در پاورقی بیاید.

تذکرات:

۱. مقالات، از ۱۲ صفحه (حدود ۳۶۰۰ کلمه) کم‌تر و ۲۵ صفحه (حدود ۷۵۰۰ کلمه) بیش‌تر نباشد.
۲. مقالات ترجمه‌ای پذیرفته نمی‌شود.
۳. هر مقاله باید دارای موضوع مستقل باشد (مقالات مسلسل پذیرفته نمی‌شود).
۴. مقاله قبلاً در هیچ جای دیگر نباید چاپ شده باشد (از ارسال هم زمان مقاله به مجله دیگر جداً خودداری شود).
۵. در صورت درخواست نویسنده، دفتر فصلنامه گواهی پذیرش مقاله را صادر خواهد کرد.
 - دیدگاه‌های ارائه شده در مقاله الزاماً دیدگاه فصلنامه نیست.
 - فصلنامه در ویرایش مطالب (با حفظ مفهوم) آزاد است.
 - مقالات ارسالی، بازگردانده نمی‌شود.

فهرست مقالات

اتخاذ رویکرد واقعگرایی انتقادی برای تصویرپردازی از آینده، بر اساس مختصات

حکومت عدل مهدوی عجل الله تعالی فرجه ۵

علی اصغر پورعزت - غلامرضا گودرزی - محمدمهدی ذوالفقارزاده - موناپارسا

تحلیل روش شناسی عقلی مهدویت پژوهی ۳۵

حسین الهی نژاد

تحلیل دلایل قرآنی نظریه تسلیم پذیری منتظران در پیشگاه امام عصر عجل الله تعالی فرجه با محوریت

مسئله عصمت ائمه علیهم السلام ۵۳

ولی الله نقی پور فر - مهدی باکویی - رضا فقیه زاده

تحلیل کارکردی موعودباوری و نقش آن در تولید همگرایی در ادیان ابراهیمی ۷۷

مهراب صادق نیا - محمدمهدی لطفی

کارکردهای اجتماعی اندیشه مهدویت در حوزه امنیت و دفاع ۱۰۱

محمود ملکی راد

مدل خطمشی گذاری حکومت اسلامی: تصویرپردازی از توییپای (آرمان شهر) حکومت واحد جهانی موعود .. ۱۲۳

رحمان غفاری

ترجمه چکیده مقالات به عربی - انگلیسی ۱۴۵

اتخاذ رویکرد واقع‌گرایی انتقادی برای تصویرپردازی از آینده، بر اساس مختصات حکومت عدل مهدوی علیه السلام

علی اصغر پورعزت^۱ - غلامرضا گودرزی^۲ - محمدمهدی ذوالفقارزاده^۳ - موناپارسا^۴

چکیده

«آینده‌پژوهی»، به عنوان علم مطالعه آینده، به شناخت آینده‌های «ممکن»، «محتمل» و «مطلوب» جامعه می‌پردازد. «تصویرپردازی» را نیز می‌توان هنر شکل دادن به آینده تلقی کرد؛ پردازش تصویری که آینده را به سوی وضع مطلوب، بر اساس دغدغه‌های آرمان‌شهر موعود هویت‌یافته میان امت، با ترسیم آرمان‌های گذشته، حال و آینده سوق می‌دهد. این بحث در اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. براساس باورهای شیعه، آینده‌سازی در ظهور امام منتظر، پاسخی روشن و جامع به پرسش‌های فطری و بنیادین بشر در خصوص زندگی مطلوب و آرمانی آینده است. در این سمت و سو تصویرپردازی را می‌توان تلاشی خلاقانه دانست برای تجسم و ساخت هدفمند با تکیه بر واقعیات بیرونی و ارزش‌های موجود در تمدن جامعه که هدف اصلی آن، ساخت وضعیتی مطلوب، برای ایجاد عزم ملی و امید حرکت به سوی شهر «عدل مهدوی» در پرتو سنت «عدل محمدی» و حکومت «عدل علوی» است. پژوهش حاضر، با استفاده از نظریه «واقع‌گرایی انتقادی»، در قالب گام‌های تصویرپردازی به بررسی آیات و روایات متبوع پرداخته و سپس به طراحی تصویر آینده مختصات حکومت عدل مهدوی علیه السلام در سه حوزه اداری - مدیریتی، سیاسی - اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: آینده‌پژوهی، واقع‌گرایی انتقادی، تصویرپردازی، حکومت عدل

مهدوی علیه السلام.

1. pourezat@ut.ac.ir

2. Rgoodarzi21@hotmail.com

3. zolfaghar@ut.ac.ir

4. monaparsa@ut.ac.ir

۱. استاد دانشگاه تهران؛

۲. دانشیار دانشگاه امام صادق علیه السلام؛

۳. استادیار دانشگاه تهران؛

۴. دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛

در طول تاریخ، افراد متعددی برای پیش‌بینی آینده تلاش کرده و بسیاری نیز درصدد ساختن آن، به تصویرپردازی پرداخته‌اند. اقدام تصویرپردازان، خواسته یا ناخواسته واقعیت-آفرین بوده و بر ساخت واقعیت آینده اثرگذار بوده است. هدف گروه‌های مرجع تصویرپردازی از آینده، گاهی هدف‌ها، گاهی ایدئولوژی‌ها، گاهی دانسته‌ها، گاهی توهم‌ها و گاهی ایده‌های خارجی کشورها بوده است. براین اساس، می‌توان از انواع تصویرپردازی‌های انجام شده از آینده دسته‌بندی‌های گوناگونی ارائه کرد. از اندیشه‌های مبهم و اسرارآمیز نوستراداموس گرفته تا گرایش‌های ایدئولوژیک مارکسیست‌ها، کاپیتالیست‌ها و لیبرال دموکرات‌ها. در این بین رویکردهای دینی نیز قابل تأمل است؛ هر چند این رویکردها کم‌تر مورد بررسی و توجه قرار گرفته و به ویژه در مقوله، نگاه دین اسلام، کم‌تر مطالعه علمی شده است؛ درحالی که این دین، از سرشت و جوهر آینده‌نگرانه‌ای برخوردار است؛ حتی تأکید می‌شود که انسان دین‌دار و دارای تربیت دینی، باید آینده‌نگر باشد و تصویرپردازی که به منزله ترسیم تصویری مطلوب و یا نامطلوب از آینده مورد نظر قرار می‌گیرد اعم از این که بر مبنای نگرش آینده‌نگر بشری باشد و یا بر اساس سنت‌ها و علم الهی (گودرزی، ۱۳۸۴: ص ۹۴)؛ در همه ادیان، آینده‌شناسی از جایگاه خاصی برخوردار است. معمولاً هر آیین و مذهبی، آینده‌هایی روشن برای پیروانش ترسیم می‌کند و امکان خوشبختی در آن را به ایشان وعده می‌دهد. پیروان ادیان تلاش می‌کنند به آینده‌ای برسند که دلخواه آن‌هاست آینده‌ای که در قرآن و سنت اهل بیت علیهم‌السلام به شیعیان وعده داده شده است که در جامعه مهدوی متجلی می‌شود (کارگر، ۱۳۸۹: ص ۱۳۹). رویکرد تصویرپردازانه از آینده، می‌تواند با روایات مرتبط با مهدویت سازگاری و پیوند عمیقی داشته باشد؛ به منظور تحقق جامعه پایدار و ایجاد رفاه بشر که یکی از اهداف بنیادین انسان‌ها است. هویلی^۱ به نقل از ادوارد کورنیش^۲، موسس «انجمن جهانی آینده»، به اهداف مهم آینده‌پژوهی اشاره می‌کند: ترسیم فضایی که در آن، انسان‌ها به‌خوبی تغذیه می‌شوند، لباس‌های فاخر می‌پوشند، از امکانات تحصیلی خوبی برخوردارند و محیط زندگی‌شان سرشار از امنیت و رفاه اجتماعی است (هویلی، ۱۹۹۵: ص ۱۱۲). این امر به ادیان

1. Hoyle
2. Edward Cornish

محدود نمی‌شود، بلکه در فضای علمی نیز مورد تاکید بوده است. دیتور براین باور است که آینده، از برهم‌کنش یا تعامل چهار مولفه‌ی «رویداد»، «روند»، «کنش» و «تصویر» شکل می‌گیرد. به اعتقاد او و دیگر آینده‌پژوهان برجسته، دو مولفه آخر، با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند؛ زیرا مردم اقدامات خود را بر مبنای تصاویری که از آینده دارند؛ انجام می‌دهند. در ادامه این ادعا مطرح می‌شود که یکی از ماموریت‌های آینده‌پژوهی، آن است که به مردم کمک کند تصویرها و اقدامات خود را از محدوده کوشش‌های منفعلانه فراتر برند (دیتور: ۱۹۹۶: ص ۴۵۳). به همین دلیل، آینده‌پژوهی را «دانش اقدام»^۱ نامیده‌اند؛ دانشی که متضمن اقدام یا کنش آگاه و پیش‌دستانه، به منظور مدیریت عاملانه و فاعلانه بر آینده است.

با توجه به مسئولیت‌ها و اهداف رشته آینده‌پژوهی و اهمیت تصویرپردازی از آینده در پرتو مختصات شهر عدل مهدوی علیه السلام، سؤال اصلی پژوهش حاضر، چگونگی تبیین و ترسیم تصویری از مختصات آینده شهر عدل مهدوی بر پایه آیات و روایات است. در همین جهت پژوهش حاضر شامل گزیده‌ای از آموزه‌های قرآنی و روایی در خصوص مفهوم مستقیم یا غیر مستقیم با آینده‌اندیشی و مشتقات آن تصویرپردازی از آینده، شهر عدل و آرمانی برخاسته از آموزه‌ها و سنت‌های الهی است، و با بررسی در آیات و روایات، در سه حوزه اداری-مدیریتی، سیاسی-مالی و فرهنگی-اجتماعی به بیان مختصات حکومت عدل مهدوی می‌پردازد. به این منظور، با استفاده از روش تصویرپردازی و طراحی گام‌های روش تصویرپردازی و بهره‌گیری از دیدگاه خبرگان در امتداد گام‌های تصویرپردازی، به ارائه تصویر بصیرت‌بخش از مختصات حکومت عدل مهدوی علیه السلام می‌پردازیم.

تصویرپردازی بر ساخته از رویکرد واقع‌گرایی انتقادی

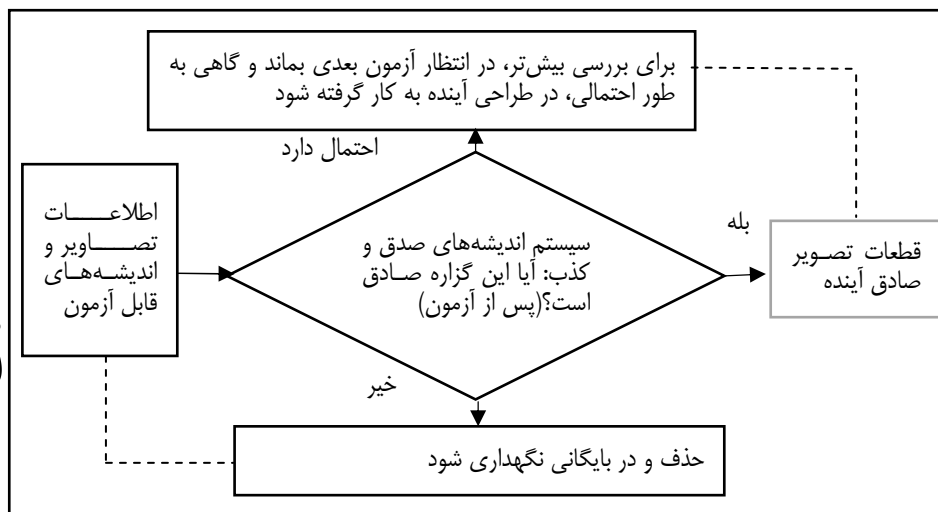
آنچه امروز در جامعه انجام می‌شود، واقعیت‌های فردای جامعه را می‌سازد. بنابراین، سرنوشت آیندگان را به شدت تحت‌تأثیر قرار می‌دهد (پورعزت، ۱۳۸۹: ص ۱۱). مفهوم تصویر آینده، ایده‌ای شکل‌دهنده ساختار رو به رشد، انتظارات، پیش‌بینی‌ها، بیم‌ها و امیدها را دربردارد؛ ضمن این‌که به منزله مقوله‌ای نظری، دال بر این باور است که تصویرهای آینده، به شکل‌گیری اقدام‌های تاریخی افراد کمک کرده‌اند (بل، ۲۰۰۴: ص ۱۷۶). از دید آینده-



پژوهانه، منظور از تصویر به شکلی ساده، «تصویری کلامی» است؛ مانند تصویر عکسبرداری. در تصویر کلامی، جنبه خاصی از جهان در معرض دید قرار می‌گیرد و جنبه‌های دیگر آن حذف می‌شوند. تصویر، گزاره‌ای مستدل نیست، بلکه به وجوهی مهم از پدیده اشاره می‌کند یا از آن خبر می‌دهد. هر تصویر، بخش قابل ملاحظه‌ای از تفسیر را به دوش خود خواننده و تحلیل‌گر می‌گذارد (پورعزت، ۱۳۸۷، ص ۱۰۹). نقش و اهمیت تصویر در ساخت آینده، مستلزم اتخاذ راهبرد ویژه‌ای است که بتواند عناصر را با خود هم‌نوا سازد. تحقق این مهم، مستلزم تصویرپردازی از آینده است؛ بدین صورت که با ایجاد بصیرتی درباره آینده، تصویری حقیقی از آینده مطلوب (یا آینده محتمل) ارائه، یا بینشی طراحی شده از وضع مطلوب ترویج کند تا چشم‌اندازی القایی به آینده تحمیل شود (همان، ۱۳۸۲: ص ۵۲). تأکید بر تأثیر تصویر، از سوی نظریه‌پردازان پساساختارگرا نیز مطرح شده است (دردریان، ۲۰۰۹). تصویرپردازی اغلب در جهت القای معنا و مفهومی خاص درباره آینده انجام می‌شود. این پژوهش با استفاده از روش تصویرپردازی، سعی می‌کند تصویری از مختصات عصری که ادیان گوناگون، از آن به منزله آینده روشن و مطلوب، برای عموم و گاهی به منزله یک حکومت جهانی (حکومت عدل مهدوی عج) یاد کرده‌اند؛ ترسیم کند.

این رویکرد، مقوم تمایل به ساخت واقعیت اجتماعی آینده (pourezzat, 2010)؛ (رضائیان و پورعزت، ۱۳۹۸)، در روالی منطقی و اطلاع‌پذیر است. بن‌مایه این بحث، تأکید بر خردمندی برای آینده‌سازی فعال است. این رویکرد، باورهای موجه و قابل اعتماد را مبنا قرار می‌دهد و روند ساخت واقعیت آینده را در پرتو گفتمان غالب رصد و با نگاه خردمندانه، انحراف‌های احتمالی را گوشزد می‌کند. «واقع‌گرایی انتقادی»، عنوان رویکردی در فلسفه علم است که متأثر از آرای نویسندگان انگلیسی زبان، چون رامهره، مری‌هسه و روی‌بسکار، در دهه ۱۹۷۰ میلادی بوده، در بحث از ماهیت علم طبیعی و موضوع مطالعه آن، توسعه یافته و با کوشش‌های فکری افرادی چون راسل‌کیت، اندروسایر، جان‌اوری، تدبتون، به‌منزله رویکردی روش‌شناختی، وارد علوم اجتماعی شده است (مولکی، ۱۳۸۹: ص ۴۴). «رنالیسم» (واقع‌گرایی)، به‌طور کلی دیدگاهی است که وجود عالم مستقل از ما را می‌پذیرد و قائل است که عالم خارج، مستقل از معرفت بشری وجود دارد و «معرفت»، توصیفی از آن است و ما دست‌کم از برخی وجوه، به این عالم معرفت داریم. بنابراین، «معرفت»، تصویری از عالم واقع

است (قائمی‌نیا، ۱۳۸۲: ص ۲۷). می‌توان گفت که واقع‌گرایان انتقادی، چنین نتیجه می‌گیرند که تحصیل معرفت فرضی و حسی، امکان‌پذیر است. از نگاه آن‌ها، گرچه نمی‌توان برای صدق گزاره‌ها دلیل موجهی ارائه کرد؛ می‌توان معقول بودن اعتقاد به صدق گزاره‌ای خاص را توجیه کرد. فهم واقعیت ارزشمند است؛ به‌ویژه از آن حیث که اطلاعات قابل اعتمادی دربردارد. اما چگونه می‌توان از صحت و اعتبار گزاره‌های صادق درباره واقعیت آینده مطمئن شد؟ شاید بهترین راه‌حل آن باشد که گزاره‌های مورد استفاده در شکل‌دهی به تصویر آینده، به‌طور مستمر در معرض انتقاد باشد. بدین ترتیب، نقد مستمر، موجب بازبینی سیستم تصویرپردازی و اصلاح آن می‌شود. گزاره‌های صادق، مستحکم و گزاره‌های باطل، حذف می‌شوند و گزاره‌های احتمالی، همچنان در انتظار آزمون می‌مانند. نمودار زیر فراگرد یک خرده سیستم واقعیت‌یاب را نشان می‌دهد و نحوه برخورد آن با انواع گزاره‌ها را در تصویرپردازی واقع‌گرای انتقادی، مورد نظر قرار می‌دهد:



نمودار ۱: فراگرد داخلی خرده سیستم واقعیت‌یاب در تصویرپردازی واقع‌گرای انتقادی

در این رویکرد، همه گزاره‌ها به سیستم اندیشه‌های صدق و کذب وارد می‌شوند. برخی رد و بایگانی می‌شوند و یا در سیستم جست‌وجوی گزاره‌ها، نگهداری می‌گردند. برخی تأیید می‌شوند و قطعه‌ای از تصاویر آینده را شکل می‌دهند؛ و برخی در حالت احتمال مانده، ضمن مورد اعتنا بودن در طراحی تصویر آینده، همچنان در حالت احتمالی باقی می‌مانند تا در محک آزمون‌های بعدی، به اعتبار یا ابطال برسند.

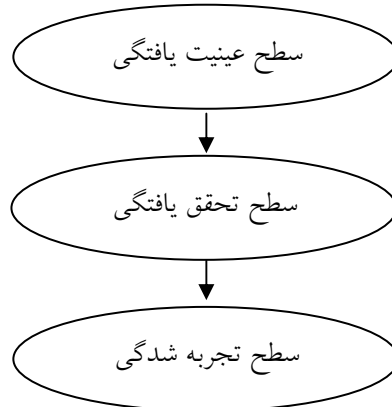
با توجه به این که «واقعیت» در مکتب واقع‌گرایی انتقادی، لایه‌بندی و دارای سطوح گوناگون است، روش‌های آینده‌نگری مبتنی بر سیستم لایه‌ای، بر این مکتب معرفت-شناسی بنا نهاده شده‌اند. رئالیسم انتقادی تلاش می‌کند میان «تبيين» (شرایط عینی) و «تفهم» (معنا در ذهن کنشگران) پل بزند و از تصاویر گوناگون ایجاد شده، رمزگشایی کند (کرلینجر، ۱۳۷۶: ص ۲۹۹).

پیتر آکس در فصل هفتم کتاب تحولات اخیر در روش‌های آینده‌نگاری، از مجموعه کتاب‌های شبکه‌های پیچیده و سیستم‌های پویا، سه سطح را برای مطالعات آینده‌نگاری معرفی می‌کند:

سطح خرد (Micro-level): در این مرحله، اطلاعات و دانش در دسترس و موجود، ارزیابی و رویدادها و ریشه‌های بروز تغییر، شناسایی می‌شود. در واقع این سطح را می‌توان در رویدادنگاری بر مشاهدات عینی و تجربی مبتنی دانست.

سطح واسط یا میانی (Mezo-level): در این سطح، اطلاعات و دانش موجود در سطح خرد، با بهره‌گیری از آرای نخبگان و ذی‌نفعان، بازخوانی می‌شود و روندها و سازکارهای اساسی مرتبط با مهم‌ترین رویدادهای مرحله قبل، شناسایی می‌گردند. انسان‌ها براساس تصاویری که از واقعیت دارند، عمل می‌کنند، نه براساس خود واقعیت. این رویکرد میانی، به رویکرد شناختی نزدیک است؛ رویکردی که معتقد است رفتارها باید از طریق پردازش اطلاعاتی برگرفته از محرک‌ها بررسی شوند، نه از خود محرک‌ها.

سطح کلان (Macro-Level): در این سطح، همه یافته‌های منطقی دو سطح قبل، به صورت یک سازه پیوسته و کلان بازسازی می‌شود و از این طریق، اصول کلی و قواعد کلان حاکم بر پدیده مورد مطالعه، استخراج می‌گردد و تلاش می‌شود الگوی کلان حاکم بر پدیده‌ها، کشف گردد. این نگاه، مبتنی و منطبق بر شناخت آینده‌ای است که در سطح دوم تبیین شده است. سطح کلان آینده‌نگاری، نشان دهنده تلاش‌های فردی و جمعی، برای یکپارچه‌سازی اطلاعات حاصل از سطح خرد، مطابق ابعاد انتخاب شده در سطح میانی و ارائه اصولی برای تسهیل تصمیم‌گیری است (آکس، ۲۰۱۳: ص ۳۰۰).



نمودار ۲: سطوح آینده‌نگاری واقع‌گرا

در هستی‌شناسی پیشنهادی بسکار، جهان از «سازکار»ها تشکیل شده است، نه «رخداد»ها. این سازکارها با هم ترکیب می‌شوند و جریان پدیده‌ها را تولید می‌کنند. رخدادها، مقوله‌ای جدا از تجربیات هستند. پس می‌توان جهانی را فرض کرد که در آن، رخدادها وجود دارند؛ اما تجربه‌ای وجود ندارد؛ یعنی رخدادها، امور محقق شده‌ای هستند که ممکن است تجربه بشوند یا نشوند (بسکار، ۲۰۰۸: ص ۳۷). بر اساس این تحلیل، باید میان سه سطح «عینیت‌یافته»، «تحقق‌یافته» و «تجربی» به شرح شکل زیر تمایز قائل شد:

جدول ۱: سه سطح تحلیل واقع‌گرایی انتقادی (بسکار، ۲۰۰۸)

تجربه‌شدگی	تحقق‌یافتگی	عینیت‌یافتگی	
-	-	√	سازکارها
-	√	√	رخداد
√	√	√	تجربه

«علم»، یک فراگرد در حرکت است که سه لایه دارد، نه سه لحظه. پس حرکت میان لایه‌های اول تا سوم است که موضوعیت دارد، نه خود ایستگاه‌های اول، دوم و سوم. حرکت از لایه یک به لایه دو را نمی‌توان قیاسی دانست؛ چون طی آن، هویت‌های جدید وارد می‌شوند (ماسگریو، ۱۹۹۳: ص ۲۸۶). تصویرپردازی واقع‌گرایی انتقادی، راهی برای نفوذ به تصاویر آینده است؛ راهی که در آن چیزی به آینده تحمیل نمی‌شود؛ ولی در رویکردی عدالت‌گرا و مشارکت‌جو و دمکراتیک، انواع سلايق سالم و غیرمزااحم (بر مبنای دانش نسبتاً قطعی) مورد

نظر قرار گرفته، تلاش می‌شود بهترین تصویر مورد رضایت نسبی جمع، حاصل گردد. به نظر می‌رسد این رویکرد، مناسب‌ترین راه رسیدن به تصویری روشن با بهره‌گیری از اصول اعتقادی و دینی درباره آینده موعود با همکاری و همیاری عامه مردم باشد.

مراحل منطقی تصویرپردازی

با توجه به مباحث مطرح شده، اگر بخواهیم با صراحت و آگاهانه، تصویرپردازی را لحاظ کنیم، گام‌های زیر مورد نظر قرار می‌گیرند:

(الف) مشخص کردن جامعه هدف تصویر؛

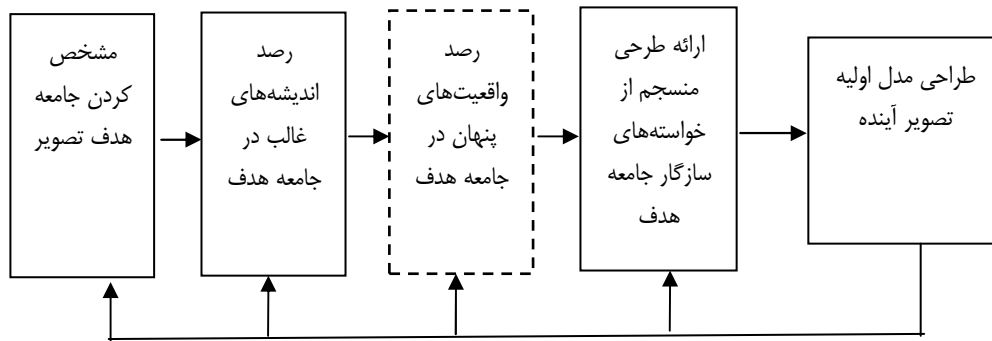
(ب) رصد اندیشه‌های غالب در جامعه هدف؛

(ج) رصد واقعیت‌های پنهان در جامعه هدف؛

(د) ارائه طرحی منسجم از خواسته‌های سازگار جامعه هدف با رویکردی واقع‌گرا؛

(هـ) طراحی مدل اولیه تصویر آینده.

بدین ترتیب، فراگرد زیر مورد نظر قرار می‌گیرد، و در هر بخش، درباره نحوه اجرای مراحل روش تصویرپردازی، برای استخراج تصویر مختصات شهر عدل مهدوی عج به توضیح کوتاهی خواهیم پرداخت:



نمودار ۳: فراگرد تصویرپردازی از آینده

الف) تعیین حدود جامعه هدف

تصویرپردازی از آینده، برای «جامعه هدف» انجام می‌شود؛ جامعه‌ای محدود شده به زمان و مکانی معین. هر چه زوایای گوناگون جامعه هدف، واضح‌تر و روشن‌تر باشد، تصویرپردازی از آینده آن، به‌نحو صحیح‌تر و مطلوب‌تری امکان‌پذیر می‌گردد. از این‌رو، با توجه به موضوع

پژوهش، جامعه هدف تعیین شده، گروهی از نخبگان و پژوهشگران در زمینه پژوهش‌های مهدویت، در ۱۰ سال اخیر انتخاب شدند.

ب) رصد اندیشه‌های غالب جامعه هدف

«جامعه»، بر محور نیاز مردم شکل می‌گیرد؛ مردمی که به جامعه می‌پیوندند، در همه منابع و فرصت‌های آن شریک می‌شوند. افزایش بلوغ و آگاهی و خواست و اراده افراد جامعه، از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر بر طراحی آرمانی جامعه است. همه افراد جامعه، مستقیم و غیرمستقیم در طراحی آرمانی آن مشارکت می‌کنند. حاصل کار این مرحله، معمولاً طراحی یک بسته عملیاتی بزرگ است. جهت آینده‌نگری در این عرصه باید پیش از هر چیز، روندها را شناسایی کرد؛ یعنی الگوی تغییر در داده‌های ثبت شده که با مدهای زودگذر و موقت، که به راحتی پدید آمده و خیلی سریع ناپدید می‌شوند؛ متفاوتند (گوردون، ۲۰۰۸: ص ۹). به علاوه، با شناخت هم‌پوشانی روندها، ارتباط آن‌ها با یکدیگر و رویدادهای قاطع در روش تحلیل روند، سعی می‌شود آثار رویدادهای گوناگون بر ادامه روند کنونی تا آینده مورد بررسی قرار گیرد و روندهای واقعی‌تر، ترسیم شوند. روندپژوهی یا تحلیل روند، یعنی چیدمان منطقی چند رویداد در ذهن تحلیل‌گر؛ به نحوی که نظمی خاص را نمایان سازد (ذوالفقارزاده، ۱۳۹۵: ص ۲۶). در این گام، از روش تصویرپردازی، با توجه به موضوع پژوهش، طراحی تصویر آینده مختصات حکومت عدل مهدوی است. در این مرحله، پس از بررسی‌های انجام شده، روندهای قابل ملاحظه و مورد قبول برای جامعه هدف، بر اساس آیات قرآن حکیم و روایات معتبر، ترسیم شد. در برداشت و تدبیر در آیات و روایات سعی بر آن بود تا در حد امکان، مواردی که مضمون مشترک داشتند (چه در آیات و چه در روایات) به منزله و تأکید مورد اول، مطمح نظر قرار گیرند. همچنین قالب کلی دسته‌بندی در سه‌گانه اداری - مدیریتی، سیاسی - اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی تحلیل گردید.



جدول ۲: آیات دال بر روابط اجتماعی در عرصه‌های گوناگون جامعه

جدول آیات				
ردیف	آیات	ترجمه	منبع	عرصه مربوطه
۱	يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا	ای مردم! از جانب پروردگارتان بر شما حجتی آمد و برای شما نوری آشکار نازل کردیم	قرآن کریم نساء: ۱۷۴	فرهنگی
۲	الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا	آنان که ایمان آورده‌اند، در راه خدا می‌جنگند و آنان که کافر شده‌اند در راه شیطان. پس با هواداران شیطان قتال کنید که مکر شیطان سست است	نساء: ۷۶	سیاسی
۳	وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَّا اسْتَقْبَحْتُمْ مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِن شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تظَلَمُونَ	و تا آن‌جا که می‌توانید نیرو و اسبان سواری آماده کنید تا دشمنان خدا، و دشمنان خود و جز آن‌ها را که شما نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد، بترسانید و آنچه را در راه خدا هزینه می‌کنید، به تمامی به شما بازگردانده شود و به شما ستم نشود	انفال: ۶۰	مدیریتی
۴	إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا	خدا به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانشان بازگردانید و چون در میان مردم به داوری نشینید، به عدل داوری کنید. خدا شما را چه نیکو پند می‌دهد، هر آینه او شنوا و بیناست	نساء: ۵۸	سیاسی اقتصادی

جدول آیات				
ردیف	آیات	ترجمه	منبع	عرصه مربوطه
۵	صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَتَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ	این رنگ خداست و رنگ چه کسی از رنگ خدا بهتر است؟! ما پرستندگان او هستیم	بقره: ۱۳۸	عبادی
۶	لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَأَنْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ	در دین، هیچ اجباری نیست. هدایت از گمراهی مشخص شده است. پس هر کس که به بت کفر ورزد و به خدای ایمان آورد، به چنان رشته استواری چنگ زده که گسستش نباشد. خدا شنوا و داناست	بقره: ۲۵۶	سیاسی
۷	يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ	ای انسان! تو در راه پروردگارت رنج فراوان می‌کشی، پس [پاداش] آن را خواهی دید	انشقاق: ۶	فرهنگی
۸	هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ	او کسی است که پیامبر خود را برای هدایت مردم فرستاد، با دینی درست و بر حق، تا او را بر همه دین‌ها پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان را خوش نیاید	توبه: ۳۳	فرهنگی سیاسی
۹	وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ	و ما در زبور پس از تورات نوشته‌ایم که این زمین را بندگان صالح من به میراث خواهند برد	انبیاء: ۱۰۵	اقتصادی
۱۰	إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون.	این شریعت شماست؛ شریعتی یگانه و من پروردگار شمایم. مرا پرستید	انبیاء: ۹۲	فرهنگی

جدول آیات				
ردیف	آیات	ترجمه	منبع	عرصه مربوطه
۱۱	لَهُ مَعْقِبَاتٍ مِّن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ.	آدمی را فرشتگانی است که پیاپی به امر خدا از رو به رو و پشت سرش، می آیند و نگرهبانی اش می کنند. خدا چیزی را که از آن مردمی است دگرگون نکند تا آن مردم خود دگرگون شوند. چون خدا برای مردمی بدی خواهد، هیچ چیز مانع او نتواند شد و ایشان را جز خدا هیچ کارسازی نیست	رعد: ۱۱	سیاسی
۱۲	وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ.	خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داد که در روی زمین جانشین دیگرانشان کند؛ همچنان که مردمی را که پیش از آن ها بودند، جانشین دیگران کرد و دینشان را که خود برایشان پسندیده است، استوار سازد و وحشت آنان را به ایمنی بدل کند. مرا می پرستند و هیچ چیزی را با من شریک نمی کنند و آن ها که از این پس ناسپاسی کنند، فرومایه اند.	نور: ۵۵	سیاسی

جدول آیات				
عرصه مربوطه	منبع	ترجمه	آیات	ردیف
سیاسی	نمل: ۶۲	امام جعفر صادق <small>علیه السلام</small> در روایتی چنین آمده است: این کلام در مورد قائم وارد شده و اوست که هر لحظه خدا را می خواند، برای دفع دشواری و به زودی پروردگار، وی را بر کرسی اقتدار جهانی می نشاند	أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ	

جدول ۳: روایات دال بر روابط اجتماعی در عرصه های گوناگون جامعه

جدول روایات				
عرصه مربوط	منبع روایات	ترجمه روایات	روایت	ردیف
مدیریتی	الکافی، ج ۱، ص ۵۰۹.	از امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> چنین روایت شده است: همانا خداوند متعال، حجت و خلیفه خود را برای بندگانش الگو و دلیلی روشن قرار داد. همچنین خداوند حجت خود را به تمام لغت ها و اصطلاحات قبایل و اقوام آشنا ساخت. او آنساب همه را می شناسد و از نهایت عمر انسان ها و موجودات و نیز جریان ها و حادثه ها آگاهی کامل دارد و چنانچه این امتیاز وجود نمی داشت، بین حجت خدا و بین دیگران فرقی نبود	قَالَ الْإِمَامُ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small> إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَيَّنَّ حُجَّتَهُ مِنْ سَائِرِ خَلْقِهِ بِكُلِّ شَيْءٍ وَيُعْطِيهِ اللُّغَاتِ وَمَعْرِفَةَ الْأَنْسَابِ وَالْأَجَالِ وَالْحَوَادِثِ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ بَيْنَ الْحُجَّةِ وَالْمَحْجُوجِ فَرْقٌ.	۱



جدول روایات				
ردیف	روایت	ترجمه روایات	منبع روایات	عرصه مربوط
۲	أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرْجِ	در روایتی از امام موسی کاظم <small>علیه السلام</small> چنین آمده است: بهترین عبادت، بعد از شناختن خداوند، انتظار فرج و گشایش است	تحف العقول، ص ۴۰۳	فرهنگی
۴	أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى إختلافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلْزَلِ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ يَقْسِمُ الْمَالَ صِحاحاً فَقَالَ رَجُلٌ مَا صِحاحاً قَالَ: بالسَّوِيهِ بَيْنَ النَّاسِ	در روایتی از پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> چنین آمده است: شما را مژده به ظهور مهدی <small>علیه السلام</small> می‌دهم، که هنگام اختلاف زیاد و زلزله مردم، قیام کند و زمین را پر از عدل و داد کند؛ چنان که از ظلم و ستم پر شده باشد. ساکنان آسمان و زمین از حکومت او راضی خواهند بود و اموال را میان مردم به طور مساوی قسمت کند	بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۱	سیاسی
۵	عن امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> قال: ألا وإن من أدركها منّا يسرى فيها بسراجٍ مُنيرٍ وَ يَخْدُو فيها على مثال الصَّالِحِينَ	در روایتی از امام علی <small>علیه السلام</small> چنین آمده است: بدانید که همانا آن کسی از ما [مهدی <small>علیه السلام</small>] که فتنه‌های آینده را دریابد، با چراغی روشن در آن گام می‌نهد [یعنی، خود دچار فتنه می‌شود و دیگران او را فتنه نمی‌شمارند] و بر سیره و روش صالحان رفتار می‌کند	نهج البلاغه، خ ۱۵۰	مدیریتی سیاسی

جدول روایات				
ردیف	روایت	ترجمه روایات	منبع روایات	عرصه مربوط
۶	<p>قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْأُمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ عَدَدَ شُهُورِ الْخَوْلِ وَ مِنَّا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ لَهُ هَيْبَةٌ مُوسَى وَ بَهَاءُ عِيسَى وَ حُكْمُ دَاوُدَ وَ صَبْرُ أَيُّوبَ</p>	<p>در روایتی از پیامبر ﷺ چنین آمده است: ائمه بعد از من ۱۲ نفرند؛ به تعداد ماه‌های سال و مهدی این امت از ما است، هیبتی موسی گونه دارد و به زیبایی مانند عیسی <small>علیه السلام</small> است و در حکم مانند داود عمل می‌کند و صبر ایوب دارد.</p>	منتخب الاثر، ج ۱، ص ۵۰	سیاسی
۷	<p>عن ابي جعفر <small>عليه السلام</small> أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى حَيْثُ خَلَقَ الْخَلْقَ ... أَخَذَ الْمِيثَاقَ عَلَى أُولَى الْعِزْمِ، أَنَّنِي رَبُّكُمْ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولِي وَ عَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ أَوْصِيَاءُهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ لَوَاهُ أَمْرِي وَ خَزَانَةُ عِلْمِي وَ أَنَّ الْمَهْدِيَّ</p>	<p>در روایتی از امام باقر <small>علیه السلام</small> چنین آمده است: خداوند تبارک و تعالی زمانی که مخلوقات را آفرید ... از پیامبران اولی العزم، پیمان گرفت که من پروردگار شمایم و محمد فرستاده من است و علی و جانشینان بعد از او والیان امر و مخزن علم من هستند [یعنی رهبری علمی و سیاسی به دست آنهاست]، و همانا به وسیله مهدی دینم را یاری می‌کنم و حکومتم را بر پا می‌سازم و از دشمنانم انتقام می‌گیرم و به وسیله او همه را به بندگی خود می‌کشانم، خواه از روی اطاعت باشد و خواه از روی اکراه</p>	اصول کافی، ج ۲، ص ۸	سیاسی



جدول روایات				
ردیف	روایت	ترجمه روایات	منبع روایات	عرصه مربوط
۸	يُخْرِجُ الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي يُصْلِحُ اللَّهُ تَعَالَى أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا.	در روایتی از پیامبر ﷺ چنین آمده است: مهدی که از فرزندان من است، قیام می‌کند؛ در حالی که خداوند یک شبه، امر قیام او را اصلاح می‌کند. پس زمین را همان‌گونه که پر از ظلم و ستم شده است، پر از عدل و داد می‌کند	اعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۳۸۶.	سیاسی
۹	يَخْرِجُ الْمَهْدِيَّ فِي أُمَّتِي يَبْعَثُ اللَّهُ غِيَاثًا لِلنَّاسِ تَنْعِمُ الْأُمَّةُ وَتَعْيِشُ الْمَاشِيَةَ وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَيُعْطِي الْمَالُ صَاحِبًا	در روایتی از پیامبر ﷺ چنین آمده است: مهدی میان امت من قیام خواهد کرد و خداوند او را به طور آشکار برای مردم برانگیزد. [در زمان او] مردم در رفاه و چهار پایان، در آسایش باشند، و زمین رویدنی‌های خود را بیرون دهد و او مال را به طور مساوی میان مردم تقسیم کند.	کشف الغمه، ج ۵۲، ص ۴۷۰	سیاسی اقتصادی
۱۰	إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَرَضَ الْإِيْمَانَ عَلَى كُلِّ نَاصِبٍ فَإِنْ دَخَلَ فِيهِ بِحَقِيقَةٍ وَ إِلَّا ضَرَبَ عُنُقَهُ أَوْ يُؤَدِّي الْجَزِيَّةَ كَمَا يُؤَدِّيهَا الْيَوْمَ أَهْلُ الذَّمَّةِ	در روایتی از امام باقر علیه السلام چنین آمده است: زمانی که قائم ﷺ قیام کند، ایمان را بر هر بت پرستی عرضه می‌کند. پس اگر واقعاً ایمان آورد، او را رها می‌کند و اگر ایمان حقیقی نیاورد، او را به پرداخت جزیه مجبور می‌کند؛ چنان‌که اهل ذمه امروز جزیه می‌دهند	کافی، ج ۲، ص ۲۲۷	مدیریتی سیاسی

جدول روایات				
ردیف	روایت	ترجمه روایات	منبع روایات	عرصه مربوط
۱۱	عَنْ يَمَانَ التَّمَارِ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُلُوسًا فَقَالَ لَنَا إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيِّبَةً الْمُتَمَسِّكُ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْخَارِطِ لِلْقِتَادِ	در روایتی از امام صادق <small>عليه السلام</small> چنین آمده است: همانا برای صاحب الامر غیبتی است، پس هرکسی در دوران او دین خود را حفظ کند، مانند کسی است که خار مگیلان را با دست بتراند.	اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۵	سیاسی
۱۲	تَمَلَّأُ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا فَيَقُومُ رَجُلٌ مِنْ عِتْرَتِي فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا يَمْلِكُ سَبْعًا أَوْ تِسْعًا	در روایتی از پیامبر <small>صلى الله عليه وآله</small> چنین آمده است: زمین پر از ظلم و ستم گردد؛ پس مردی از عترت من قیام کند و آن را پر از عدل و داد گرداند و هفت یا نه سال سلطنت کند.	بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۸ و کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۸.	مدیریتی سیاسی
۱۳	لَا تَنْقُضِي السَّاعَةَ حَتَّى يَمْلِكَ الْأَرْضَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ قَبْلَهُ جَوْرًا يَمْلِكُ سَبْعَ سِنِينَ	در روایتی از پیامبر <small>صلى الله عليه وآله</small> آمده است: قیامت منقضی نخواهد شد تا این که مردی از اهل بیت من به سلطنت رسد و او زمین را پر از عدل و داد کند؛ چنان که پر از ظلم شده باشد و مدت سلطنت ایشان هفت سال است.	کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۸	سیاسی



جدول روایات				
ردیف	روایت	ترجمه روایات	منبع روایات	عرصه مربوط
۱۴	طوبی لَمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ، يَأْتِمُّ بِهِ وَبِأَيِّمَةِ الْهُدَى مِنْ قَبْلِهِ، وَيَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ مِنْ عَدُوِّهِمْ، أَوْلِيكَ رُفَقَائِي وَأَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ	در روایتی از پیامبر ﷺ آمده است: خوشا به حال کسی که زمان قائم ﷺ را درک کند؛ در حالی که قبل از قیامش از او پیروی می‌کرده، به او و ائمه هدا قبل از او متمسک شده و از دشمنانشان، به سوی خداوند بیزار جسته است. آن‌ها دوستان من و کریم‌ترین افراد امت من هستند	بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۲	فرهنگی
۱۵	إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ	در روایتی از امام باقر علیهما السلام آمده است: زمانی که قائم ﷺ قیام کند، هیچ سرزمینی نمی‌ماند، مگر این که ندای شهادتین: لا اله الا الله و محمد رسول الله در آن طنین افکند	بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰	سیاسی فرهنگی
۱۶	كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى شَيْعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ، قَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ	در روایتی از امام علی علیهما السلام چنین آمده است: و شیعیان ما، اهل بیت علیهما السلام را می‌بینم که در مسجد کوفه گرد آمده و در خیمه‌هایی برافراشته‌اند و در آن‌ها قرآن را آن چنان که نازل شده است، به مردم یاد می‌دهند	الغیبة نعمانی، ص ۳۱۸.	سیاسی
۱۷	يُطَهِّرُ اللَّهُ (عَزَّوَجَلَّ) لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَ مَعَادِنَهَا	در روایتی از پیامبر ﷺ آمده است: خداوند، گنج‌های زمین و معادن آن را برای امام مهدی ﷺ ظاهر خواهد کرد	کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۹۴.	اقتصادی

ج) رصد واقعیت‌های موجود

کار اصلی این مرحله، «رصد» تحولات داخلی و خارجی سیستم، برای بهینه‌سازی منافع در هر وضعیت محتمل است. در این مرحله از گام‌های تصویربرداری، می‌توان از روش «دیده-بانی»، به‌عنوان فراگرد که به رصد این مرحله کمک می‌کند نام برد. «دیده‌بانی» فعالیتی مستمر است که ناظر بر مسئله‌ای معین و براساس شاخص‌هایی ویژه عوامل و عناصر محیط (واقعیت‌های موجود در رفتار جامعه هدف) را شناسایی می‌کند. سیستم دیده‌بانی، می‌کوشد با پویش و پایش آخرین تحولات و پیشرفت‌ها و علایم ضعیف‌تغییر، احتمال غافلگیری سازمان را در برابر تغییرات و تحولات کاهش دهد. دیده‌بانی به کشف ارتباط درونی اطلاعات محیطی در حوزه رویدادها و روندها می‌پردازد؛ روندهایی که ممکن است. بالقوه بر جریان تصمیم‌گیری سازمان تأثیر بگذارند (منزوی و همکاران، ۱۳۸۸: ص ۵۰). در این گام، از همان عوامل بالفعل در نظریه واقع‌گرایی انتقادی استفاده می‌شود. در این پژوهش، واقعیت‌های موجود، همان استنباط‌هایی هستند که جامعه هدف (نخبگان حوزه مهدویت)، درباره مختصات حکومت مهدوی علیه‌السلام در آثار و نوشته‌های خود به آن‌ها اشاره کرده‌اند و ما بعد از بررسی‌های فراوان و توجه به تکراری نبودن موارد یاد شده توسط نخبگان و صاحب‌نظران این حوزه، در قالب جدول زیر، آن‌ها را طبقه‌بندی کرده‌ایم:

جدول ۴: آراء و دیدگاه‌های خبرگان مهدویت درباره مختصات حکومت مهدوی علیه‌السلام

ردیف	آراء و نظرات نخبگان و صاحب‌نظران حوزه مهدویت	مختصات حکومت مهدوی <small>علیه‌السلام</small>
۱	نزول ارزاق و نعمت‌ها از آسمان و و نمایان شدن نعمت‌های زمین	سیاسی-اقتصادی
۲	کامل کردن علوم	اداری-مدیریتی
۳	ارث زمین به اولیای خدا	سیاسی-اقتصادی
۴	وسعت دیداری و شنیداری مؤمنان	اداری-مدیریتی
۵	احیای بندگان و شهرها	سیاسی-اقتصادی
۶	همنشینی ملائک با مؤمنان	فرهنگی-اجتماعی
۷	برقراری امنیت به‌منظور عبودیت خدا	سیاسی-اقتصادی
۸	حکومت صالحان	سیاسی-اقتصادی
۹	عدالت ورزی نسبت به همه بندگان؛ چه نیکوکار و چه بدکردار	سیاسی
۱۰	بازگرداندن همه حق‌ها به صاحبانش	اداری-مدیریتی

ردیف	آراء و نظرات نخبگان و صاحب‌نظران حوزه مهدویت	مختصات حکومت مهدوی ﷺ
۱۱	یافت نشدن فرد محتاج صدقه	سیاسی-اقتصادی
۱۲	اقامه همه سنت‌ها	فرهنگی-اجتماعی
۱۳	از میان بردن همه بدعت‌ها	فرهنگی-اجتماعی
۱۴	به صحنه آوردن همه کتاب‌های آسمانی	فرهنگی-اجتماعی
۱۵	حکم کردن بین همه مردم بر اساس کتاب آسمانی مورد پذیرش	اداری-مدیریتی
۱۶	فراوان شدن دام و احشام	سیاسی-اقتصادی
۱۷	گرد آوردن همه دارایی‌های آشکار و نهان زمین نزد او	سیاسی-اقتصادی
۱۸	پذیرش اسلام از سوی همگان	فرهنگی-اجتماعی
۱۹	بزرگی یافتن منزلت امت	اداری-مدیریتی
۲۰	فراهم آمدن امکان دیدن یکدیگر با وجود بعد مسافت	اداری-مدیریتی
۲۱	امنیت یافتن راه‌ها	سیاسی-اقتصادی

د) ارائه طرحی منسجم درباره خواسته‌های سازگار جامعه هدف با رویکردی واقع‌گرا

واقعیت‌های متن پژوهش، آیات و روایات، باید در شمار ملاحظات فنی بحث، مورد نظر قرار گیرند. همچنین در باب خواسته‌های جامعه هدف (آثار و ملاحظات نخبگان حوزه مهدویت) و ملاحظات انسانی، می‌توان گفت تحقق خواسته‌های انسانی، بدون توجه به ملاحظات فنی محیط ممکن نیست. بنابراین، در تصویرپردازی از آینده، باید به‌گونه‌ای عمل کرد که همواره میان ملاحظات انسانی و فنی، وضعیت تعادلی متناسب برقرار بماند. با توجه به مفروضات پایه‌ای، معرفت‌شناسی واقع‌گرایی انتقادی و انگاره‌ای جهان لایه‌بندی شده، در این مرحله از پژوهش، از تحلیل لایه‌ای واقع‌گرایی انتقادی استفاده شد. سطوح مورد بررسی عبارتند از:

سطح اول: سطح خرد (Micro-level): «رویدادنگاری مبتنی بر مشاهدات عینی و تجربی» که در بحث ما بر اساس بررسی آیات و روایات در این حوزه مورد توجه قرار گرفت. سطح دوم: میانی (Mezo-level): «بهره‌گیری از آرای نخبگان و ذی‌نفعان در بازخوانی» که در بحث ما در قالب بررسی آرا و دیدگاه‌های خبرگان درباره مختصات حکومت مهدوی ﷺ و نحوه انعکاس در آثار آن‌ها، مطرح می‌گردد.

سطح سوم: سطح کلان (Macro-Level): «همه یافته‌های منطقی دو سطح قبل، به

صورت یک سازه پیوسته و کلان منسجم می‌گردند و اصول کلی و قواعد کلان حاکم بر پدیده مورد مطالعه، استخراج می‌شود و در جهت کشف الگوی کلان حاکم بر پدیده تلاش می‌شود» (آلکس، ۲۰۱۳: ص ۳۰۰). نکته اصلی در این گام، بررسی و تحلیل اطلاعات به دست آمده از دو مرحله قبلی و تجمیع آن‌هاست. این یافته‌ها در جدول ۵ ارائه شده‌اند:

جدول ۵: طرح رویکرد واقع‌گرایی از مختصات اداری-مدیریتی

منابع اخذ	عینیت یافتگی	تحقق یافتگی	تجربه‌شدگی	عرصه مربوط
آیات و روایات	آیات مرتبط	-----	-----	
	روایات مرتبط			
رخدادها: آرا و دیدگاه‌های نخبگان و اندیشمندان مهدویت		آرا و دیدگاه‌های خبرگان مهدویت درباره مختصات حکومت مهدوی <small>عج</small>	-----	مختصات اداری-مدیریتی
سازکارهای	-----	-----	تجمیع عقل‌ها و ایجاد تمرکز علمی روند توانبخشی همگانی بودن توسعه انسان‌سازی بهبود اعتماد‌سازی فتنه زدایی تقسیم عادلانه ثروت‌ها و امکانات رشد و بلوغ انسان‌هایی آگاه و فداکار استقرار عدل و قسط در همه ابعاد حاکمیت قانون و برابری همگان در برابر آن	مختصات اداری-مدیریتی



منابع اخذ	عینیت یافتگی	تحقق یافتگی	تجربه شدگی	عرصه مربوط
			حفظ و توسعه محیط زیست پیشرفت علم و دانش اجرای عدالت توزیع ثروت‌ها به صورت عادلانه	
			آشکار شدن همه گنج‌ها و ذخایر و برکات زمین تناسب در رشد عناصر توسعه ایجاد جامعه جهانی ایجاد توسعه پایدار توسعه رفاه و آسایش عمومی استقرار حکومت واحد جهانی شکوفایی اقتصادی در عصر ظهور. برخورد قاطع با بدعت‌طلبان. رسالت جهانی برای گسترش عدل و ریشه‌کنی ظلم جهانی ساختن توحید استحکام امنیت	مختصات سیاسی- اقتصادی
			ترویج فرهنگ شایسته- سالاری و فرهنگ حق مداری اخلاق اسلامی به جامعه جهانی عرضه می‌گردد توسعه فرهنگی انجام می- پذیرد نظام‌های ملی و قومی در هم تافته می‌شوند قسط و عدالت اجتماعی،	مختصات فرهنگی- اجتماعی

منابع اخذ	عینیت یافتگی	تحقق یافتگی	تجربه شدگی	عرصه مربوط
			تحقق می‌یابد اسلام به عنوان دین واحد شناخته می‌شود احیا کردن کلمه الله ایجاد هنجارهای جدید براساس آیات قرآن	

هـ) طراحی مدل خام تصویر آینده

بعد از طی همه مراحل قبل، امکان «طراحی خام» و ایده اولیه تصویر آینده فراهم می‌شود. این تصویر براساس ملاحظات فنی و احساسی، با ملاحظه واقعیت‌های موجود و در حال پدیدآیی تدوین می‌شود. این تصویر، مدل خام و اولیه تلقی می‌شود و ویژگی بارز آن، «واقع-گرایی» است؛ زیرا امکان تحقق را به مثابه یک اصل مهم، همواره مورد نظر قرار می‌دهد. در این مرحله، باید ضمن پرهیز از وهم‌پردازی‌های بدبینانه ناشی از اعتقاد به نظریه توطئه یا ساده‌اندیشی‌های خوشبینانه؛ در پرتو رویکرد واقع‌نگرانه، تصویرپردازی‌های مذکور را بر اساس معیارها و اصول روش‌شناختی نظریه‌پردازی، چون استلزام منطقی، رعایت شرایط انتاج، آزمون‌پذیری و ابطال‌پذیری، توسعه داد. بر همین اساس، می‌توان تصاویر زیر را از مختصات شهر عدل مهدوی عج بیان کرد:

۱. تصویر مختصات اداری - مدیریتی

«کارگزاران» یکی از ارکان مهم حکومت هستند. وقتی مسئولان حکومتی، افرادی شایسته باشند، کار دولت و ملت به سامان خواهد رسید و دستیابی به اهداف حکومت، آسان‌تر خواهد بود. حضرت مهدی عج به‌منزله رئیس حکومت جهانی، برای مناطق گوناگون عالم، حاکمانی از میان بهترین یاوران خود بر می‌گزیند. آن‌ها همه ویژگی‌های یک حاکم اسلامی را از قبیل دانش مدیریت، تعهد و پاکی در نیت و عمل و شجاعت در تصمیم‌گیری، دارا هستند. با این حال، شخص امام، به‌منزله فرمانروای بزرگ جهان، به طور مداوم عملکرد حاکمان را زیر نظر دارد و با شدت و دقت و بدون چشم‌پوشی، عملکرد آن‌ها را تحت حسابرسی قرار می‌دهد. شاخص‌های این تصویر را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:



- الف) تجميع عقلها و ايجاد تمرکز علمی؛
 ب) روند توانبخشی، همگانی خواهد بود و با این روند، همه ظرفیتها در جهان آفرینش کشف می‌شود؛
 ج) توسعه انسان‌سازی؛
 د) بهبود اعتمادسازی؛
 ه) فتنه‌زدایی؛
 و) تقسیم عادلانه ثروتها و امکانات؛
 ز) رشد و بلوغ انسان‌هایی آگاه و فداکار؛
 ح) استقرار عدل و قسط در همه ابعاد؛
 ط) حاکمیت قانون و برابری همگان در برابر آن؛
 ی) حفظ و توسعه محیط زیست؛
 ک) پیشرفت علم و دانش؛
 ل) اجرای عدالت؛
 م) توزیع ثروتها به صورت عادلانه.

۲. تصویر مختصات سیاسی - مالی

از بعد سیاسی، در طول تاریخ پیوسته شاهد شکست مکتب‌ها و حکومت‌های گوناگون در صحنه جهانی بوده‌ایم. سالیان دراز دو ایده غالب «کاپیتالیسم» (نماینده اندیشه لیبرال دموکراسی غرب) و «کمونیسم» (نماینده سوسیالیسم)، بر افکار و اندیشه‌های سیاسی جهان معاصر، حاکم بودند. امروزه گویا بشر از همه مکتب‌ها و ایدئولوژی‌ها ناامید شده در جست‌وجوی اندیشه‌ای برتر است. مختصات شهر عدل مهدوی علیه السلام در امتداد این رویکرد طراحی و تصویرپردازی می‌شود. باور به مهدویت، اندیشه‌ای جهانی است و این اندیشه، برای جهان و اداره آن، طرح و برنامه دارد. مهدویت در عرصه حکومت، دارای اهداف بلند و ارزشی است و می‌توان آن را برای حکومت دینی، به عنوان طرحی راهبردی تلقی کرد. اگر مهدویت به خوبی تبیین شود، حرکت‌های اصلاحی بر سراسر جهان تأثیر می‌گذارد. روش امام مهدی علیه السلام در امور اقتصادی حکومت نیز بر مبنای استقرار برابری و مساوات قرار دارد. این همان روش پسندیده‌ای است که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وجود داشت. از شاخصه‌های شیوه اقتصادی حکمرانی امام آن

است که در جهت رفع نیازهای مادی و ایجاد رفاه معقول برای زندگی همه افراد، اموال فراوانی به مردم بخشیده می‌شود و هر نیازمندی که در حاکمیت وی چیزی طلب می‌کند، به آن می‌رسد بلکه اصولاً در حاکمیت آن حضرت نیازمندی یافت نمی‌شود. مؤلفه‌های این حاکمیت عبارتند از:

الف) تناسب در رشد عناصر توسعه؛

ب) ایجاد جامعه جهانی؛

ج) ایجاد توسعه پایدار؛

د) ایجاد رفاه و آسایش عمومی؛

ه) استقرار حکومت واحد جهانی؛

و) شکوفایی اقتصادی در عصر ظهور؛

ز) برخورد قاطع با هر کس که بخواهد مقررات را دستمایه رسیدن به هدف‌های خود قرار دهد؛

ح) حکومت مهدوی عجله الله تعالی فرجه برای گسترش عدل و ریشه کنی ظلم رسالت جهانی دارد؛

ط) زمینه سازی برای پرستش حق و جهانی ساختن توحید؛

ی) مبارزه با انواع ظلم و استحکام امنیت.

۳. تصویر مختصات فرهنگی - اجتماعی

بر اساس نگرش اندیشه‌ورزان اسلامی، عوامل اصلی تغییرات و دگرگونی‌ها، پیش از آن که ساختارها و نهادهای حکومتی باشند، عوامل فرهنگی است و تحت تأثیر خواست و اراده خود انسان شکل می‌گیرد. آن دسته از تغییرات اجتماعی که سرچشمه‌ای الهی دارند، با اتکا به باورها و اعتقادات الهی و آسمانی شکل می‌گیرند و شرایط خارجی بر آن‌ها تأثیر ندارد؛ هر چند از جنبه اجرایی، به عوامل بیرونی متکی بوده، با قواعد و مقررات ناظر بر موفقیت در جهان واقع سر و کار دارند.

گویا سنت تغییرناپذیر الهی، بر این مهم استوار است که اجرا و ایجاد تغییرات اصلاحی، با ملاحظه به عوامل خارجی، فضای مناسب و جو عمومی انجام پذیرد (صدر، ۱۳۸۲: ص ۱۰۶). بنابراین، از دیدگاه شیعه، هر چند ظهور منجی‌باوری از باورهایی است که سرچشمه‌ای الهی دارند؛ تحقق آن به تلاش و بلوغ عامه مردم منوط است. بنابراین، برای



تحقق شهر عدل باید موارد زیر تحقق یابند:

الف) فرهنگ شایسته‌سالاری و فرهنگ حق‌مداری حاکمیت یابد؛

ب) اخلاق اسلامی به جامعه جهانی عرضه گردد؛

ج) توسعه فرهنگی، متناسب با فطرت و نهاد انسان‌ها و کوشش در جهت بازگرداندن آنان به جایگاه اصیل انسانی خود انجام پذیرد؛

د) قسط و عدالت اجتماعی تحقق یابد؛

ه) اسلام به عنوان دین واحد شناخته شود؛

و) «کلمة الله» شناخته شود و اعتلا یابد؛

ز) هنجارهای جدید، براساس قرآن و رهنمودهای اسلام، تفسیر و جایگزین سنت‌ها و هنجارهای جاهلی گردند.

نتیجه‌گیری

در پرتو حاکمیت جهانی امام زمان علیه السلام، جامعه بشری به بهترین شیوه اداره می‌شود. بشر راه رشد و کمال را طی می‌کند و آرزوی دیرینه همه پیامبران و امامان برآورده می‌گردد. به جای جنگ و ظلم و ستم در بین مردم، روابطی صمیمی و صلح و آشتی برقرار می‌شود و جامعه انسانی تابع اصول والا و ارزش‌ها متعالی می‌شود. احکام عدل اسلامی احیا شده، با گسترش آن‌ها، حقایق بیکران قرآن آشکار می‌شود. در واقع، از آثار عدالت فراگیر مهدوی، آن است که حقوق بر باد رفته مردم از ستمگران بازستانده می‌شود؛ امکان رشد و تعالی و آموزش برای همه افراد و همه قشرها فراهم می‌گردد؛ در جامعه امن مهدوی، قانون حاکم می‌شود؛ میان انسان و طبیعت آشتی برقرار می‌گردد و در مجموع می‌توان گفت که جامعه عدل برپا می‌شود. به طور کلی، گویا در متون دینی، در تبیین ویژگی‌های جهان آخرت و تصویرپردازی از آخرالزمان تعمّدی وجود دارد. توجه شود که اگر اراده خداوند بر این تعلق می‌گرفت که خبری از آینده مطرح نشود، قطعاً این کار را می‌کرد؛ ولی اکنون بنابر اراده قاهر الاهی، موضوع معاد که ماهیتی آینده‌نگرانه دارد، یکی از ارکان اصلی و اعتقادی دین بوده، بخش مهمی از آیات و روایات، به دو آینده محتوم دنیوی (مهدویت) و اخروی (معاد) اشاره دارند. بنابراین، آینده‌پژوهان و رهبران بزرگ می‌توانند در پرتو همین رویکرد، پیشاپیش آرمان‌های مطلوب و مورد انتظار خویش را ترسیم کرده، تصویرپردازی کنند. آن گاه افراد و جوامع را به

سوی تصاویر برتر خود سوق داده و موجب حرکت‌های اجتماعی سازنده گردند. بنابراین، اتخاذ رویکرد واقع‌گرایی انتقادی برای تصویرپردازی از آینده، بر اساس مختصات حکومت عدل مهدوی علیه السلام دارای پیشینه در آیات الاهی و معصومان است. در این پژوهش با هدف تصویرپردازی واقع‌گرا از آینده، تلاش شده است حتی‌المقدور، روایت سالم‌تر و دقیق‌تری از مختصات حکومت امام مهدی علیه السلام ارائه گردد.



منابع

- قرآن کریم.
 نهج البلاغه.
۱. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). *کشف الغمة فی معرفة الاثمه*، بیروت، چاپ مکتبه بنی هاشمی.
 ۲. مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۴ق). *بحار الانوار*، بیروت، موسسه الوفاء.
 ۳. بیاضی، علی (۱۳۸۴ق). *الصراط المستقیم*، نجف، المکتبه الحیدریه.
 ۴. پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۲). *تصویرپردازی از آینده: استراتژی اقدام در سیستم‌های اجتماعی*، تهران، *سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی*، انتشارات سخن سمت.
 ۵. _____ (زمستان ۱۳۸۷). «گذار از حصارهای شیشه‌ای معرفت‌شناسی با تأکید بر الزامات زبان‌شناختی»، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، سال اول، شماره ۱.
 ۶. _____ (۱۳۸۹). *مدیریت قرآن کریم*، تهران، انتشارات اسوه.
 ۷. حرانی، ابن شعبه (۱۳۶۳). *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، قم، چاپ علی اکبر غفاری.
 ۸. رضایان قیه‌باشی، احد و علی اصغر پورعزت (پاییز ۱۳۹۷). «ساخت اجتماعی آینده، در پرتو مطالعات میان‌رشته‌ای»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
 ۹. ذوالفقارزاده کرمانی، محمدمهدی (۱۳۹۵). «آینده‌نگری جریان اربعین: مبانی معرفتی، پرسش‌های اساسی و روزه‌های پاسخ‌دهی»، کوفه، کنگره عهد مع الحسین ع.
 ۱۰. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۹ق). *منتخب الاثر*، قم، مؤسسه سیده المعصومه.
 ۱۱. صدر، سید محمدباقر (۱۳۸۲). *رهبری بر فراز قرن‌ها (گفت‌وگو درباره امام مهدی ع)*، تحقیق: عبدالجبار شراره، مترجم: مصطفی شفیع، تهران، انتشارات موعود.
 ۱۲. قائمی‌نیا، علیرضا (تابستان ۱۳۸۲). «دو نوع رئالیسم: خام و انتقادی»، فصلنامه ذهن، قم، شماره ۱۴.
 ۱۳. کارگر، رحیم (بهار ۱۳۸۹). «آینده‌پژوهی قرآنی و جایگاه مهدویت در آن»، *انتظار موعود*، قم، شماره ۳۲.
 ۱۴. کرلینجر، فردان (۱۳۷۶). *مبانی پژوهش در علوم رفتاری*، مترجم: حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی‌زند، تهران، انتشارات آوای نور.
 ۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۲). *اصول کافی*، مترجم: محمدباقر کمره‌ای، تهران، انتشارات اسوه.
 ۱۶. _____ (۱۳۶۴). *روضه کافی*، مترجم: رسول هاشم، تهران، ناشر حوزه علمیه اسلامی.

۱۷. گودرزی، غلامرضا (تابستان و پاییز ۱۳۸۴). «تصمیم‌گیری بر مبنای چشم‌انداز موعودگرا، الگویی در حوزه سیاست‌گذاری عمومی»، فصلنامه کمال مدیریت، تهران، شماره ۶ و ۷.
۱۸. منزوی، مسعود، و دیگران (۱۳۸۸). *آینده‌پژوهی؛ مفاهیم، روش‌ها، تهران، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی - مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.*
۱۹. مولکی، مایکل (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی معرفت علمی*، مترجم: حسین کچوئیان، تهران، نشر نی.
۲۰. یزدی حائری، علی (۱۴۲۲ق). *إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب*، بیروت، مؤسسة الاعلمی.
21. Bhaskar, Roy , 2008, *A Realist Theory of Science*. London: Routledge
22. Bell, D. (2004). *Cyberculture: The key concepts*. Psychology Press.
23. Dator, James (1996) *Futures Studies as Applied Knowledge*, New Thinking for a New Millennium: ed. R. Slaughter, London: Routledge
24. Der Derian J, (2009), *Yirtuou War: Mapping the Military- Industrial-media Entertainment Network*. London: Routledge. Boulder, CO: Westview Press.
25. Gordon, A. 2008. *Future savvy: identifying trends to make better decisions, manage uncertainty, and profit from change*. AMACOM Div American Mgmt Assn.
26. Hoyle, John (1995). *Leadership and Futuring: Making Visions Happen*. Thousand Oaks: Corwin Press
27. Mugrave, Alan. (1993). *Common Sense, Science and Scepticism* Cambridge: Cambridge University Press
28. Péter Alács, (2013). *Recent Developments in Foresight Methodologies*, Complex Networks and Dynamic Systems 1, Chapter 7 Micro-Meso-Macro: From the Heritage of the Oracle to Foresight DOI
29. Pourezzat, Ali Asghar; Mollae, Abdolazim; Firouzabadi, Morteza, 2008; "Building the future: Undertaking proactive strategy for national outlook", *Futures: the journal of policy, planning and futures studies*, Vol. 40, PP. 893 - 887



تحلیل روش شناسی عقلی مهدویت پژوهی

حسین الهی نژاد^۱

چکیده

حوزه «مهدویت پژوهی» به عنوان حوزه‌ای مطالعاتی به منظور استاندارد سازی معرفتی و ساختارمندی دانشی نیاز به موضوع و موضوع شناسی، غایت و غایت شناسی، مسائل و مسائل شناسی، روش و روش شناسی سامان یافته است. از آن جا که مسائل مهدویت پژوهی از نظر ماهیت شناختی و تبارشناختی دارای گونه‌گونی و تنوعات خاصی می‌باشند؛ جهت توجهی‌ها آن‌ها به روش‌های مختلف، نظیر روش نقلی، روش عقلی، روش تجربی و روش شهودی نیاز است. نوشتار پیش رو بر اساس رسالت تعریف شده، تنها به طرح روش شناسی عقلی مهدویت پژوهی پرداخته است. این پژوهش ابتدا به تحلیل چستی روش عقلی و تنوعات آن پرداخته و در ادامه مقولات سه گانه روش، نظیر ماده روش، صورت روش و سالک روش تبیین شده است و در ادامه به بحث روش شناسی عقلی مهدویت پژوهی توجه شده و به گوناگونی آن، نظیر روش عقلی محض (مستقلات عقلی)، روش عقلی تلفیقی (غیر مستقلات عقلی) مثل روش عقلی - نقلی و عقلی - تاریخی و عقلی - شهودی، به تحلیل مصداقی پرداخته و چگونگی کاربرد آن‌ها را در حوزه مهدویت پژوهی به بحث گذاشته است.

واژگان کلیدی: مهدویت پژوهی، روش، روش شناسی، روش عقلی، مسائل مهدویت

پژوهی، روش مهدویت پژوهی.

مقدمه

حوزه مهدویت پژوهی دارای قابلیت‌ها، ظرفیت‌های بالای درونی و بیرونی با رویکرد

۱. دانشیار گروه آینده پژوهی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی hosainelahi1212@gmail.com

دانشی و فلسفه دانش است. این حوزه از نظر «موضوع»، دارای ابعاد و وسعت قلمرویی و از نظر «مسائل»، دارای تنوعات ماهیتی و رویکرد چند تباری است و از نظر «حوزه دانشی» با دو نگرش پسینی و پیشینی است که با رویکرد پسینی با حوزه‌های مختلفی، چون رشته و گرایش و با رویکرد پیشینی با حوزه‌های مختلفی، نظیر میان رشته و چندرشته قابلیت بازخوانی و توجیه پذیری دارد. بی شک با توجه به این همه قابلیت‌ها و بایستگی‌های عظیم دانشی در حوزه مهدویت پژوهی و با این همه گستردگی و پر دامنگی موضوعی و مسائلی و با این همه تنوعات دانشی و معرفتی؛ نمی‌توان آن را تک‌تباری و تک‌روشی قلمداد کرد و نمی‌توان با قواعد علم و شیوه‌ای واحد، موضوع و مسائل آن را پردازش کرد، بلکه درست آن است که اولاً، موضوع مهدویت با نگرش علمی به‌درستی بررسی شود؛ ثانیاً، مهدویت پژوهی مورد توجه علوم مختلف قرار گیرد؛ ثالثاً، مسائل آن در علوم مختلف مورد تحقیق و پژوهش واقع شود؛ رابعاً، روش‌ها و شیوه‌های مختلفی برای توجیه مسائل مهدویت پژوهی به کار گرفته شود.

بنابراین، مقوله مهدویت که موضوع مهدویت پژوهی است، به دلیل ابعاد و جهات گوناگون و نیز آموزه‌های مهدویت به دلیل تفاوت‌های ماهیتی، تباری، رویکردی، کارکردی و کاربردی؛ هیچ وقت با روش و اسلوب واحدی قابل توجیه نیستند، بلکه روش‌های مختلفی با الزامات و قواعد گونه‌گونی باید به خدمت گرفته شوند تا بتوان به توجیه مهدویت و مسائل آن دست زد. بر این اساس، اصل مهدویت که به عنوان گرایشی وجدانی و عمومی مطرح است، با فطرت و امور فطری توجیه می‌شود و نیز به دلیل کلیت و ضرورت مهدویت در عالم هستی، عقل و قواعد عقلی عهده دار اثبات آن هستند. مسائل مهدویت نیز به دلیل همین تفاوت‌های ماهیتی، تباری، رویکردی و... هر کدام با روش و اسلوب خاص خودش توجیه پذیر است. مثلاً برخی از طریق عقل و قواعد عقلی و برخی دیگر از راه نقل و الزامات نقلی و برخی دیگر از طریق تجربه و قواعد تجربی و برخی دیگر از طریق شهود و الزامات کشفی و برخی دیگر از طریق تاریخ و گزارش‌های تاریخی قابل اثبات هستند.

تفاوت‌های روشی علوم، متفرع بر تفاوت‌های ماهیت شناختی

بی‌شک روش علوم با توجه به موضوعات، غایات، منابع و ابزارهای معرفتی آن‌ها، متنوع و متفاوت خواهند شد. مثلاً در «فلسفه مطلق» که موضوع آن «موجود بما هو موجود»

و غایت آن «شناخت احکام کلی وجود»، و منبع و ابزار آن «عقل تجریدی» است؛ باید از روش قیاس و برهان بهره گرفت و در «طبیعت‌شناسی» به تناسب موضوع، اهداف و ابزار معرفتی آن، باید از روش تجربه حسی استفاده کرد و در «علم تاریخ»، روش نقل توأم با تحلیل‌های عقلی راهگشا و سودمند است. پس روش علوم با توجه به موضوعات، اهداف و منابع و ابزار معرفتی آن‌ها مشخص می‌گردد. روش‌شناسی هر حوزه متفرع بر ماهیت‌شناسی آن حوزه است. روش‌شناسی مهدویت پژوهی نیز بر ماهیت‌شناسی حوزه مهدویت پژوهی مبتنی است. بنابراین، هنگامی می‌توان تصویر درستی از روش‌شناسی مهدویت پژوهی داشت که ابتدا تصویر درستی از ماهیت‌شناسی مهدویت پژوهی و موضوع و مسائل آن حاصل شود. بی‌شک اگر حوزه مهدویت پژوهی و مسائل آن با این تفاوت‌های ماهیتی، تباری و رویکردی با راه و روش واحدی دنبال شود و با اسلوب و قاعده یکسانی توجیه و تبیین گردد؛ تفاوت ندارد این تک‌نگرشی که در واقع نگاه افراطی به مهدویت و مسائل آن است با محوریت نقل باشد، یا با محوریت عقل و یا روش‌های دیگر.

تنوع روشی در شناخت مسائل اسلامی

با نگرش کلی می‌توان مسائل اسلامی را سه دسته دانست: یک دسته مسائل «عقلی محض» اند و از راه نقل نمی‌توان آن‌ها را اثبات کرد؛ مانند وجود خداوند، علم خداوند، حکمت خداوند و مانند هر عقیده‌ای که مبنای شریعت و وحی باشد. این گونه عقاید را نمی‌توان از راه شرع اثبات کرد؛ زیرا به دور و مصادره به مطلوب می‌انجامد. دسته‌ای از مسائل، «نقلی محض» اند و عقل در آن جا هیچ راهی ندارد؛ مانند مسائل جزئی مربوط به معاد. به قول ابن سینا در مسئله معاد جسمانی، یعنی جزئیات و مسائل مربوط به این قسم معاد، دست عقل کوتاه است. چگونگی عذاب، نعمت‌های بهشت، صراط، میزان و مانند آن، مسائلی است که از راه نقل به ما رسیده و عقل تنها می‌تواند مبنای نقلی را اثبات کند که همان وحی باشد. دسته سوم، «مسائل اسلامی» است که هم از راه عقل و هم از راه نقل قابل اثبات است. توحید و اصل یگانگی خداوند از این گونه مسائل است. مسئله «امامت» از آن دسته مسائل اعتقادی است که هم با عقل می‌توان آن را بررسی کرد و هم از طریق نقل (جوادی آملی، ۱۳۸۶ الف: ج ۱، ص ۳۶۹). مهدویت نیز در زمره مباحث امامت قرار دارد؛ یعنی هم از طریق عقل و هم از طریق نقل و هم از طریق تلفیقی عقل و نقل قابلیت توجیه دارد.



تنوعات روشی در معرفت حصولی و حضوری

به طور کلی مقوله شناخت بر دو قسم «حصولی» و «حضوری» است. در شناخت حصولی سه روش معرفتی وجود دارد: «حس و ادله تجربه»، «عقل و براهین عقلی»؛ «نقل و شواهد روایی» که به عقل ختم شده باشد. برای شناخت، علاوه بر این سه روش، روش دیگری وجود دارد که مختص علم حضوری است و آن روش «کشف و شهود» است که دارای اقسام و مراتب خاص می‌باشد و با تزکیه و تحول وجودی قرین است (جوادی آملی: ۱۳۷۵: ش ۹، ص ۴۹). بی شک بین «سطوح معرفت» و «روش معرفت» ارتباط وثیقی وجود دارد. توضیح این که هر معرفتی از روش مناسب خود بهره می‌برد. موضوعات طبیعی، انسانی و متافیزیکی، روش‌های یکسانی ندارند. دانش‌هایی که مقاصد و اهداف عملی را دنبال می‌کنند، روش‌هایی غیر از روش دانش‌هایی را دارند که در صدد وصول به حقیقت و یقین (دانش‌های نظری) هستند. برخی از روش‌ها تجریدی و ذهنی هستند؛ بعضی دیگر، حسی و تجربی‌اند و بعضی دیگر مهارتی و عملی. بعضی از روش‌ها نیز با ریاضت و سلوک اخلاقی همراه است. نکته مهم این است که هر روش، نوع خاصی از معرفت را به دنبال می‌آورد و هر معرفتی از هر نوع روشی به دست نمی‌آید. سطوح مختلف تحقیق، روش‌های گوناگونی را طلب می‌کند (پارسانیا، ۱۳۸۸ پاییز و زمستان: ش ۲، ص ۴۱). هر علمی به لحاظ ماهیت مسائل متبوع، روش خاصی برای اثبات دارد؛ باید ماهیت مسائل را بررسی کرد که روش حاکم بر این مسئله، حس است یا عقل یا سلیقه و ذوق و خوشایند و ناخوشایند مردم. هر علم و هر مسئله‌ای روش ویژه خودش را طلب می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۶ بهار: ش ۱۵، ص ۲۵).

به بیان دیگر روش عقلی در نگرش کلی بر دو قسم «روش عقلی محض» و روش «تلفیقی» (از نقل و عقل) تقسیم می‌شود. به عبارت دیگر، روش عقلی به دو روش «مستقلات عقلی» و «غیر مستقلات عقلی» قابل انقسام است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ الف: ص ۴۰). در روش عقلی محض که از آن به «مستقلات عقلی» نام برده می‌شود هر دو مقدمه آن عقلی است و روش تلفیقی که از آن به «غیر مستقلات عقلی» تعبیر می‌شود، یکی از مقدمات آن عقلی و دیگری غیر عقلی، اعم از این که نقلی باشد یا حسی و شهودی، تفاوت ندارد (ایچی، ۱۳۲۵: ج ۲، ص ۴۹).

شاخصه‌های روش عقلی

روش عقلی با روش‌های دیگر، نظیر روش نقلی، روش تجربی، روش تاریخی؛ تفاوت‌های ماهوی و کارکردی دارد؛ زیرا دارای چهار شاخصه «کلیت»، «ذاتیت»، «دوام» و «ضرورت» بوده، به همین دلیل، نتیجه آن نیز کلی و ذاتی و دائمی و ضروری خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۹ج: ص ۱۵۱). پس روش عقلی با وجود چهار شاخصه پیش گفته و نتایجی که بر اساس آن‌ها مترتب می‌شود، با روش‌های دیگر تفاوت ماهوی و کارکردی پیدا می‌کند. البته قابل یادآوری است که اگر چه شاخصه‌های چهارگانه مذکور، به ظاهر به روش انتساب داده می‌شود؛ به‌واقع این شاخصه‌های چهارگانه به مقدمات و ماده روش باز می‌گردد؛ نه به ظاهر و صورت روش و این شاخصه‌های مربوط به مقدمات استدلال و روش، به ناچار به نتایج نیز سرایت می‌کند. بر این اساس، وقتی که هر دو مقدمه استدلال و روش کلی، ذاتی، ابدی و ضروری باشد، نتیجه آن نیز به این چهار شاخصه مزین می‌شود.

معیار روش‌شناسی عقلی و نقلی

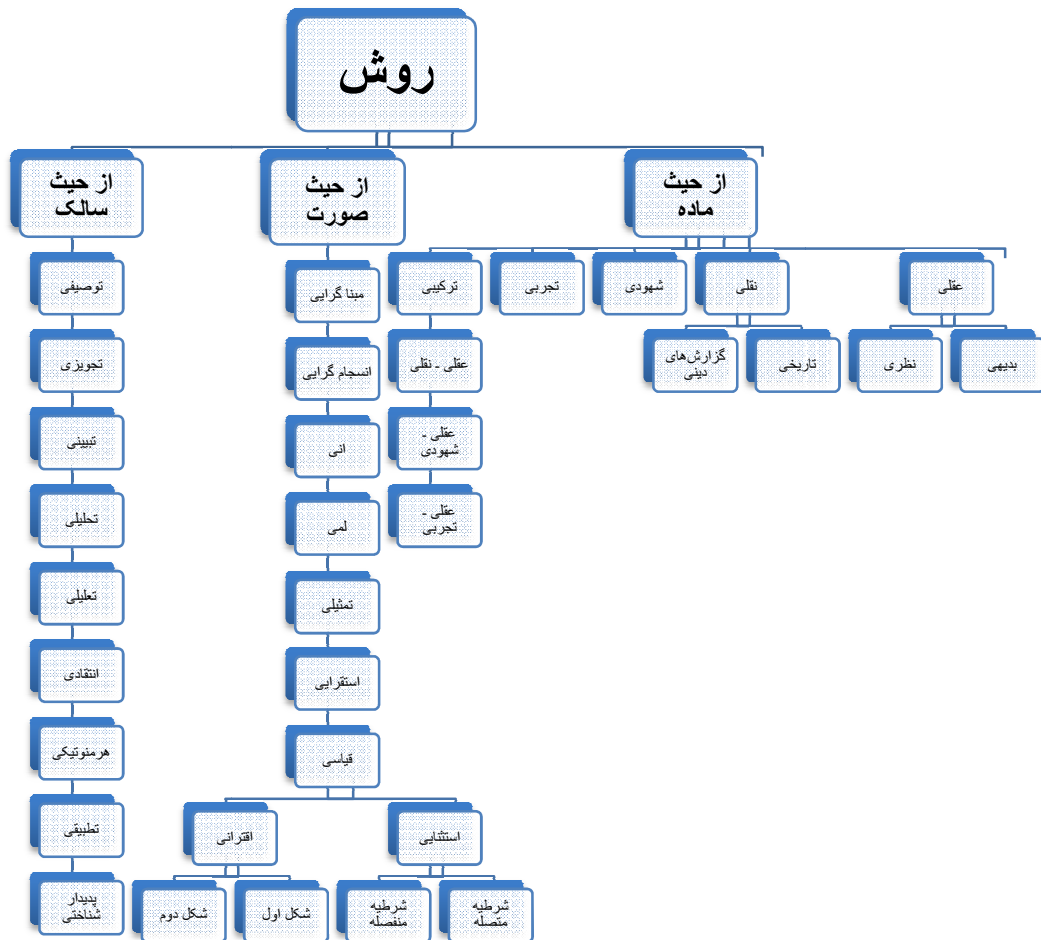
به‌طور کلی «روش» از نظر ماهیت شناختی با دو مقوله «ماده» و «صورت» باز‌شناسی می‌شود و از نظر چیدمانی با وجود «سالک» سامان می‌گیرد. هر کدام از این مقولات سه گانه، یعنی ماده، صورت و سالک که شکل دهنده روش‌اند، دارای تقسیمات و تنوعاتی هستند. مثلاً روش از نظر ماده به دو «روش عقلی» و «غیر عقلی» تقسیم می‌شود و روش عقلی بر دو قسم «بدیهی» و «نظری» است و روش غیر عقلی نیز بر دو قسم «غیر عقلی محض» و «غیر عقلی ترکیبی»، متنوع می‌شود. غیر عقلی محض به روش «شهودی محض»، «تجربی محض» و «نقلی محض» تقسیم می‌شود و روش غیر عقلی ترکیبی به روش‌های «سه گانه عقلی - نقلی»، «عقلی - شهودی»، و «عقلی - تجربی» قابل تقسیم می‌باشد. از نظر صورت نیز تقسیماتی نظیر «روش ائی»، «روش لمّی»، «روش میناگرایی»، «روش انسجام‌گرایی»، «روش قیاسی»، «روش استقرایی» «روش تمثیلی» می‌یابد. روش قیاسی نیز به دو قسم «روش اقتراعی» و «استثنایی» منقسم شده و خود روش اقتراعی باز به اشکال مختلفی نظیر «شکل اول» و «شکل دوم» و روش استثنایی نیز بر دو روش «شرطیه متصله» و «شرطیه منفصله» قابل تقسیم می‌باشد و اما مقوله روش بر اساس مولف و سالک چگونه است؛ یعنی ارائه دهند



چه روش و با چه سازکاری به ارائه روش پرداخته و چگونه به بیان آن مبادرت می‌کند. در این خصوص، اسلوب و رویه‌های گونه‌گونی مطرح است که کاربست آن‌ها به اهداف و غایاتی وابسته است که مولف برای خویش تعریف می‌کند؛ نظیر «رویه‌های توصیفی» و «گزارشی»، «هنجاری و تجویزی»، «تبیینی»، «تحلیلی»، «تعلیلی»، «انتقادی»، «تطبیقی»، «هرمنوتیکی» و «پدیدار شناختی».

شایان ذکر است که تقسیم روش به عقلی و نقلی، به لحاظ صورت قیاس و روش نیست؛ زیرا صورت قیاس و روش، اگر «اقترانی» باشد، یا «شکل اول» است یا «شکل دوم» و مانند آن و اگر استثنایی باشد، یا «شرطیه متصله» است یا «منفصله» و اگر «انی» و «لمی» باشد و یا اگر بر اساس «مبنا گرایی» و یا «انسجام گرایی» شکل بگیرد، همه این‌ها عقلی محض بوده و مقولاتی چون نقل، شهود و تجربه اصلا در آن‌ها راه ندارند و همچنین تقسیم استدلال به عقلی و نقلی، به لحاظ مبرهن و مستدل و سالک نیست، بلکه به لحاظ ماده استدلال است.

نمودار روش در سه مقوله ماده، صورت و سالک:



نمودار مذکور از سه ستون اصلی یعنی ماده روش، صورت روش و سالک روش متشکل است. معیار عقلی، نقلی، شهودی، تلفیقی، و غیره به ستون اول، یعنی «ماده روش» باز می‌گردد. پس وقتی که از عقلی بودن یا نقلی بودن یک روش سخن به میان می‌آید، باید بینیم ماده آن روش از چه جنسی است. اگر هر دو مقدمه از جنس عقلی باشد، آن روش «عقلی» است و اگر هر دو مقدمه و یا یکی از مقدمه‌ها از جنس «نقلیات» باشد، آن روش «نقلی» خواهد بود و اگر یکی یا هر دو مقدمه از نوع «مشهودات» باشند، آن روش، «شهودی»

است و نیز اگر یکی و یا هر دو مقدمه از جنس «تجربیات» باشد، آن «روش تجربی» خواهد بود. پس به‌طور کلی در تقسیم روش‌ها که به مقولات مختلفی چون عقلی، نقلی، دینی، تاریخی، شهودی، تجربی متنوع می‌شوند، باید به ماده روش توجه کرد؛ زیرا ماده روش معیار این تنوعات و تقسیمات می‌باشد.

جایگاه عقل از حیث منبع شناخت و ابزار شناخت

همسو با تبیین و تحلیل روش در سه مقوله ماده روش، صورت روش و سالک روش، بحث کاربردی عقل در روش در دو مقوله «منبع شناخت» و «ابزار شناخت» مطرح می‌شود. یعنی عقل در فضای معرفت‌شناسی، یک بار به صورت منبع شناخت و بار دیگر به صورت ابزار شناخت نقش ایفا می‌کند (مطهری، ۱۳۶۳: ج ۱۳، ص ۳۷۱)؛ که بی شک بحث منبع بودن عقل را باید در قسمت «ماده روش» و بحث ابزار بودن عقل را باید در قسمت «صورت روش» جست‌وجو کرد.

اختلافات و تفاوت‌هایی که میان اندیشمندان و عالمان دینی در مورد عقل و نقش آن مطرح است (به گونه‌ای که برخی به ارزشمندی و تأثیرگذاری عقل و برخی دیگر در صد نفی ارزشمندی و تأثیرگذاری عقل قائل هستند)؛ بیش‌تر به منبع بودن عقل مربوط است که این بحث در قسمت ماده روش قابل پیگیری است. اما در خصوص ابزار بودن عقل که در قالب صورت روش مورد گفت‌وگو است، میان اندیشمندان و عالمان دینی در ادیان، مذاهب و مکاتب مختلف اتفاق دیدگاه وجود داشته و همه با نگرش‌ها و دیدگاه‌های مختلف در اصل به کارگیری عقل و استفاده از آن در قالب روش و استدلال، هماهنگ و متفق القول هستند.

روش‌شناسی عقلی مهدویت پژوهی

اگر برای اثبات مسئله، استدلالی بیاوریم که به لحاظ صورت، قیاسی باشد و به لحاظ ماده، از قضایای بدیهی برگرفته باشد یا از بدیهیات تشکیل شده باشد؛ چنین استدلالی عقلی است و این روش اثبات مسئله را «روش عقلی» می‌گویند. در روش عقلی به تعبیر به شخص خاص اتکالی نیست. پس کارایی این روش به گروه خاص با اعتقادات معینی اختصاص ندارد، بلکه برای همه انسان‌ها - با وجود تفاوت‌های عقیدتی - راهگشاست. این ویژگی، امتیازی برای روش عقلی است. چنان‌که بیان شد روش عقلی به دو نگرش مستقلات

«عقلی» و «غیر مستقلات عقلی» تقسیم می‌شود. روش عقلی همان مستقلات عقلی است که هر دو، مقدمات روش و استدلال عقلی می‌باشد.

کاربست روش عقلی در مهدویت پژوهی

از آنجا که مسائل مهدویت پژوهی متنوع و متکثر بوده و دارای شاخصه‌های گوناگونی، نظیر «کلی و جزئی»، «بیرونی و درونی»، «فیزیکی و متافیزیکی» می‌باشند؛ روش عقلی را نمی‌توان به‌طور کلی و یکسان در همه آن‌ها ساری و جاری دانست؛ بلکه در میان مسائل مختلف مهدویت برخی از آن‌ها که با رویکرد کلی، بیرونی و متافیزیکی و با شاخصه‌های ضروری، دوام و حتمیت توجیه پذیر می‌باشند، قابل به‌کارگیری هستند. یعنی مسائلی که به این رویکردها و شاخصه‌ها مزین باشند، با روش عقلی می‌توان آن‌ها را پردازش کرد که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

مسائل عقلی مهدویت

۱. ضرورت حجت در همه زمان‌ها؛
۲. بایستگی و ضرورت مهدویت در عالم هستی؛
۳. غایت و فلسفه وجودی مهدویت در جهان هستی؛
۴. علت و فاعل وجودی مهدویت در جهان هستی؛
۵. علت غایی و هدف مهدویت در جهان هستی؛
۶. فواید و کارکرد مهدویت در نظام خلقت؛
۷. دلایل و توجیحات اصل مهدویت؛

مسائل مذکور، از جمله مسائلی هستند که با اسلوب و مقدمات عقلی قابل توجیه‌اند؛ زیرا شاخصه‌های قواعد عقلی، نظیر «کلیت و فراگیری»، «دوام و خدشه ناپذیری»، «ضرورت و قطعیت» که شاخصه‌های مقدمات (صغرا و کبرا) قیاس و روش‌های عقلی می‌باشند؛ به نحوی در آن‌ها وجود دارند و بی‌شک در حوزه مهدویت پژوهی از این نوع مسائل فراوان یافت می‌شود. در این نوشتار مواردی به عنوان نمونه نام‌برده شده‌اند و در ادامه به تبیین و تحلیل دو مورد از آن‌ها خواهیم پرداخت:

تحلیل مسئله ضرورت حجت در همه زمان‌ها

یکی از مسائل مذکور «وجود حجت در همه زمان‌ها» است که این موضوع اولاً، دارای «کلیت و فراگیری» است؛ ثانیاً دارای شاخصه «دوام و خدشه ناپذیری» است؛ ثالثاً، دارای «ضرورت و حتمیت» خواهد بود؛ زیرا بر اساس داده‌های عقلی «عقاب بدون بیان» و بدون اتمام حجت از خداوند حکیم صورت نمی‌گیرد و بر اساس تدبیر حکیمانه خدا، در همه زمان‌ها باید حجتی برای هدایت مردم باشد تا اتمام حجت صورت پذیرد. بنابر این، در این زمان نیز به‌منظور اتمام حجت، باید حجت الاهی وجود داشته باشد که این مقوله و ضرورت آن، به عنوان مسئله‌ای عقلی در فضای مهدویت قابل توجیه و پیگیری است.

از آنجا که «ضرورت وجود حجت در همه زمان‌ها»، از جمله داده‌های عقلی است و با دلایل عقلی قابل توجیه می‌باشد؛ نقش نقل و داده‌های نقلی در این مورد نقش تأییدی و حمایت‌گری می‌باشد، نه به عنوان دلیلی مستقل.

پیامبر اکرم ﷺ در مورد ضرورت حجت و تداوم آن تا قیامت، به حضرت علی ؑ

می‌فرماید:

مَثَلُكَ وَمَثَلُ الْأَيَّامَةِ مِنْ وَوَلَدِكَ بَعْدِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ وَمَثَلُكُمْ مَثَلُ النُّجُومِ كُلَّمَا غَابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ مثل تو [=علی] و امامان پس از تو چون کشتی نوح است. هر کس بر آن سوار شد، نجات یافت و هر که جا ماند، غرق شد و نمونه شما چون ستارگان است؛ هر گاه ستاره نهان شود، ستاره‌ای عیان گردد تا روز قیامت (صدوق، ۱۴۰۰: ص ۲۶۹).

امیر مومنان، علی ؑ می‌فرماید:

اعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَيُعِمِّي خَلْقَهُ عَنْهَا بِظُلْمِهِمْ وَ جَوْرِهِمْ وَ إِسْرَافِهِمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ سَاعَةً وَاحِدَةً مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا؛ بدانید که زمین از حجت خدا خالی نمی‌ماند؛ ولی خداوند به‌زودی مردم را به دلیل ستم و تعدی و اسراف آنان بر خودشان از دیدار او کور خواهد کرد و اگر زمین یک ساعت از حجت خدا خالی بماند، اهل خود را فرو می‌برد (نعمانی، ۱۳۷۹: ص ۱۴۱).

امام زین العابدین ؑ می‌فرماید:

لَمْ تَخُلْ الْأَرْضُ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ فِيهَا ظَاهِرٌ مَشْهُورٌ أَوْ غَائِبٌ مَسْتُورٌ

وَلَا تَخْلُوْا اِلَيْهِ اَنْ تَقُوْمَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةِ اللّٰهِ وَ لَوْ لَا ذٰلِكَ لَمْ يُعْبِدِ اللّٰهُ؛ از آفرینش زمین و خلق آدم تا حال؛ زمین از حجت خدا خالی نمانده، که آنان یا ظاهر و مشهور هستند یا غایب و پنهان، و تا روز قیامت از حجتی الهی خالی نخواهد ماند، وگرنه خداوند عبادت نمی‌شد (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۲۰۷).

در دو روایت اخیر، حضرات معصوم علیهم‌السلام به نکته مهمی اشاره کرده‌اند و آن، این‌که امامان علیهم‌السلام که به عنوان حجج الهی در میان مردم حضور دارند، حضور آن‌ها به دو صورت «ظهور» و «غیبت» تبلور دارد؛ یعنی ضرورت وجودی امام در جامعه یک بار در قالب «امامت» جلوه می‌کند و بار دیگر در قالب «مهدویت» (که غایت و اوج امامت است). پس ضرورت وجودی مهدویت، در واقع همان ضرورت وجودی امامت است و از نظر ماهیت و چیستی میان آن‌ها تفاوتی نیست؛ ولی صورت و شکل بروز آن‌ها متفاوت است که یکی ضرورت وجودی را در ظهور جست‌وجو می‌کند و دیگری در غیبت. البته در مقوله مهدویت، هنگام فرا رسیدن روز موعود، ضرورت وجودی غیبت به ضرورت وجود ظهور تبدیل می‌شود.

چیدمان روش عقلی

مقدمه اول: خدای حکیم بدون اتمام حجت انسان‌ها را عذاب نمی‌کند؛

مقدمه دوم: اتمام حجت با وجود حجت قابل توجیه است؛

نتیجه: وجود حجت در این زمان و همه زمان‌ها ضروری است.

روش و استدلال مذکور که دارای دو مقدمه و یک نتیجه است، روش «عقلی نظری» تلقی می‌شود؛ زیرا از نظر «ماده» هر دو مقدمه آن عقلی، و از نظر «صورت» به شکل قیاس اقترانی است. پس به‌طور کلی چنین روشی را که دارای مقدمات و صورت عقلی است، «روش عقلی محض» نام گذاری می‌کنند.

تحلیل مسئله بایستگی و ضرورت مهدویت

«بایستگی» و «ضرورت» مهدویت، از جمله مسائلی است که با نگرش عقلی قابل توجیه است؛ زیرا اولاً «کلی» است؛ ثانیاً «ضروری» و «لزومی» است و ثالثاً «ابدیت» و «دوام» دارد. این سه شاخصه، به‌طور کلی از شاخصه‌های روش‌ها و استدلال‌های قیاسی و عقلی است. بر این اساس، از جمله راه‌هایی که می‌توان به اثبات ضرورت مهدویت و منجی‌گرایی

پرداخت، راه «عقل» است. رویکردی که در طریق عقلی وجود دارد، رویکرد ویژه و خاصی است؛ یعنی عقل اولاً، با اسلوب و روش منحازی (غیر از روش نقلی) به اثبات منجی‌گرایی می‌پردازد؛ ثانیاً، با نگرش بیرونی به متعلق خود می‌پردازد و ثالثاً، در انتخاب متعلق خود نگرش کلی دارد، نه شخصی؛ یعنی به اثبات اصل مهدویت و منجی‌گرایی می‌پردازد، نه به شخص منجی. در این‌جا، یعنی در اثبات مهدویت خاص که به اسلام متعلق است، عقل با رویکرد کلی ورود پیدا کرده و با در افکندن راه‌های مختلف به ضرورت اثبات اصل مهدویت می‌پردازد که همان منجی‌گرایی با نگرش اسلامی است. در این خصوص دلایل عقلی فراوانی وجود دارد، نظیر «قاعده لطف»، «قاعده امکان اشرف»، «محال بودن قسر دائم و اکثری»، «نیازمندی دین به حافظ در هر زمان»، «نیازمندی دین به مفسر در هر زمان» و «لزوم واسطه فیض» که در ذیل به دو مورد پرداخته می‌شود:

۱. از طریق برهان هدایت

از جمله شاخصه‌های مهم خدا شاخصه «هدایت» است که به نحوی همه انسان‌ها، اعم از دیندار و غیر دیندار و مسلمان و غیر مسلمان از آن بهره‌مند خواهند بود. برخی از مولفه‌هایی که تحقق بخش شاخصه هدایت است، عبارتند از: انبیا، دین، شریعت و امام. خداوند با ارسال انبیا و رسل، و انزال دین و شریعت، و ارسال کتاب‌های آسمانی و با تعیین جانشینان انبیا که در اسلام در قالب امامت و مهدویت تبلور دارد؛ زمینه هدایت و سعادت‌مندی بشر را فراهم می‌کند. بی‌شک، در صورت فقدان هر کدام از مولفه‌های پیش‌گفته، به نوعی زمینه‌های هدایتی بشر از بین رفته، گمراهی و فلاکت نصیب بشر می‌شود؛ زیرا نظام خلقت که به «نظام احسن» معروف است و خداوند که بر اساس اراده تشریحی، همیشه خواهان هدایت و فلاح بشر می‌باشد و نیز فلسفه وجودی آفرینش که تداعی‌کننده هدایت و سعادت‌مندی انسان خواهد بود؛ همگی ما را به این نتیجه می‌رسانند که وجود مولفه‌های هدایتی، نظیر نبوت، امامت و مهدویت برای هدایت و نجات بشر ضروری است.

چیدمان روش عقلی بر اساس برهان هدایت

مقدمه اول: خدای حکیم خواستار هدایت همه انسان‌ها و تداوم آن در همه زمان‌ها است؛

مقدمه دوم: بعد از خاتمیت، هدایت مردم و تداوم آن بر عهده امامت و مهدویت واگذار شده است؛

نتیجه: وجود امامت و مهدویت برای تداوم هدایت مردم ضروری است.

۲. از طریق برهان لطف

یکی از قواعد مهم و معروف علم کلام «قاعده لطف» است. قاعده لطف به معنای هر فعلی است که سبب گرایش مکلفان به سوی تعالی و کمال و به سوی اجرای طاعت و ترک معصیت می‌شود و اجرای آن از سوی خداوند متعال قطعی و حتمی است و متکلمان اسلامی آن را کلید حل بسیاری از مسائل کلامی نظیر، تشریح قوانین الهی و تکالیف دینی، ارسال کتاب‌های آسمانی، بعثت پیامبران الهی، تعیین جانشینان پیامبران (امامان)، و از جمله باورداشت مهدویت و آموزه‌های آن به کار گرفته‌اند.

قاعده لطف به عنوان یکی از مبانی عقلی مهدویت با رویکرد هستی شناختی معرفی شده و واجب بودن آن نیز بدیهی و وجدانی است؛ زیرا در صورتی که قاعده لطف تحقق پیدا نکند، نقض غرض پیش آمده و قبیح بودن نقض غرض نیز از امور فطری می‌باشد. شیخ مفید، دلیل بر وجوب لطف را آن می‌داند که غرض مکلف (خداوند) بر آن متوقف است. پس لطف واجب است و این، همان مطلوب است (مفید، ۱۴۱۴: ص ۳۲).

از منظر علامه حلی، دلیل بر وجوب لطف، آن است که لطف، غرض مکلف (خدا) را حاصل می‌گرداند. بنابراین، واجب است و اگر نباشد، نقض غرض لازم می‌آید (حلی، ۱۳۷۶: ص ۳۲۵). از دیدگاه سید هاشم بحرانی، برهان وجوب لطف، آن است که اگر ترک لطف جایز باشد، پس فرض آن که خداوند حکیم آن کار را ترک کند، غرض خود را نقض کرده است؛ لیکن این لازم (نقض غرض) باطل است و در نتیجه ملزوم (جایز بودن ترک لطف) هم باطل است (بحرانی، بی تا: ص ۴۸).

انواع لطف

لطف بر دو قسم «لطف محصل» و «لطف مقرب» است: «وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و عدمه منا» لطفی که زمینه تعالی و کمال انسان را فراهم کرده و فقدان آن، نقض غرض از آفرینش می‌باشد، «لطف محصل» نام دارد و لطفی که زمینه تقرب انسان را از طریق انجام

دادن تکالیف و ترک معاصی فراهم کرده و فقدان آن، نقض اجرای تکالیف و طاعت می‌باشد، «لطف مقرب» نام دارد (مفید، ۱۴۱۴: ص ۳۱ و جوادی آملی، بی‌تا: ص ۳۱). لطف محصل نظیر بعثت، امامت و مهدویت که در واقع با فقدان آن‌ها، انسان نمی‌تواند به سوی تعالی و کمال حرکت کند و لطف مقرب نظیر شریعت، بهشت، جهنم و راهنمایی‌های انبیا و امامان که وجود آن‌ها زمینه تشویقی انسان به سوی تکالیف و طاعت فراهم می‌شود و با فقدان آن‌ها زمینه‌های تشویقی از بین رفته و انسان در اجرای تکالیف و طاعت ناآگاه و بی‌انگیزه می‌شود. در این بخش از پژوهی که در مقام مقایسه میان قاعده لطف و مهدویت و تطبیق این دو پرداخته می‌شود، باید دید اندیشه مهدویت با کدام یک از اقسام لطف هماهنگی و هم‌نواپی بیش‌تری دارد و در روش‌شناسی مهدویت پژوهی، از کدام قسم از انواع لطف بیش‌تر استفاده می‌شود و کدام یک به عنوان ماده قیاس، سامان بخش چیدمان روش مسائل مهدویت می‌باشد.

به صورت اجمالی گفته می‌شود: لطف بودن مهدویت از هر دو منظر قابل پیگیری است؛ اما از آن‌جا که در این قسمت از بحث که با نگاه عقلی و هستی‌شناختی دنبال می‌شود؛ اندیشه مهدویت بیش‌تر با لطف محصل که با رویکرد تکوینی و هستی‌شناختی تعریف می‌شود؛ قابل توجیه است.

آری؛ لطف محصل، عبارت است از ایجاد برخی زمینه‌ها و مقدمات از سوی خداوند که تحقق هدف خلقت و آفرینش، بر آن‌ها استوار است؛ به گونه‌ای که اگر خداوند، آن امور را در حق انسان‌ها انجام ندهد، کار آفرینش، لغو و بیهوده می‌شود (جمیل، ۱۴۲۱: ص ۴۰۰)؛ نظیر بعثت، امامت و مهدویت (سبحانی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۴۷).

بنابراین، لطف محصل، لطفی است که غرض خلقت را تامین می‌کند؛ به بیان دیگر، لطف محصل عبارت است از فراهم ساختن مبادی و مقدمات لازمی که موجب برآورده شدن غرض از آفرینش انسان و نیز حفظ آن از لغو و بیهودگی است؛ به گونه‌ای که فراهم ساختن آن مبادی و مقدمات از سوی خداوند متعال سبب خالی بودن فعل او از هدف و غایت می‌گردد (سبحانی، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۵۱. همان، ۱۳۷۳: ج ۳، ص ۵۰۸).

بر این اساس، بنابر اصل حکمت که سراسر آفرینش را فرا گرفته و آفرینش همه موجودات بر اساس آن توجیه می‌یابد، هدفمندی و متکامل بودن آفرینش روشن می‌شود. از

آن جا که خدای حکیم، بی‌نیاز مطلق و دارای اوصاف کمال نامحدود می‌باشد؛ هدفمندی و تکامل فقط در آفرینش او قابل توجیه است. در میان آفریده‌ها، خلقت انسان نیز از این امر مستثنا نیست و دارای غایت و هدف تکاملی است. از آن جا که انسان دارای شاخصه‌های عقل و شهوت بوده و در پیروی از هر یک از آن‌ها آزاد است؛ تحقق هدف و رسیدن به کمال مطلوب، نیازمند برخی مقدمات و زمینه‌هایی است. تعیین رهبر در قالب پیامبران و امامان و ارائه برنامه و راهکارهای هدایتی در قالب اسلام و مهدویت از زمره این زمینه‌ها به شمار می‌آید. اگر از سوی خدا تعیین پیامبر و امام، و ارائه برنامه و راهکار برای هدایت انسان‌ها، صورت نگیرد، حکمت الاهی در هدفمندی و سیر تکاملی انسان‌ها مورد تردید واقع می‌شود.

اما در بیان «ملازمه» میان قاعده لطف و مهدویت، گفته می‌شود که خداوند حکیم برای آفریده‌های خویش، خصوصاً انسان، پیشرفت و تکامل را رقم زده است و از سویی، خدای متعال می‌داند که پیشرفت و تکامل برای بشر حاصل نمی‌شود؛ الاً به تهیه زمینه‌ها و بسترهای لازم، نظیر قدرت، تکالیف، عقل، ارسال کتاب‌های آسمانی، بعثت انبیا علیهم‌السلام، نصب امامان علیهم‌السلام، تدبیر برنامه نجات بخشی و مهدویت. حال اگر آفریدگار در این مورد به انجام زمینه‌ها و بسترهای لازم مبادرت نوزد، گویی پیشرفت و تکامل را برای انسان در نظر نگرفته است و حال آن‌که در غرض و هدف آفرینش، رسیدن به تکامل و پیشرفت مورد نظر خدا بوده است. پس در این صورت، یعنی در صورت مهیا نشدن زمینه‌ها از ناحیه خدا، نقض غرض آفرینش رخ خواهد داد.

شیخ شهاب الدین سهروردی در اثبات وجود حضرت ولی عصر علیه‌السلام از طریق قاعده لطف می‌گوید: جهان، هیچ‌گاه از حکمت و از وجود کسی که به حکمت قائم باشد و نشانه‌های خداوند نیز در او باشد، خالی نبوده است. چنین کسی خلیفه خداست بر زمین و تا زمین و آسمان برپاست، چنین خواهد بود ... مقصود از این‌که می‌گوییم ریاست با اوست، الزام حکومت ظاهری او نیست؛ بلکه گاه امام خدایی، حکومت تشکیل می‌دهد و آشکار است و میسوط الید و گاه در نهایت پنهانی و غیبت به سر می‌برد. این امام، همان کسی است که مردم او را قطب زمان «ولی عصر» می‌نامند. ریاست جامعه با این انسان است؛ اگر چه نشانی از او در دست نباشد. البته اگر این رئیس ظاهر باشد و در راس حکومت قرار گیرد، زمان نورانی خواهد شد (سهروردی،

۱۳۸۰: ج ۲، ص ۲۱).



استاد حسن زاده آملی می‌فرماید:

در این مقام دو نوع بحث لازم است: یکی کلی و دیگری شخصی. مقصود از کلی این که براهین قطعی عقلی، بر وجوب وجود حجتی قائم به طور دائم قائمند، و به امتناع خلوق عالم امکان از لزوم چنین واسطه فیض الاهی حاکمند که «الامام اصله قائم و نسله دائم»؛ و مراد از بحث شخصی این که برهان معرف فرد نیست که جزئی نه کاسب است و نه مکتسب. لذا باید آن را از طریق دیگر شناخت؛ چنان که احادیث مستفیض، بلکه متواتر اهل عصمت و وحی، معرف شخص آن حضرتند (حسن زاده آملی، ۱۳۹۰: ص ۸۷).

چیدمان روش عقلی بر اساس قاعده لطف

مقدمه اول: بر اساس قاعده لطف، تحقق بخشی به «لطف» بر خدا ضروری است (بدیهی عقلی)؛

مقدمه دوم: منجی‌گرایی (مهدویت) از جمله مولفه‌های لطف می‌باشد (نظری عقلی)؛

نتیجه: تحقق منجی‌گرایی (مهدویت) در تاریخ بشریت ضروری می‌باشد.

روش مذکور که روش قیاسی است، از دو مقدمه که یکی بدیهی و دیگر نظری است، شکل گرفته است و از آنجا که مقدمه اول که به عنوان صغرای قیاس و مقدمه دوم که به عنوان کبرای قیاس مطرح بوده و هر دو با داده‌های عقلی توجیه می‌شوند؛ چنین روشی را «روش عقلی» می‌نامند.

در پایان شایان ذکر است که مسائل عقلی مهدویت که با روش شناسی عقلی توجیه می‌شوند؛ دارای مصادیق فراوانی می‌باشند که بحث و گفت‌وگو در مورد همه آن‌ها به نوعی خارج از ظرفیت این نوشتار می‌باشد. بر این اساس در این پژوهش تنها به تحلیل و تبیین دو مورد، یعنی «ضرورت امام در همه زمان‌ها» و «بایستگی و ضرورت منجی‌گرایی (مهدویت) در نظام هستی» پرداخته شده تا الگوی مناسبی برای تحلیل و تبیین بقیه مسائل عقلی مهدویت پژوهی ارائه گردد.



نتیجه گیری

در حوزه روش شناسی علوم، روش‌های مختلفی با رویکردهای عقلی، نقلی، شهودی، تجربی مطرح است که بر اساس تفاوت‌های ماهیت شناختی، غایت شناختی و سنخیت شناختی، موضوع و مسائل علوم، متفاوت شده و با کاربردهای گوناگونی به خدمت گرفته می‌شوند. برخی علوم و مسائل آن‌ها ماهیت هستی شناختی دارند که با «متد عقلی»، سامان می‌گیرند و برخی علوم و مسائل آن‌ها ماهیت فیزیکی و طبیعت شناختی دارند که با «متد تجربی» و حسی توجیه می‌شوند و برخی دیگر از علوم و مسائل آن‌ها ماهیت قلبی و شهود شناختی دارند که با «روش کشفی و شهودی» تفسیر می‌شوند و برخی دیگر از علوم و مسائل آن‌ها ماهیت ایدئولوژی و دین شناختی دارند که با «روش نقلی» و «استنادات شرعی» قابل تعریف می‌باشند. مهدویت پژوهی، به عنوان حوزه دانشی با روش‌های مختلف در رویکردهای گوناگون نقلی، عقلی، تجربی و شهودی قابل تفسیر و توجیه می‌باشد که از جمله متد و روش اصلی در این حوزه «روش و متد عقلی» می‌باشد.

بی شک عقل و قواعد عقلی در حوزه مهدویت و توجیه مسائل آن، جایگاه مهم و ویژه‌ای دارند و مسائل بسیاری با شاخصه‌های مذکور در حوزه مهدویت پژوهی وجود دارند که تنها از طریق عقل و قواعد عقلی توجیه پذیر می‌باشند و نمی‌توان این مسائل را با روش‌های دیگری نظیر روش نقلی، تجربی و شهودی اثبات کرد. بر این اساس، رویه غلطی که در حوزه مهدویت مرسوم شده و همه مسائل مهدویت را با رویکرد نقلی دنبال کرده و مهدویت و مسائل آن را «نقل محور» جلوه می‌دهند، رویه اشتباهی است؛ زیرا با توجه به گستردگی حوزه مهدویت پژوهی از حیث مسائل و متنوع بودن مسائل از حیث تبار، ماهیت و سطح، نمی‌توان ادعا کرد که مهدویت تک روشی، یعنی «نقل محور» و یا «عقل محور» و یا تجربه محور و یا «شهود محور» است. در این صورت، حق این حوزه ذوابعاد و ذوجهات ادا نشده و این حوزه ضمن بی‌خاصیت و بی‌اثر شدن، کارکرد مؤثر خویش را در جامعه از دست می‌دهد.



منابع

۱. ایچی، عضدالدین (۱۳۲۵ق). شرح المواقف، قم، منشورات الشریف الرضی.
۲. بحرانی، سید هاشم (بی تا). قواعد المرام. بی جا، بی نا.
۳. پارسانیا، حمید (پاییز و زمستان ۱۳۸۸). «روش شناسی علوم انسانی با رویکرد اسلامی»، قم، مجله عیار پژوهش، ش ۲.
۴. جمیل، محمد (۱۴۲۱ق). شرح عقائد الامامیه، بیروت، اعلمی.
۵. جوادی آملی، عبد الله (بی تا). پیرامون وحی و رهبری، قم، الزهراء.
۶. _____ (۱۳۶ ج). ریح مختوم، تحقیق: حمید پارسانیا، قم، اسراء.
۷. _____ (۱۳۸۶ الف). سرچشمه اندیشه، تحقیق: عباس رحیمیان محقق، قم، اسراء.
۸. _____ (۱۳۸۶ ب). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، تحقیق: احمد واعظی، قم، اسراء.
۹. _____ (۱۳۸۹). ولایت فقیه، تحقیق: محمد محرابی، قم، اسراء.
۱۰. _____ (۱۳۸۹ الف). انتظار بشر از دین، تحقیق: محمد رضا مصطفی پور، قم، اسراء.
۱۱. _____ (۱۳۸۹ ب). تسنیم، تحقیق: علی اسلامی، قم، اسراء.
۱۲. _____ (۱۳۷۲). شریعت در آیین معرفت، محقق: حمید پارسانیا، قم، مرکز نشر فرهنگی رجا.
۱۳. حسن زاده، آملی (۱۳۹۰). نهج الولاية، قم، ناشر: الف لام میم.
۱۴. حلی، جمال الدین (۱۳۷۶). کشف المراد، ترجمه: ابوالحسن شعرانی، تهران، کتاب فروشی اسلامیة.
۱۵. سبحانی، جعفر (۱۴۱۰ق). الهیات، بیروت، دار الاسلامیه.
۱۶. _____ (۱۳۷۳). بحوث فی الملل و النحل، قم، جامعه مدرسین، بیروت، دار الاسلامیه.
۱۷. سهرودی، شهاب الدین (۱۳۸۰). مجموعه مصنفات شیخ اشراق، مصحح: نجفقلی حبیبی، هانری کرین، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی پژوهشگاه.
۱۸. صدوق، محمد (۱۳۹۵ق). کمال الدین، تهران، اسلامیة.
۱۹. _____ (۱۴۰۰ق). امالی الصدوق، بیروت، اعلمی.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی (بهار ۱۳۸۶). روش شناسی در حوزه فلسفه سیاسی اسلام، قم، مجله معرفت فلسفی، شماره ۱۵.
۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۶۳). مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا.
۲۲. مفید، محمد (۱۴۱۴ق). النکت الاعتقادیه، بیروت، دارالمفید.
۲۳. نعمانی، محمد (۱۳۹۷ق). غیبت نعمانی، تهران، نشر صدوق.

تحلیل دلایل قرآنی نظریه تسلیم پذیری منتظران

در پیشگاه امام عصر علیه السلام با محوریت مسئله عصمت ائمه علیهم السلام

ولی الله نقی پور فر^۱ - مهدی باکویی^۲ - رضا فقیه زاده^۳

چکیده

مسئله تحقیق پیش رو در مورد دلایل قرآنی نظریه تسلیم پذیری، یعنی انقیاد محض منتظران در پیشگاه عموم ائمه هدا و به خصوص در محضر امام عصر علیه السلام با محوریت مسئله عصمت ائمه علیهم السلام است که در جهت تسلیم انسان در برابر خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم بوده و از مراتب بالای الزامات دینی (مرتبه ایمان و یقین) محسوب می‌شود. سر تسلیم در برابر ائمه هدا، مانند تسلیم در برابر قرآن، معصومیت ائمه هدا علیهم السلام است. اما از دید اکثر اهل سنت، بر خلاف شیعه، محدودیت عصمت صرفاً به انبیا علیهم السلام آن‌هم در زمان نبوت، باعث شده رویکرد متفاوتی در قبال فرمانبری پیش بگیرند و در نتیجه عدم تسلیم در گفتار و رفتار آنان در برابر ائمه علیهم السلام صورت بگیرد؛ در صورتی که این امر با صریح آیات قرآن در تناقض است. این تحقیق به روش توصیفی و تحلیل محتوای کیفی، ضمن تبیین ماهیت تسلیم، مراتب الزامات دینی و دلایل قرآنی تسلیم در برابر ائمه هدا علیهم السلام و عصمت آنان، به این نتیجه رسیده است که تسلیم و اطاعت محض در پیشگاه امام معصوم علیه السلام در هر عصری از باب «کلهم نور واحد» ضرورتی دینی و عقلی است و بدون داشتن آن، ایمان واقعی تحقق نمی‌یابد.

واژگان کلیدی: تسلیم، ائمه هدا علیهم السلام، امام عصر علیه السلام، مسئله عصمت.

v-naghipoor@qom.ac.ir

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه قم

bakouei2011@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم

۳. دکترای تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم (نویسنده مسئول)

reza_faghih@yahoo.com

قرآن کریم و امام معصوم دو چهره یک واقعیت و دو ظهور یک حقیقت اند. امام معصوم، قرآن عینی است و قرآن، امام علمی. امام، قرآن ناطق است و قرآن، امام صامت. فریقین در ضمن حدیث معروف ثقلین از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، نقل کرده‌اند که پیامبر قرآن و عترت را در کنار هم قرار داده و ضمن دستور تمسک به آن دو، به عدم انفکاک آن‌ها تا ابد، تذکر داده‌اند (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۳۵ و ۲۳۸؛ نیشابوری، ۱۴۱۱: ج ۳، ص ۱۱۸) و هر کدام از قرآن علمی و عینی، مخاطبان خود را به دیگری فرا خوانده است (ر.ک: نساء: ۵۹؛ حشر: ۷؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶: ص ۵۴۷). بنابراین، اعراض از هر یک، عملی جاهلانه و دور از عقل و سیره عقلا خواهد بود. همان‌گونه که منکر امام علمی، شیوه‌ای جاهلانه پیش گرفته: ﴿أفحکم الجاهلیة یبعون...﴾ (مائده: ۵۰)؛ به فرموده رسول خاتم صلی الله علیه و آله منکر قرآن عینی نیز در سلک جاهلان است: «مَنْ مَاتَ وَ لَیْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِیتَةً جَاهِلِیَّةً» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۷۸) (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸: ص ۱۳-۱۸).

بیان مسئله: «نظریه تسلیم»، به معنی انقیاد محض در مقابل دستورات عموم ائمه اطهار علیهم السلام و به خصوص امام عصر علیه السلام به عنوان انوار مقدس الهی (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۱۹۴-۱۹۶) و از باب نور واحد بودن آنان (ر.ک: خزاز رازی، ۱۴۰۱: ص ۷۱؛ ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ص ۹۳ و جوهری بصری، بی تا: ص ۲۴) که در صورت اثبات شأنی برای یکی از آنان، همان شأن تا امام عصر علیه السلام ثابت است، به دلیل دستور صریح قرآن کریم و رسول اکرم صلی الله علیه و آله همسو با تسلیم انسان در برابر خدا بوده و از مراتب بالای تسلیم محسوب می‌شود. سرّ تمسک به ائمه اطهار علیهم السلام و تسلیم در برابر آنان، علاوه بر دستور صریح آیاتی همچون (نساء: ۵۹ و مائده: ۵۵-۵۶)؛ شأن امامت و هدایتگری و مانند خود قرآن (ر.ک: فصّلت: ۴۱-۴۲) معصومیت آنان می‌باشد که در آیاتی به آن اشاره شده است (ر.ک: بقره: ۱۲۴ و احزاب: ۳۳). البته به دلیل اعتقاد غالب اهل سنت به عدم سرایت عصمت به غیر از انبیا، غالب آنان، عصمت ائمه علیهم السلام را قبول ندارند. حتی در مورد عصمت انبیا علیهم السلام آن هم در زمان نبوت و به غیر از مورد دریافت و ابلاغ وحی و ارتکاب کبائر، در مورد ارتکاب صغائر اختلاف آرا دارند (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۳، ص ۴۵۵ و قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۳۰۸)؛ چه رسد به دیگران. فخر رازی بعد از جمع بندی دیدگاه‌های مختلف، عصمت را منحصر به زمان نبوت نبی،

آن هم با قید جواز گناه سهوی صرفاً می‌داند (فخر رازی، ۱۴۰۶: ص ۷). در بین معاصران گاه دایره عصمت شخص پیامبر ﷺ و در نتیجه وجوب اطاعت از وی، نیز به امور تبلیغی دینی محدودتر و منحصر شده است (ر.ک: ابوریه، بی تا: ص ۴۲) و در واقع در برابر ادعای شیعه مبنی بر وجوب اطاعت اولی الامر را که به ائمه معصومین علیهم السلام، منحصر است، به دلیل عدم تصریح آیه مردود می‌دانند (رشید رضا، ۱۹۹۰: ج ۵، ص ۱۴۷). این نوع نگرش به سنت، نتیجه‌ای جز عدم تسلیم در برابر پیامبر ﷺ حداقل در امور دنیوی و در پیشگاه ائمه علیهم السلام نخواهد داشت؛ در صورتی که این امر حتی اگر با مرتبه پایین تسلیم منافاتی نداشته باشد با مراتب بالای تسلیم سازگار نیست؛ به دلیل شأن خاصی که قرآن کریم، برای پیامبر ﷺ و امام معصومین علیهم السلام قائل است.

ولی از دیدگاه شیعه، صفت عصمت از ضروریات نبوت و امامت است؛ به دلیل این که آنان قائم مقام انبیا در تنفیذ احکام و حفظ شرایع و تربیت مردم هستند (ر.ک: مفید، ۱۹۹۳: ص ۶۲ و ۶۵؛ همان ۱۴۱۴: ص ۳-۳۲؛ شریف مرتضی، ۱۴۰۹: ص ۱۷-۲۳؛ طوسی، ۱۴۰۷: ص ۲۱۳ و ۲۲۲؛ حلی، ۱۴۱۳: ص ۳۴۹ و ۳۶۴-۳۶۵؛ استرآبادی، ۱۳۸۲: ص ۱۸-۲۵ و ۲۲۴-۲۳۱ و بحرانی، ۱۴۰۶: ص ۱۲۵-۱۲۷).

مبانی (پیش فرض‌های) تحقیق:

۱. از نظریات رقیب نظریه تسلیم پذیری در پیشگاه ائمه علیهم السلام (که به عنوان مسائل این حوزه شناخته می‌شوند) به نظریات تعارض عقل و علم با دین؛ تسلیم در برابر قطب یا مرشد که غیر معصوم است؛ و مسئله عدم عصمت امام در نگاه اکثر عامه که تسلیم مطلق در برابر امام را با چالش عقلی مواجه می‌کنند؛ می‌توان اشاره کرد، که مسلماً تحلیل هر کدام، مقالات متعددی می‌طلبند. گستره تحقیق پیش رو، دلایل قرآنی وجوب تسلیم در پیشگاه ائمه با محوریت مسئله عصمت است و مسائل دیگر را شامل نمی‌شود. هرچند در صورت اثبات عصمت ائمه، باقی مسائل نیز خود به خود منتفی می‌شود؛ زیرا از زبان معصوم چیزی خلاف عقل یا علم قطعی صادر نمی‌شود و تسلیم در برابر غیر معصوم نیز به دلیل عقلی مردود است.

۲. دلایل وجوب تسلیم در پیشگاه ائمه علیهم السلام، قرآنی، روایی و عقلی است؛ ولی در این تحقیق تنها به دلایل قرآنی بسنده شده است. البته در تحلیل آیات از روایات و در جهت اثبات وجوب تسلیم در مقابل مقام عصمت، از قضاوت عقل کمک گرفته شده است.



۳. مراد از وجوب تسلیم، در چارچوب مراتب الزامات دینی (اسلام، ایمان و یقین)؛ از مرتبه ایمان به بالا می‌باشد؛ یعنی برای کسی که حداقل می‌خواهد مومن تلقی شود؛ نه اسلام مرتبه اول. حکم عقل مبتنی بر نقل برای «مومن» آن است که بایستی در پیشگاه معصوم تسلیم بود.

۴. بین تسلیم و عصمت رابطه‌ای دوسویه وجود دارد. دستور تسلیم در پیشگاه اولیای الهی، در صورتی با حکمت و عدالت خدا سازگار است که آنان عصمت مطلقه داشته باشند؛ وگرنه موجب انحراف خواهند شد. همین‌طور تبعیت محض از کسی که عصمت مطلقه دارد، به حکم عقل سلیم و در پاسخ به ندای فطرت است: ﴿...أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾ (یونس: ۳۵)؛ زیرا چنین شخصی کوچک‌ترین انحرافی نداشته و در کنار شأن هدایتگری، هادی به حق است نه به باطل. در واقع امام بر حق، قائم مقام و جانشین پیامبر بوده و جز منصب نبوت و رسالت، باقی مناصب پیامبر ﷺ را داراست و لذا حکم او در باب اطاعت، حکم پیامبر ﷺ است. (ر.ک: صدر الدین شیرازی، ۱۳۸۳: ج ۲، ص ۵۵۶).

۵. ائمه علیهم السلام به تعبیر خودشان «کلنا نور واحد» هستند و در صورت اثبات شأنی برای یکی از آنان، آن شأن تا امام دوازدهم ﷺ جاری و ساری است و لذا این امر در این تحقیق مفروض تلقی شده است.

۶. منظور از اهل البیت علیهم السلام، ائمه هدا علیهم السلام، ائمه اطهار علیهم السلام و مقام عصمت در این تحقیق، چهارده معصوم علیهم السلام می‌باشند. هرچند نظریه تسلیم قابل سرایت به تمام معصومان علیهم السلام مانند انبیای گذشته نیز می‌شود؛ به غیر معصوم مانند تسلیم در برابر پیر طریقت و قطب و شیخ و مرشد و... (که در بین صوفیه و دراویش و باطن‌گرایان مطرح است) قابل تعمیم نیست و این‌گونه تسلیم را هیچ دلیل نقلی و عقلی پشتیبانی نمی‌کند.

فرضیه تحقیق: تسلیم مطلق در پیشگاه ائمه اطهار علیهم السلام ضرورتی دینی و عقلی است. اهمیت و ضرورت تحقیق: مسئله تسلیم در برابر ائمه معصومین علیهم السلام در عرصه آیات و روایات دارای جایگاه ویژه‌ای است تا آن‌جا که در نگاه قرآن، عدم تسلیم در مقابل حکم خدا و رسول به منزله عدم ایمان شناخته شده (نساء: ۶۵) و در حکم خدا و رسول ﷺ، پیروی ائمه علیهم السلام بر ما واجب گشته است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۱۵). این مطلب دارای چنان اهمیتی است که

در ضمن روایاتی، از جمله شروط صحت دین، قبولی عبادات و مؤمن تلقی شدن؛ معرفت و قبول ولایت اهل بیت علیهم السلام شمرده شده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۱۹-۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۵، ص ۳۳۷؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۲۳؛ قندوزی، ۱۴۱۶: ج ۱، ص ۳۴۹-۳۵۰؛ صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۵۲۱ و عده‌ای از علما، ۱۳۶۳: ص ۱۵۱).

روایات متعددی از ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده که «سلم» را در آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً...﴾ (بقره: ۲۰۸)، به معنای ولایت امام علی علیه السلام، ولایت اهل بیت علیهم السلام، معرفت ائمه علیهم السلام تفسیر کرده‌اند (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۴۱۷، و ج ۲، ص ۳۹۸؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۱۰۲ و قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۲، ص ۳۱۰-۳۱۲). به عنوان نمونه از امام سجاد علیه السلام چنین روایت شده است:

به راستی دین خدای عز و جل با عقل‌های ناقص درک نمی‌شود و با آرای باطل و قیاس‌های فاسد به دست نمی‌آید. وسیله درک آن تسلیم است. هر کس به ما تسلیم شود، سالم ماند و هر کس به ما اقتدا کند، هدایت یابد و هر کس به قیاس و رأی عمل کند، نابود گردد و هر کس در دلش نسبت بدان چه ما گوییم و حکم کنیم، تزلزل یابد؛ بدان خدایی که سبع المثنی و قرآن عظیم را فرو فرستاده کافر شده است و نمی‌داند (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۴).

همچنین روایات متعددی از ائمه اطهار علیهم السلام مبنی بر وجوب اطاعت آنان و کافر تلقی شدن منکران آنان (کلینی، ۱۴۰۷: ص ۱۸۵-۱۹۰) و لزوم تسلیم در برابر آنان (ر.ک: صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۵۲۰-۵۲۶ و کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۹۰-۳۹۱) نقل شده است. علاوه بر این دستورات صریح مبنی بر لزوم تسلیم در برابر آن ذوات مقدس؛ نایل شدن به این مقام یکی از بالاترین مراتب کمال انسانی است که رسیدن به آن دارای آثار متعدد دنیوی و اخروی است و به تعبیر امام باقر علیه السلام، مومنان رستگار در واقع تسلیم شدگان واقعی هستند (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۵۲۰) و در عصر حاضر تقدیم و تاخیر امر ظهور به عارفان به حق امام عصر علیه السلام و منتظران تسلیم در پیشگاهش ضروری نژده و اینان مانند کسانی‌اند که در خیمه و زیر لوای آن حضرت بوده و یا در محضر رسول خدا به فیض شهادت نایل شده‌اند (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۷۱-۳۷۲). موارد مذکور همگی حاکی از اهمیت موضوع است که ضرورت پرداختن به آن را چند برابر می‌کند.

پیشینه تحقیق: در مورد تسلیم در برابر خداوند متعال و مراتب آن در متون تفسیری

فریقین - هر چند به زوایایی از آن و به صورت پراکنده - ذیل آیات مربوط به تسلیم پرداخته شده (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۴، ص ۶۳ و ج ۱۰، ص ۱۲۷-۱۲۹ و طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۳۰۰-۳۰۸) و همین طور در مورد عصمت اهل البیت علیهم السلام و قطعی بودن آن، ذیل آیه تطهیر، به ویژه در متون تفسیری شیعیان بحث شده، به طور جداگانه نیز کتاب‌هایی به عنوان تجلی ولایت در آیه تطهیر (جوادی آملی، ۱۳۸۸) و پرسمان عصمت (بابایی، ۱۳۸۸) در این مورد و با استناد به همین آیه شریفه نوشته شده است. با وجود موارد مذکور، نسبت به تحلیل دلایل قرآنی نظریه تسلیم پذیری منتظران در پیشگاه امام عصر علیه السلام با تأکید بر عصمت ائمه علیهم السلام؛ تا آن جا که بررسی گردید، در تفاسیر فریقین موردی یافت نشد. همین طور مقالات متعددی در زمینه تسلیم و رضا و عصمت اهل بیت علیهم السلام نوشته شده است (ر.ک: سایت noormags.ir)؛ ولی مشخصاً راجع به موضوع مقاله حاضر موردی یافت نشد و مقالات قریب به مضمون موضوع مقاله حاضر، مانند تسلیم طلایی و یاران تنوری (حسین زاده و ... ۱۳۹۷: ش ۲۲۸، ص ۱۰-۲۲)؛ گونه شناسی و تحلیل مفاد روایات شیعی باب التسلیم، با رویکرد تسلیم در برابر اهل بیت علیهم السلام (رضایی هفتاد و دیگران، ۱۳۹۶: ش ۲، ص ۱۸۵-۲۰۶)؛ وظایف امت در برابر امام (میلانی و ... ۱۳۹۱: ش ۶، ص ۸۱-۱۰۸)؛ دفاع از ادله ضرورت عصمت امام در مواجهه با اشکالات فخر رازی (عسگری یزدی و ... ۱۳۹۶: ش ۷۱، ص ۷۹-۹۸)؛ تفسیر تطبیقی آیه تطهیر از دیدگاه مذهب اهل بیت علیهم السلام و اهل سنت (اسماعیل زاده، ۱۳۸۳: ش ۸ و ۹، ص ۱۱۱-۱۷۸)؛ نیز آن گونه که از عناوینشان پیداست هر کدام به زوایایی در این زمینه پرداخته و هیچ کدام منحصرآ دلایل قرآنی نظریه تسلیم پذیری در پیشگاه امام علیه السلام را با محوریت مسئله عصمت، مورد تحلیل قرار نداده است. مفسران و نویسندگان شیعی، در ذیل آیات مربوط به ائمه علیهم السلام به دفاع از حقوق آنان پرداخته و برای اثبات انحصار مصادیق این آیات نسبت به آن ذوات مقدس، تلاش وافری کرده‌اند (ر.ک: نجارزادگان، ۱۳۹۱)؛ ولی تذکار تسلیم در پیشگاه آنان یا دیده نمی‌شود و یا بسیار کم‌رنگ است و به نحوی تسلیم در پیشگاه امام معصوم علیه السلام غالباً در مباحث عقیدتی مفروغ عنه تلقی شده و لذا به آن پرداخته نشده است و نیز مشاهده نگردید که در تحقیقی روشمند، این مسئله مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و وجوب آن برای مومن تبیین شده باشد. لذا در این تحقیق در مورد مراتب تسلیم، دیدگاه جدیدی، سوای دیدگاه مفسران، در قالب مراتب الزامات دینی ارائه

گردیده و در این قالب، وجوب مراتب بالای تسلیم در پیشگاه امام معصوم علیه السلام از نگاه قرآن تحلیل شده است.

معنا شناسی واژه «تسلیم»: این واژه از ریشه «سلم»، به معنای مصون بودن از بیماری ظاهری و باطنی می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۴۲۱-۴۲۴). نیز گفته شده است: تسلیم از «سلام»، اسم خداوند متعال به علت سلامت از عیب و نقص مشتق است (ر.ک: ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۲، ص ۳۹۳ و ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ص ۲۹۰). اسلام تسلیم بودن در مقابل امر خدای متعال است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۷، ص ۲۶۶). اسلام از «شریعت» است، به معنای اظهار خضوع و اظهار شریعت و التزام به آنچه نبی صلی الله علیه و آله آورده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ص ۲۹۳). در جمع بندی کلی گفته شده بیش‌ترین باب معنایی واژه «سلم» به صحت و سلامتی و عافیت مربوط است. اسلام نیز که به معنای انقیاد و تسلیم است، وجه ربطش به این مفهوم، از این حیث است که دارنده آن از ابا و رویگردانی و امتناع در سلامت است (ر.ک: مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۵، ص ۱۸۷). مفسران نیز واژه «أَسْلَمَ» را به معنای «أَخْلَصَ» و یا به معنای «استسلم» گرفته‌اند (ر.ک: طبری، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۳۹۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۳۵۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۱۷۸؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ج ۴، ص ۶ و قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۲، ص ۷۵). «اسلام»، «تسلیم» و «استسلام» به یک معنا و از «سلم» اند؛ بدین معنا که یکی از دو چیز نسبت به دیگری حالتی داشته باشد که او را نافرمانی نکرده و دفعش نکند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۳۰۱).

مراتب الزامات دینی و تسلیم در پیشگاه امام معصوم علیه السلام: نکته‌ای که توجه به آن لازم است، این‌که تذکار وجوب تسلیم در پیشگاه امام معصوم علیه السلام در چارچوب مراتب الزامات دینی، برای مراتب ایمان و یقین است، نه برای مرتبه اسلام ظاهری. توضیح اجمالی مطلب این‌که با توجه به آیات متعدد قرآن کریم که در آن‌ها اسلام یا تسلیم و ایمان با تفاوت‌های مفهومی آمده؛ بیش‌تر لغت پژوهان و مفسران قرآنی، به ذومراتب بودن این موارد اشاره و آن‌ها را در مراتب مختلف با اندک اختلافاتی دسته بندی کرده‌اند. راغب اصفهانی یک مرتبه اسلام را پایین‌تر از ایمان و مرتبه دیگر آن را بالاتر از ایمان دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۴۲۱-۴۲۴ و مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۵، ص ۱۹۱). علامه طباطبایی با تذکر این مطلب که مراتب تسلیم بر حسب شدت و ضعف وارد بر انسان و آسانی و سختی پیشامدها، مختلف

می‌شود؛ چهار مرتبه برای اسلام و ایمان بیان می‌کند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۳۰۱-۳۰۳) که طبق این تقسیم بندی، تسلیم در مقابل پیامبر ﷺ و به تبع او در برابر اهل بیت ﷺ، در مرتبه سوم بوده و از مراتب بالای تسلیم محسوب می‌شود.

ولی تدبر در آیات قرآن کریم با استفاده از روایات ائمه هدا ﷺ (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۵۲-۵۱) که به نحوی وظیفه ما را در این جهت تبیین می‌کند؛ گویای آن است که از قرآن کریم سه مرتبه کلی الزامات دینی قابل برداشت است: ۱. دیانت مسلمانان؛ که به الزامات فقهی حقوقی نظر دارد و شرعاً واجبات و محرمات و نیز صحت و بطلان امور را در بر می‌گیرد؛ ۲. دیانت مومنان؛ که به الزامات اخلاقی علاوه بر الزامات مسلمانان نظر دارد. در این سطح ضرورت دارد که حداقل ارزش‌های اخلاقی به الزامات فقهی حقوقی افزوده شود تا حداقل آثار معنوی دین اسلام در نفوس انسانی، خانواده، جامعه، حاکمیت و جامعه بشری متجلی شود؛ ۳. دیانت موقنان (دارندگان مقام یقین) و محسنان؛ که به الزامات عرفانی، علاوه بر الزامات مسلمانان و مومنان تاکید می‌کند که معصومان ﷺ و به تبع، علمای ربانی را در بر می‌گیرد. الزامات مطلوب دینی، سطح دوم و سوم است؛ ولی سطح اول گرچه لازم است؛ برای خیر دنیا و آخرت کفایت نمی‌کند (ر.ک: نقی پور فر، ۱۳۹۴: ص ۴۹-۷۰). شایان ذکر است که هر کدام از این مراتب سه گانه، الزامات خود را داشته و تسلیم مختص خود را می‌طلبد و از آن جا که حداقل الزام مطلوب دینی سطح دوم است، حداقل تسلیم نیز در این سطح لازم و ضروری است. لذا کسی که به امام معصوم معرفت نداشته باشد و در مقابل او حداقل در مرتبه ایمان تسلیم نباشد، مومن تلقی نخواهد شد؛ مطلبی که معصوم ﷺ نیز به آن اشاره کرده است: «لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَعْرِفَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الْأَئِمَّةَ كُلَّهُمْ وَ إِمَامَ زَمَانِهِ وَ يَرُدَّ إِلَيْهِ وَ يُسَلِّمَ لَهُ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۱۸۰). بنابراین، مراتب ایمانی و یقینی تسلیم لازم است تا بتوان در جرگه مومنان واقعی و موقنان جای گرفت و این جاست که اهمیت و وجوب تسلیم در پیشگاه امام معصوم ﷺ برای مومن، روشن شده و کوتاهی فریقین در این زمینه وضوح می‌یابد.

تحلیل دلایل قرآنی وجوب تسلیم در پیشگاه امام معصوم ﷺ: همان گونه که گفته شد، هم وجوب تسلیم در برابر ائمه هدا ﷺ و هم عصمت آنان ریشه قرآنی داشته و مفسران اهل سنت، یا در تعیین مصادیق معصومین مورد تاکید قرآن با شیعه اختلاف دیدگاه دارند و یا به

بهانه‌هایی از زیر بار پذیرش عصمت ائمه علیهم‌السلام شانه خالی می‌کنند. در این بخش، به برخی از آیات اشاره و دیدگاه‌های فریقین را تحلیل خواهیم کرد.

الف) هم سنخ بودن اطاعت اولی الامر با اطاعت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...﴾ (نساء: ۵۹). در این آیه شریفه اطاعت از اولی‌الامر به اطاعت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عطف شده و به واقع، اطاعت بی قید و شرط و تسلیم در پیشگاه آنان در کنار اطاعت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دستور مستقیم خداست. اما در این مورد که اولی‌الامر با این مقام چه کسانی هستند؛ در میان مفسران اسلامی سخن بسیار است؛ از جمله موارد ذیل: منظور از «اولی الامر» زمامداران و حکام و مصادر در امور (ر.ک: بیضاوی، ۱۴۱۸: ج ۲، ص ۸۰؛ محلی و سیوطی، ۱۴۱۶: ص ۹۰ و مراغی، بی‌تا: ج ۵، ص ۷۲)؛ امرای حق (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۲۴)؛ اهل حل و عقد از امت (فخررازی، ۱۴۲۰: ج ۱۰، ص ۱۱۲)؛ علما و دانشمندان، خلفای چهارگانه، صحابه و یاران پیامبر، فرماندهان لشکر اسلام و ... (اندلسی، ۱۴۲۰: ج ۳، ص ۶۸۶)؛ اجماع امت (رشید رضا، ۱۹۹۰: ج ۵، ص ۱۴۸) و مؤمنانی که شرط ایمان و حد اسلام را مراعات کنند (سید قطب، ۱۴۱۲: ج ۲، ص ۶۹۱).

فخر رازی در تفسیر این آیه، به عصمت اولی‌الامر اعتراف کرده است و می‌گوید کسی که خدا اطاعت او را به طور قطع و بدون چون و چرا لازم شمرده است، حتما باید معصوم باشد؛ هر چند فخر رازی در شناساندن مصادیق اولی‌الامر دچار تکلف عجیبی شده است. وی می‌گوید: این معصوم یا مجموع امت است و یا بعضی از امت اسلام. احتمال دوم قابل قبول نیست؛ زیرا ما در زمانمان از معرفت و وصول به آن‌ها و استفاده دینی و علمی از آن‌ها ناتوان هستیم. وی سپس نتیجه می‌گیرد که وقتی امر چنین است؛ پس منظور از معصوم، اهل حل و عقد از امت است و این نکته موجب قطع است علاوه بر این که اجماع امت هم حجت است (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۰، ص ۱۱۳)؛ در حالی که این حرف افزون بر مخالفت با سیاق متصل، مبنی بر افراد خاص بودن اولی‌الامر؛ در عمل نشدنی است، زیرا اولوا الامر باید رهبر جامعه اسلامی باشند و حل و فصل مشکلات جامعه اسلامی به وسیله او انجام شود؛ درحالی که حکومت دست جمعی عموم و حتی نمایندگان آن‌ها، عملا امکان‌پذیر نیست (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۳، ص ۴۴۰).

در مقابل، مفسران شیعه در این زمینه اتفاق نظر دارند که منظور از «اولی الامر»، امامان



معصوم هستند که رهبری مادی و معنوی جامعه اسلامی، در تمام شئون زندگی از طرف خداوند و پیامبر ﷺ به آنها سپرده شده است و اولی الامر، غیر آنها را شامل نمی‌شود (ر.ک: طوسی، بی تا: ج ۳، ص ۲۳۶؛ رازی، ۱۴۰۸: ج ۵، ص ۴۱۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۳، ص ۱۰۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۴۶۳؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ج ۳، ص ۵۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۴، ص ۳۹۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۳، ص ۴۳۶ و جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۱۹، ص ۲۳۷-۲۴۱). در ذیل آیه شریفه در تفاسیر مختلف و همین‌طور در مجامع حدیثی شیعه و سنی، به روایات مستدل متعددی از اهل‌البیت علیهم‌السلام اشاره شده که هر انسان منصفی را به پذیرش مدلول آن روایات، مبنی بر انحصار اولی‌الامر به ائمه معصوم علیهم‌السلام دلالت می‌کند. جهت تبیین موضوع به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. در شأن نزول این آیه شریفه از تفسیر مجاهد نقل شده است که «إِنَّمَا نَزَلَتْ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ حِينَ خَلَفَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِالْمَدِينَةِ...» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۱۵ و قندوزی، ۱۴۱۶: ج ۱، ص ۳۴۱).

۲. در حدیث معروفی از سوی جابر بن عبد الله انصاری از پیامبر ﷺ، مراد از «اولوا الامر» به صراحت ائمه اهل‌البیت علیهم‌السلام و با ذکر نام آنان بیان شده است (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۵۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۶، ص ۲۴۹-۲۵۱ و بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۱۰۴).

۳. از خود ائمه اهل‌البیت علیهم‌السلام که عصمت آنان به مقتضای آیه تطهیر و برخی دیگر از آیات از معارف قطعی قرآنی است؛ روایات متعددی مبنی بر این که مراد از «اولی الامر» آنان هستند، رسیده و وجوب اطاعت آنان گوشزد شده است (ر.ک: عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۲۴۹-۲۵۴؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۱۰۳-۱۱۵ و ۲۶۵؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۴۹۷-۵۰۷؛ قندوزی، ۱۴۱۶: ج ۱، ص ۳۴۱-۳۵۲؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۷۶-۲۷۷؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۲۱ و ج ۴، ص ۶۷ و طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۲۹۹). به عنوان نمونه:

- از امام علی علیهم‌السلام نقل شده که اولی الامر مختص اهل‌البیت علیهم‌السلام است (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۳۷۰) و در صورت رد صادقانه تنازع به خدا و رسول و فهم دیدگاه آنان محق‌ترین و شایسته‌ترین افراد به امامت و خلافت، ائمه طاهرین علیهم‌السلام هستند (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵، ص ۲۳۸). از امام باقر علیهم‌السلام نیز شبیه این نقل شده و اهل‌بیت علیهم‌السلام فصل الخطاب همه امور،

حتی رد تنازع به آنان معرفی شده (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۷۶) و فرموده‌اند: «الْأُئِمَّةُ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۲۲).

- این مطلب از چنان قطعیت و دقتی برخوردار است که ائمه علیهم‌السلام، پیروانشان را به مواجهه با مخالفان در صورت عدم پذیرش مخالفان مبنی بر انحصار اولی الامر به اهل بیت علیهم‌السلام به مباحله با آنان فراخوانده‌اند (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۵۱۳-۵۱۴).

لذا این که ادعا شود این آیه دلیلی بر وجوب اطاعت و عصمت ائمه هدا علیهم‌السلام نیست؛ زیرا اگر آنان اراده شده بودند، آیه به آن تصریح می‌کرد (رشید رضا، ۱۹۹۰: ج ۵، ص ۱۴۷)؛ ادعای درستی نیست؛ چون اولاً، عدم تصریح به نام مصادیق اولی الامر به عصمت یا عدم عصمت اولی الامر ارتباطی ندارد و ثانیاً، به تصریح خود قرآن، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عنوان مبین وحی (نحل: ۴۴) به نام آنان تصریح کرده است. در ضمن از منظر قرآن، عدم تسلیم در مقابل حکم خدا و رسول، به منزله عدم ایمان شناخته شده (نساء: ۶۵) و حق هر گونه اختیاری در برابر امر خدا و رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از مومنان سلب شده است (احزاب: ۳۶). پس نباید مومن بین تصریح قرآن و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تفاوتی قائل باشد. با توجه به تحقیقات و استدلال‌های عقلی و نقلی دانشمندان و مفسران شیعه در خصوص انحصار مصادیق «اولی الامر» به ائمه دوازدهگانه معصوم علیهم‌السلام به بحث در این زمینه نیازی نیست (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۴، ص ۳۸۷-۴۰۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۳، ص ۴۳۴-۴۴۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۱۹، ص ۲۳۷-۲۹۰ و نجارزادگان، ۱۳۹۱: ص ۷۳-۱۱۱). تنها آنچه به بحث ما مربوط است، این که به مقتضای این آیه شریفه و عطف اولی الامر بر رسول، وجوب اطاعت از اولی الامر بدون هیچ قید و شرطی با وجوب اطاعت رسول از یک سنخ و یک حقیقت بوده و ملازم است (ر.ک: وحید خراسانی، ۱۳۸۶: ص ۱۰۵-۱۰۶) و این امر، هم وجوب تسلیم در پیشگاه آنان را تذکر می‌دهد، و هم حاکی از عصمت آنان است.

ب) آیات ولایت: قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ * وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾ (مائده: ۵۵ و ۵۶). در آیه قبل از این، سخن از مومنان مخلصی است که سخت به ارزش‌های الهی پایبندند و به هیچ وجه در راه خدا ضعف و سستی به خود راه نمی‌دهند و این فضیلتی است که نصیب هر مدعی ایمانی نمی‌شود (مائده: ۵۴). آیات مورد

بحث، خطاب به این مومنان مخلص با تعبیر «آتما» به معرفی تنها سرپرست دینی آنان می‌پردازد. بر خلاف دیدگاه برخی مفسران (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۲، ص ۳۸۴)؛ با توجه به حرف تخصیص، یعنی «انما» ی اول آیه (طوسی، بی تا: ج ۳، ص ۵۶۰ و ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۲۰۸) که این حرف، ما بعد خود را اثبات و غیر آن را نفی می‌کند؛ کلمه «ولی» به معنای دوست و یا ناصر و یاور نیست، بلکه به معنای ولی امر و قائم به تدبیر آن است؛ یعنی تنها کسی که بر مردم سِمَت ولایت و رهبری داشته و اطاعتش بر مردم واجب است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۳، ص ۳۲۳ و ۳۲۶)؛ زیرا ولایت به معنای دوستی و یاری کردن، مخصوص کسانی نیست که نماز می‌خوانند، و به حال رکوع زکات می‌دهند، بلکه حکمی عمومی است و در واقع همه مسلمانان باید یکدیگر را دوست بدارند و یکدیگر را یاری کنند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۴، ص ۴۲۳). امام صادق علیه السلام آن را به مفهوم «أُولَىٰ بِكُمْ أَىٰ أَحَقُّ بِكُمْ وَ بِأُمُورِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ أَمْوَالِكُمْ..» و «وَالَّذِينَ آمَنُوا» را به امام علی علیه السلام و اولاد امام او تا قیامت، تفسیر کرده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۸۸). در این معرفی سرپرست مومنان از تعبیر مفرد «ولی»، به جای «اولیا» استفاده شده که گویای انطباق کامل ولایت پیامبر و ولایت «الذین آمنوا» بر ولایت خداست. به عبارت دیگر، ولایت الهی از طریق ولایت پیامبر خدا و ولایت «الذین آمنوا» جاری می‌شود که دیگر سه ولایت مطرح نیست، بلکه ولایت واحد الهی است که توسط آنان بر مومنان تحقق می‌یابد. بنابراین، اینان مجرای اراده و فیض خدای متعالند و از آن جا که ولایت «الذین آمنوا» همچون ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مطلق و بلاشرط است، گویای عصمت آنان است و از آن جا که این آیه ابدی است و به مومنان صدر اسلام اختصاص ندارد؛ در طول زمان جاری است و هر زمانی ولی امر معصومی برای مومنان مطرح است که همان شئون پیامبر را در تبیین و تحقق دین بر عهده دارد. بنابراین، توجه به سیاق متصل آیه شریفه، گویای وجود معصومانی در طول تاریخ اسلام و مخصوصا تاکید بر امت آخرالزمان و شخص امام عصر علیه السلام است: «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ...» (مائده: ۵۴) (نمی‌فرماید: فسیأتی...). مطلبی که در برخی روایات ما نیز به آن اشاره شده (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۳۱۵) و این که در برخی روایات درباره ماهیت این قوم همشهریان مسلمان مطرح شده‌اند (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۶۴۲) (با وجود این که آن موقع ایرانیان هنوز اسلام را نپذیرفته بودند) مؤید این نظریه است. قابل ذکر است که تفاسیر مختلف فریقین، شأن نزول

نقل شده در مورد این آیه مبنی بر صدقه دادن انگشتر توسط حضرت علی علیه السلام در حال رکوع و همزمان نزول این آیه را آورده و برخی با الغای خصوص شأن نزول و سرایت دادن آن به همه مومنان و برخی بدون الغای این خصوصیت، آن را پذیرفته‌اند (از تفاسیر اهل سنت ر.ک: طبری، ۱۴۱۴: ج ۶، ص ۱۸۶؛ واحدی، ۱۴۱۱: ص ۲۰۱؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ص ۲۰۹-۲۴۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۶۴۹ و فخررازی، ۱۴۲۰: ج ۱۲، ص ۳۸۳؛ و از تفاسیر شیعه ر.ک: طوسی، بی تا: ج ۳، ص ۵۵۹-۵۶۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۳، ص ۳۲۴-۳۲۶؛ رازی، ۱۴۰۸: ج ۷، ص ۱۹ و فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۴۵). موارد مذکور در واقع بیان مصداق اول و اکبر «ولی خدا» در کنار ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، نه آن که به حضرت اختصاص داشته باشد و در واقع همه ائمه را شامل می‌شود؛ مطلبی که در روایات منقول از اهل البیت علیهم السلام به آن اشاره شده است (ر.ک: بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۳۱۵-۳۲۵ و عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۶۴۱-۶۴۸). بنابراین، دادن انگشتری به فقیر در حین رکوع، نمونه‌ای از فعل ولی خداست و این سیره دائمی ولی معصوم در هر عصری است که حالات گوناگون را در بر می‌گیرد و مقصود از رکوع، کرنش در برابر خداست که طبعاً رکوع و غیر رکوع همه را شامل می‌شود. از این روست که فعل در آیه «يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» به شکل مضارع و جمع آمده است؛ در حالی که اگر تنها یک مورد را در نظر داشت و تنها امیرمومنان مقصود بود، باید به صیغه ماضی و مفرد بیان می‌شد (ر.ک: نقی پورفر، ۱۳۹۲: ص ۱۳۶-۱۳۹). برخی از مفسران اهل سنت، به شأن نزول و تفسیر دیگری نیز درباره این آیه شریفه اشاره کرده‌اند که البته تحلیل و بررسی درست و همه جانبه دیدگاه برخی دانشمندان شیعی درباره این آیه شریفه، بسیار قابل توجه بوده و ما را از شرح و تفصیل بیش‌تر آن بی‌نیاز می‌کند (جهت تحلیل درون متنی و برون متنی و بررسی دیدگاه‌های فریقین، ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۶، ص ۵-۲۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۴، ص ۴۲۱-۴۳۲ و نجارزادگان، ۱۳۹۱: ص ۲۳-۷۰).

اما آنچه توجه به آن لازم است، این که ولایت مورد اشاره در این آیه شریفه، برای خدا و رسول و مومنان مورد نظر از یک سنخ بوده و به یک معناست، با این تفاوت که برای خداوند متعال بالاصاله بوده و برای رسول صلی الله علیه و آله و سلم و مومنان مورد نظر به تبعیت از خدا و با اذن پروردگار خواهد بود و از آن جا که قرآن برای رسول خدا، قیام به تشریح، دعوت به دین، تربیت امت، تبیین وحی و حکومت بر آنان را ثابت دانسته و همه این‌ها را از شوون و مناصب رسالت



ایشان می‌شناسد؛ همان شئون برای علی علیه السلام (ر.ک: نجارزادگان، ۱۳۹۱: ص ۲۶-۲۸) و به تبع او برای تمام ائمه معصوم علیهم السلام از باب «کلهم نور واحد» ثابت است و لذا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اطاعت و عصیان از علی علیه السلام را اطاعت و عصیان از خود خوانده است:

مَنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، وَمَنْ أَطَاعَ عَلِيًّا فَقَدْ أَطَاعَنِي، وَمَنْ عَصَى عَلِيًّا فَقَدْ عَصَانِي (نیشابوری، ۱۴۱۱: ج ۳، ص ۱۳۰ و ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۳۷۳).

همین طور احادیث معروف «منزلت» (ر.ک: بخاری، ۱۴۰۱ ق، ج ۵، ص ۱۲۹): «ثقلین» (ر.ک: نیشابوری، ۱۴۱۱: ج ۳، ص ۱۱۸؛ ابن حنبل، ۱۴۱۹: ج ۳، ص ۱۴؛ نسائی، ۱۴۲۱: ج ۷، ص ۳۱۰؛ طبرانی، ۱۴۱۵: ج ۵، ص ۱۵۴ و ۱۶۶؛ ابن حنبل، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۷۷۹؛ صفار، ۱۴۰۴: ص ۴۱۳؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۳۴-۲۴۱؛ مفید، ۱۴۱۳: ج ۱، ص ۲۳۳؛ طوسی، ۱۴۱۴: ص ۲۵۵ و ابن طاووس، ۱۴۰۰: ص ۱۱۴-۱۲۲؛ «سفینه» و «باب حطه» (ر.ک: بزار، ۲۰۰۹: ج ۹، ص ۳۴۳؛ طبرانی، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۸۴ و خزاز رازی، ۱۴۰۱: ص ۳۴)؛ که همگی از زبان آن حضرت در شأن ائمه اطهار علیهم السلام صادر شده، حاکی از عصمت آنان، لزوم پذیرش ولایتشان و وجوب تسلیم در برابر دستورات آنان است (ر.ک: وحید خراسانی، ۱۳۸۶: ص ۱۰۶-۱۴۶).

در مطلبی که در آیه دوم ولایت (مائده: ۵۶) آمده، به صراحت سخن از لزوم پذیرش همان ولایت و در واقع تسلیم پذیری در برابر خدا و رسول و اولیای امر معصوم علیهم السلام است (ر.ک: طوسی، بی تا: ج ۳، ص ۵۶۵) که نتیجه این ولایت پذیری و تسلیم بودن در پیشگاه آنان، قرار گرفتن در حزب خدا، و نتیجه عدم تسلیم پذیری خروج از حزب خدا و از دست دادن فلاح و رستگاری است.

ج) پیوند امامت و مقام عصمت: قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (بقره: ۱۲۴) بر اساس این آیه شریفه، خدای تعالی مقام امامت را در اواخر عمر ابراهیم علیه السلام به او اعطا کرد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۲۶۷) و این مقامی است که حضرت ابراهیم بعد از آزمایش‌های طاقت فرسا و پیمودن مراتب نبوت و رسالت و خلت، به آن مقام رسید (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۱۷۵). در جمله ﴿قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾، از امامت، به «عهد خداوند» تعبیر شده که جز معصوم به این مقام نایل نمی‌شود. تردیدی نیست که ابراهیم

امامت را برای عموم ذریه خود نخواست؛ زیرا ممکن نیست خلیل خدا امامت را از خداوند برای کسی بخواهد که ظالم است و چون این مقام را برای ذریه عادل خود درخواست کرد (و این خواسته نسبت به عدلی هم که در گذشته ظلمی از او سرزده باشد، عمومیت داشت) جواب آمد که این دعا در مورد کسی که حتی در گذشته ظلمی از او سر زده مستجاب نیست؛ بلکه امامت مطلقه به عصمت مطلقه مشروط است (ر.ک: وحید خراسانی، ۱۳۸۶: ص ۱۰۴-۱۰۵). علمای مذهب امامیه، با استناد به این آیه که مطلق بوده و به زمان خاصی مقید نیست، استدلال کرده‌اند که امام نمی‌تواند کسی باشد جز شخص معصوم از قبایح و جز به جعل خدا (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۳۸۰؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ج ۱، ص ۱۹۷-۱۹۸ و طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۲۷۵).

فخررازی هم «امام» در این آیه را معصوم از تمام گناهان دانسته (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۴، ص ۳۶)؛ ولی در جواب شیعه و برای میرا کردن کسانی که قبلاً از آن‌ها ظلمی سر زده، ولی فعلاً ظالم نیستند، تلاش کرده است (همان، ص ۳۸) و عجیب آن که آلوسی به قصد میرا کردن برخی از خلفای صدراسلام و آوردن آنان در جرگه ائمه عادل، در مورد این‌که سوال حضرت ابراهیم علیه السلام در مورد چه کسی بوده؛ ادعای عجیبی کرده و دو قسم را در نظر گرفته است: اول، کسی که قبلاً ظالم بوده و الان با توبه، عدالت مطلقه دارد؛ دوم، کسی که قبلاً ظالم بوده و الان احتراز کرده؛ ولی به علت توبه نکردن، عدالت مطلقه را کسب نکرده است. او می‌گوید: جایز است سوال راجع به قسم دوم باشد! وی سپس خلفای ثلاثه اولیه را از اعلا مرتبگان قسم اول گرفته تا به این طریق جواب شیعه را داده باشد (ر.ک: آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۳۷۶). این که آلوسی ناچار می‌شود سوال را راجع به قسم دوم بداند؛ قابل قبول نیست؛ زیرا شخصیتی مثل حضرت ابراهیم با آن کمال عقل و عدالتی که داراست و به تعبیر امام کاظم علیه السلام، عقل نبی از تمام اجتهاد مجتهدان افضل است: «وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا عَاقِلًا حَتَّى يَكُونَ عَقْلُهُ أَفْضَلَ مِنْ جَمِيعِ جَهْدِ الْمُجْتَهِدِينَ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ص ۳۹۷)؛ راضی نمی‌شود از خدای متعال، امامت مطلقه را برای کسی که عدالت مطلقه و در نتیجه عصمت مطلقه ندارد، درخواست کند. امامت مطلقه به عصمت مطلقه مشروط است. از قرار معلوم خود این مفسران نیز به دلیل شأن خاص امام ملهم از این آیه، به گنجاندن نام افرادی همچون خلفای سه گانه، تحت این عنوان با مسمّا، قانع نشده و لذا در جاهای متعدد تفسیر آیه شریفه،



امامت در این آیه را به معنای نبوت و معصوم گرفته‌اند (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۴، ص ۳۶ و ۳۸ و آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۳۷۴ و ۳۷۵) که این دیدگاه نیز دارای اشکال اساسی است؛ زیرا معنی ندارد به شخصیتی مثل حضرت ابراهیم علیه السلام که سال‌ها پیش نبی بود، بعد از رسول و خلیل شدن بگوید من تو را امام به معنای نبی قرار دادم. به تعبیر علامه طباطبایی، این تفسیر در نهایت سقوط است (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۲۷۱). ایشان ضمن تحلیل جامعی در باره واژه «امامت» و قرین بودن دائمی آن در قرآن به واژه «هدایت به امر خدا» (انبیاء: ۷۳ و سجده: ۲۴) می‌گوید: امام هدایت کننده‌ای است که با امری ملکوتی که در اختیار دارد، هدایت می‌کند. سبب این موهبت هم عبارت است از صبر و یقین: ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا، وَ كَانُوا بِآيَاتِنَا يُوْقِنُونَ﴾ (سجده: ۲۴)؛ که به دلیل مطلق بودن «صبر» در این آیه، شایستگی مقام امامت در برابر تمامی صحنه‌هایی که برای آزمایش آنان پیش می‌آید، (تا مقام عبودیت و پایه بندگی‌شان روشن شود) صبر می‌کنند؛ در حالی که قبل از آن پیشامدها دارای یقین هم هستند. معلوم است که چنین مقامی، با این شرافت و عظمت، هرگز در کسی یافت نمی‌شود، مگر آن که ذاتا سعید و پاک باشد. پس مراد از «ظالمین» در آیه مورد بحث، مطلق هر کسی است که ظلمی هر چند کوچک در تمام عمرش از او صادر نشده باشد (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۲۷۲-۲۷۴).

بنابراین، شرط احراز این مقام دو چیز است: اول، عدم اتصاف به ظلم که بیانگر عصمت مطلقه است؛ دوم، گذراندن ابتلائاتی همچون ابتلائات حضرت ابراهیم علیه السلام. این مقام نه تنها شامل ظالمان از فرزندان حضرت ابراهیم نمی‌شود، بلکه همه ذریه معصومش را نیز در بر نمی‌گیرد. بنابراین، از انبیای اولوالعزم این مقام را قطعاً پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به دلیل افضلیت و خاتمیت داشته و به شهادت آیات (هود: ۱۷) و (رعد: ۴۳) و مقایسه آن‌ها با آیه (نمل: ۴۰)؛ معلوم می‌شود، شخصیتی در امر رسالت، الهی، در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که همچون قرآن کریم، سند نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و حامل علم همه کتابی است که به اذن خدا، ولایت تکوینی بر کل هستی را به حامل خویش می‌بخشد. شخصیت منحصر به فرد بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که تنها مصداق ممکن با ویژگی‌های مذکور است، در تفکر جمیع فرقه‌های مسلمین، مولا، علی علیه السلام است و هیچ شخصیت دیگری، از جانب هیچ گروهی از مسلمین به چنین صفاتی متصف نشده است. پس علی علیه السلام شأنی هم‌تراز قرآن دارد و خود دومین مصداق این مقام امامت در

امت اسلام است (ر.ک: نقی پورفر، ۱۳۹۲، ص ۷۲-۷۶). روایات نیز این مطلب را تأیید می‌کنند (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۴؛ ص ۳۷۹؛ بحرانی، ۱۴۱۶؛ ج ۱، ص ۳۲۶). عیاشی با چند سند از صفوان جمال نقل کرده که گفت: «ما در مکه بودیم؛ در آن جا گفت‌وگو درباره این آیه شد؛ فرمود: خدا آن را با محمد و علی و امامان از فرزندان علی تمام کرد» (عیاشی، ۱۳۸۰؛ ج ۱، ص ۵۸).

از طرف دیگر، سیری در زندگی علمی و عملی ائمه اهل البیت علیهم‌السلام گویای این نظریه است که آنان بارزترین مصادیق ائمه هدایتگر به امر خدا بوده‌اند؛ مطلبی که در کلمات نورانی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز به وضوح بیان شده است؛ چنان که از امام باقر علیه‌السلام چنین نقل شده است:

چون آیه ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾ (اسراء: ۷۱) نازل شد: مسلمانان گفتند: یا رسول الله! مگر شما امام همه مردم نیستید؟ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: من از طرف خدا بر همه مردم رسولم؛ ولی بعد از من، محققاً امامانی از خاندانم از طرف خدا به مردم گماشته می‌شوند. آن‌ها در میان مردم قیام می‌کنند و مردم آن‌ها را تکذیب و ائمه کفر و ضلالت و پیروانشان به آن‌ها ستم می‌کنند. هر که ولایت آن‌ها را پذیرفته و از آنان پیروی و آن‌ها را تصدیق کند، او از من و همراه من است و محققاً مرا ملاقات خواهد کرد. آگاه باشید هر که بر آنان ستم و آن‌ها را تکذیب کند، از من و همراه من نیست و من از او بیزارم (کلینی، ۱۴۰۷؛ ج ۱، ص ۲۱۵).

از طرف خود ائمه هدایتگر علیهم‌السلام نیز منصب هدایتگری و جایگاه ویژه مقام امامت تذکر داده شده است؛ مانند آنچه از امام سجاد علیه‌السلام، امام باقر علیه‌السلام، امام رضا علیه‌السلام نقل شده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷؛ ج ۱، ص ۱۹۱ و ۱۹۸-۲۰۳ و صحیفه سجادیه، دعای ۴۷، ص ۲۱۸). بنابراین، تسلیم در پیشگاه کسانی که به امر خدا هادی‌اند و عصمت مطلقه دارند، مقتضای عقل سلیم بوده و در واقع تبعیت از این آیه قرآن است: ﴿...أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾ (یونس: ۳۵)؛ و اصلاً از منظر عقل، فلسفه جعل امام هادی به امر خدا، هدایتگری و در مقابل، انتظار پیروی از آنان است، وگرنه بر این قضیه چه فایده‌ای مترتب خواهد بود و لذا مومن نمی‌تواند در برابر حجت خدا تسلیم نباشد و در عین حال انتظار داشته باشد که مؤمن تلقی گردد.

د) آیه تطهیر: قرآن کریم می‌فرماید: ﴿...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾ (احزاب: ۳۳). این آیه شریفه یکی از مهم‌ترین دلایل عصمت اهل البیت علیهم‌السلام

است؛ چه این که کلمه «انما» از ادات حصر بوده است (ر.ک: بابایی، ۱۳۸۸: ص ۲۵-۲۹) و در حقیقت دو حصر را می‌رساند: یکی اراده خدا و دیگری دور کردن پلیدی و تطهیر اهل بیت؛ و با در نظر گرفتن «ال» جنس، کلمه «رجس» که برای استغراق است و بدان معناست که تمامی انواع پلیدی‌ها، و ردایل که اعتقاد و عمل حق را تخطئه می‌کند، از آنان به دور است و طبعاً و چنین ازاله‌ای با عصمت الاهی منطبق می‌شود، که عبارت است از صورت علمیة نفسانیه‌ای که انسان را از اعتقاد باطل و عمل زشت حفظ می‌کند. اراده نیز تکوینی است و اراده تشریحی که همان توجیه تکالیف بر مکلف است، اصلاً با این مقام سازگار نیست (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۶، ص ۳۱۰-۳۱۳ و ر.ک: بابایی، ۱۳۸۸: ص ۲۵-۵۴). با توجه به مفردات آیه، معنای آیه چنین است: «خدا همواره می‌خواهد که فقط از خصوص شما اهل بیت، مطلق پلیدی را دور کند و شما را به طور کامل پاکیزه قرار دهد.» این معنا بر عصمت اهل بیت دلالت روشن دارد؛ زیرا افرادی را که خدا همواره بخواهد مطلق پلیدی از آنان دور باشد، بدون تردید از هر گناه و خطایی پاک و مبراً هستند و این همان عصمت است (ر.ک: بابایی، ۱۳۸۸: ص ۵۵-۵۶).

این آیه شریفه به اقرار اکثر قریب به اتفاق مفسران، در شأن پیامبر ﷺ، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام و حسنین علیهم السلام نازل شده که در زمان خود پیامبر ﷺ به «اصحاب کساء» و از زبان مبارک پیامبر ﷺ به «اهل البیت» معروف گشته‌اند (ر.ک: طوسی، بی‌تا: ج ۸، ص ۳۳۹-۳۴۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۸، ص ۵۵۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۴، ص ۱۸۷-۱۸۹؛ طبری، ۱۴۱۲: ج ۲۲، ص ۵؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ج ۲، ص ۲۰-۱۳۹؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ج ۲۵، ص ۱۶۸ و سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۵، ص ۱۹۸). فضیلت اصحاب کسا و این که این آیه در شأن آنان نازل شده، از زبان بزرگان تفسیر اهل سنت نیز صادر شده است (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۶۹-۳۷۰ و بیضاوی، ۱۴۱۸: ج ۲، ص ۲۱)؛ تا آن جا که فخر رازی بعد از نقل جریان مباحله، با اشاره به حدیث کسا و جمع شدن پنج تن آل عبا ذیل آن و تلاوت آیه تطهیر توسط خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و سلم در شأن اصحاب آن، می‌گوید: «و اعلم أن هذه الروایة کالمتفق علی صحتها بین أهل التفسیر و الحدیث» (فخررازی، ۱۴۲۰: ج ۸، ص ۲۴۷). در تفاسیر اهل سنت، بعضاً اشاره شده که زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز جزو اهل البیت هستند (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۳، ص ۵۳۸ و فخررازی، ۱۴۲۰: ج ۲۵، ص ۱۶۸)؛ ولی به دلایل متقن نقلی و عقلی این حرف مردود دانسته شده است (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۸، ص ۵۵۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۶، ص ۳۰۹-۳۱۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۷،

ص ۲۹۲ و نقی پورفر، ۱۳۹۲: ص ۲۴۲-۲۵۱) و این که این آیه در وسط مباحث مربوط به زنان پیامبر ﷺ آمده است، دلیل بر اتصال این جمله به قبل و بعد خود نبوده و هیچ کدام از روایات به این مطلب دلالت ندارد. برعکس، روایات فراوانی که اغلب هم از اهل سنت نقل شده بر روی «خمس طیه» تأکید دارند و ضمیر «عنکم» نیز قرینه دیگری بر این مطلب است (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۶، ص ۳۱۰-۳۱۲). ملاحظه لحن کلام و نوع بیان این آیه با آیات قبل و بعد، و تتبع در روایاتی که در خصوص این آیه کریمه وارد شده، حاکی از آن است که این آیه نزول مستقلی داشته و به قبل و بعد خود ارتباطی ندارد (ر.ک: بابایی، ۱۳۸۸: ص ۱۶-۱۹). سیره عملی مداوم پیامبر ﷺ که به گفته ابن عباس، هر روز پنج نوبت در خانه علی علیه السلام توقف و با تلاوت این آیه، بر آنان با عنوان اهل البیت سلام می کرده، علاوه بر سیره گفتاری آن حضرت، مصادیق اهل البیت علیهم السلام را مشخص کرده است (ر.ک: مراغی، بی تا: ج ۲۲، ص ۷). عدم عصمت همسران پیامبر به دلیل مفاد سوره تحریم و تاریخ قطعی و اجماع همه فرقه‌ها، و خروج آنان از منسوبان خاص پیامبر ﷺ در آیه مباحله، دلیل دیگری بر عدم شمول آیه نسبت به همسران پیامبر است (ر.ک: نقی پورفر، ۱۳۸۱: ص ۳۴۴).

از طرف دیگر در شأن قرآن آمده است: ﴿إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ. فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ. لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ (واقعه: ۷۷-۷۸). «مکنون»، یعنی محفوظ و مصون از تغییر و تبدیل و آن همان! «لوح محفوظ» است. ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ چه صفت کتاب مکنون باشد و چه وصف سومی برای قرآن باشد، معنایش آن است که مس نمی‌کنند آن کتاب مکنون را که قرآن در آن است و یا قرآنی که در کتاب مکنون است؛ جز پاکان و مس آن، همان علم به آن است که در کتاب مکنون است و «مطهرون»، اسم مفعول از تطهیر، کسانی هستند که خدای تعالی دل‌هایشان را از رجس‌های معاصی و پلیدی‌های گناهان و یا از چیزی عظیم‌تر و دقیق‌تر از آن‌ها، یعنی قلب‌هایشان را از تعلق به غیر خدای تعالی، پاک کرده است؛ مانند ملائکه و کسانی از بشر که خدا آنان را تطهیر فرموده است: و برای تخصیص «مطهرون» به ملائکه وجهی وجود ندارد؛ همان‌گونه که برخی مفسران گفته‌اند؛ زیرا آن تقیید بدون مقید است (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۹، ص ۱۳۷).

از طرف سوم، اصل قرآن به شهادت کثیری از آیات (بقره: ۱-۵؛ انعام: ۱۹؛ اعراف: ۲۰۴؛ اسراء: ۹ و ۴۱ و ۸۲؛ قصص: ۸۵؛ یس: ۶۹-۷۰؛ زمر: ۲۸ و یوسف: ۲ و عقل سلیم، به انگیزه



هدایت و لزوم اطاعت از معارف آن به بشر نازل شده؛ و گرنه عدم انتظار تسلیم در برابر آن، فلسفه نزول آن را با چالش مواجه می‌کند. لذا همان‌گونه که تسلیم در برابر قرآن صامت را نقل و عقل سلیم تذکر می‌دهد، تسلیم در برابر اهل البیت علیهم‌السلام نیز که عصمت مطلقه و علم به حقیقت قرآن داشته و به عنوان قرآن ناطق از جانب خدا شأن هدایتگری دارند؛ تذکار نقل و عقل سلیم است. از حضرت امیر علیه‌السلام نقل شده است:

مردم! به اهل بیت پیامبرتان بنگرید، از آن سو که گام بر می‌دارند بروید؛ قدم جای قدمشان بگذارید، آن‌ها شما را هرگز از راه هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاکت باز نمی‌گردانند. اگر سکوت کردند، سکوت کنید و اگر قیام کردند، قیام کنید. از آن‌ها پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان عقب نمانید که نابود می‌گردید (نهج البلاغه، خطبه ۹۷، ص ۱۸۰).

عقل در معیت نقل، با عنایت به شئون هدایتگری، عصمت و عالم به حقیقت قرآن بودن ائمه، راهی جز تسلیم در پیشگاه ائمه علیهم‌السلام در برابر خود نمی‌بیند.

نتیجه گیری

«تسلیم»، یعنی انقیاد محض در مقابل ائمه معصوم علیهم‌السلام از وظایف اصلی منتظران امام عصر علیه‌السلام است که با تسلیم در برابر خدا و رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همسو بوده و از معارف قطعی آموزه‌های دینی می‌باشد، و برخلاف نظر بیش‌تر مفسران اهل سنت، حاکی از عصمت مطلقه آنان است که برونداد آیاتی مانند آیات ولایت، آیه اولی الامر، جعل امام و تطهیر، می‌باشد. علاوه بر این که در آیات اولی الامر و ولایت، به صراحت تسلیم‌پذیری در پیشگاه امام معصوم علیه‌السلام تذکر داده شده و در آیه جعل امام، کلا فلسفه جعل، هدایتگری و در مقابل، انتظار تبعیت بوده و عقل نیز به دلیل عصمت مطلقه ائمه، ملهم از همه این آیات، به ویژه تصریح آیه تطهیر، در کنار منصب هدایتگری و عدل قرآن بودن آنان، ما را به فرمانبری مطلق در برابر آنان فرا می‌خواند. ضمن این که در آموزه‌های دینی، چون دستور پیروی از مقام عصمت از طرف خدا صادر شده، بین تسلیم در برابر خدای متعال و ائمه اطهار علیهم‌السلام تلازم وجود داشته؛ به گونه‌ای که در صورت عدم تسلیم در برابر ائمه اطهار علیهم‌السلام، تسلیم در برابر خداوند متعال نیز محقق نمی‌شود. بنابراین، پذیرش ولایت ائمه علیهم‌السلام و تسلیم در پیشگاه آنان و در عصر حاضر در برابر امام عصر علیه‌السلام ضرورتی دینی است که بدون داشتن آن، ایمان واقعی تحقق نمی‌یابد.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

صحیفه سجادیه.

۱. آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲. ابن ابی جمهور، محمد (۱۴۰۵ق). عوالی اللئالی، قم، دار سید الشهداء.
۳. ابن ابی زینب، محمد (۱۳۹۷ق). الغیبة نعمانی، تهران، نشر صدوق.
۴. ابن اثیر، مبارک (۱۳۶۷). النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، قم، اسماعیلیان.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). آمالی، تهران، کتابچی.
۶. _____ (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمة، تهران، بی نا.
۷. _____ (۱۴۰۳ق). معانی الاخیار، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۸. ابن حنبل، أحمد (۱۴۰۳ق). فضائل الصحابه، محقق: محمد عباس، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۹. _____ (۱۴۱۹ق). مسند، محقق: السید أبو المعاطی النوری، بیروت، عالم الکتب.
۱۰. ابن شعبه حرانی، حسن (۱۴۰۴ق). تحف العقول، محقق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۱۱. ابن شهر آشوب، محمد (۱۳۷۹ق). مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم، علامه.
۱۲. ابن طاووس، علی (۱۴۰۰ق). الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، قم، خیام.
۱۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا). التحرير و التنویر، بی جا، بی نا.
۱۴. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق (۱۴۲۲ق). المحرر الوجیز، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت، دار الفکر.
۱۶. أبو ریه، محمود (بی تا). أضواء علی السنة المحمدیه، بی جا، نشر بطحاء.
۱۷. استر آبادی، محمد جعفر (۱۳۸۲). البراهین القاطعة، قم، مکتب الاعلام الإسلامی.
۱۸. اسماعیلی زاده، ایلقار (بهار ۱۳۸۳). «تفسیر تطبیقی آیه تطهیر از دیدگاه مذهب اهل بیت علیهم السلام و اهل سنت»، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، ش ۹۰۸، قم، جامعه المصطفی العالمیه.
۱۹. اندلسی، ابو حیان (۱۴۲۰ق). البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دار الفکر.
۲۰. بابایی، علی اکبر (۱۳۸۸)، پرسمان عصمت، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۱. بحرانی، ابن میثم (۱۴۰۶ق). قواعد المرام، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی.
۲۲. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن، قم، تهران، بنیاد بعثت.
۲۳. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق). صحیح بخاری، بیروت، دار الفکر.
۲۴. بزار، أحمد بن عمرو (۲۰۰۹م). مسند البزار، مدینه، مکتبه العلوم والحکم.

۲۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *تجلی ولایت در آیه تطهیر*، قم، نشر اسراء.
۲۷. _____ (۱۳۸۹). *تفسیر تسنیم*، قم، نشر اسراء.
۲۸. جوهری، احمد (بی تا)، *مقتضب الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر*، قم، طباطبایی.
۲۹. حسکانی، عبیدالله (۱۴۱۱ق). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تهران، وزارت ارشاد.
۳۰. حسین زاده، علیرضا (خرداد و تیر ۱۳۹۷). «*تسلیم طلائی و یاران تنوری*»، *میلغان*، ش ۲۲۸، قم، معاونت تبلیغ و آموزش های کاربردی حوزه علمیه قم.
۳۱. حلی، یوسف بن مطهر (۱۴۱۳ق). *کشف المراد*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۳۲. خزاز رازی، علی (۱۴۰۱ق). *کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر*، قم، بیدار.
۳۳. رازی، ابوالفتوح (۱۴۰۸ق). *روض الجنان و روح الجنان*، مشهد، پژوهش های آستان قدس.
۳۴. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دمشق، دار القلم، دار الشامیة.
۳۵. رشید رضا، محمد (۱۹۹۰م). *تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)*، مصر، هیئة المصریة العامة.
۳۶. رضایی هفتادر، حسن و دیگران (پاییز و زمستان ۱۳۹۶). «*گونه شناسی و تحلیل مفاد روایات شیعی باب تسلیم*»، پژوهش های قرآن و حدیث، ش ۲، تهران، دانشگاه تهران.
۳۷. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دار کتاب العربی.
۳۸. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق). *الدّر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، مکتبه آیه الله المرعشی.
۳۹. شاذلی، سید بن قطب (۱۴۱۲ق). *فی ظلال القرآن*، بیروت، قاهره، دار الشروق.
۴۰. شریف مرتضی، علی (۱۴۰۹ق). *تنزیه الأنبیاء علیهم السلام*، بیروت، دار الأضواء.
۴۱. صدرالدین شیرازی، محمد (۱۳۸۳). *شرح أصول الکافی*، تهران، مؤسسه مطالعات.
۴۲. صفار، محمد (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات*، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۴۳. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۴۴. طبرانی، سلیمان (۱۴۰۵ق). *المعجم الصغیر*، بیروت/عمان، مکتب الاسلامی، دار عمار.
۴۵. _____ (۱۴۱۵ق). *المعجم الکبیر*، قاهره، دار النشر: مکتبه ابن تیمیة.
۴۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
۴۷. طبرسی، احمد (۱۴۰۳ق). *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد، نشر مرتضی.
۴۸. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
۴۹. طوسی، خواجه نصیر الدین (۱۴۰۷ق). *تجرید الاعتقاد*، بی جا، تبلیغات اسلامی.
۵۰. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۵۱. _____ (۱۴۱۴ق). *الأمالی*، قم، دار الثقافة.
۵۲. عدهای از علما (۱۳۶۳). *الأصول الستة عشر*، قم، دار الشبستری للمطبوعات.

۵۳. عروسی حویزی، عبد علی (۱۴۱۵ق). نور الثقلین، قم، اسماعیلیان.
۵۴. عسگری یزدی، علی، جوانمرد، بهنام (بهار ۱۳۹۶). «دفاع از ادله ضرورت عصمت امام در مواجهه با اشکالات فخر رازی»، پژوهش‌های فلسفی و کلامی، ش ۷۱، دانشگاه قم.
۵۵. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). کتاب التفسیر، تهران، مکتبه العلمیه.
۵۶. فخر رازی، محمد (۱۴۰۶ق). عصمة الأنبياء، قم، منشورات الکتبی النجفی، مطبعة الشهيد.
۵۷. _____ (۱۴۲۰ق). مفاتيح الغیب، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۵۸. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین، قم، نشر هجرت.
۵۹. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ق). الصافی، تهران، انتشارات الصدر.
۶۰. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو.
۶۱. قمی مشهدی، محمد (۱۳۶۸). کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت ارشاد.
۶۲. قندوزی حافظ سلیمانی (۱۴۱۶ق). ینابیع المودة لذوی القربی، بی جا، دار الأسوة للطباعة والنشر.
۶۳. کاشانی، ملافتح الله (۱۳۳۶). منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، علمی.
۶۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۶۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
۶۶. _____ (۱۴۲۳ق). زاد المعاد - مفتاح الجنان، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
۶۷. محلی، جلال الدین سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۶ق). تفسیر الجلالین، بیروت، مؤسسه النور.
۶۸. مراغی، احمد مصطفی (۱۹۸۵م). تفسیر المراغی، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
۶۹. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ.
۷۰. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق). الکاشف، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۷۱. _____ (۱۴۱۳ق). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید.
۷۲. _____ (۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م). أوائل المقالات، بیروت، دار المفید.
۷۳. _____ (۱۴۱۴ق)، عدم سهو النبی ﷺ، بیروت، دار المفید.
۷۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۷۵. میلانی، سیدعلی، شاهینی، مهدی (تابستان ۱۳۹۱). «وظایف امت در برابر امام»، امامت پژوهی، ش ۶، قم، بنیاد فرهنگی امامت.
۷۶. نجارزادگان، فتح الله (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت در دیدگاه فریقین، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷۷. نسائی، أبو عبدالرحمن أحمد (۱۴۲۱ق). السنن الکبری، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۷۸. نقی پورفر، ولی الله (۱۳۹۲). بررسی شخصیت اهل بیت علیهم السلام در قرآن، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۷۹. _____ (۱۳۸۱). پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن، تهران، اسوه.

۸۰. _____ (زمستان ۱۳۹۴). «مراتب الزامات دینی و تکالیف متناظر زنان مومن از دیدگاه قرآن کریم»، مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ش ۳.
۸۱. نیشابوری، محمد (۱۴۱۱ق). *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۸۲. واحدی، علی بن احمد (بی تا). *اسباب نزول القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۸۳. وحید خراسانی، حسین (۱۳۸۶). *آشنایی با اصول دین*، قم، باقرالعلوم علیه السلام.

تحلیل کارکردی موعودباوری و نقش آن در تولید همگرایی در ادیان ابراهیمی

مهراب صادق نیا^۱ - محمدمهدی لطفی^۲

چکیده

در جهان معاصر، ادیان با چالش‌های نسبتاً مشابهی روبه‌رو هستند که برای گذر از این چالش‌ها، باید راه‌های اندیشید. همگرایی ادیان، با وجود همه اختلافات فکری و عملی، می‌تواند راه عبور از این چالش‌ها را هموار سازد. از این رو، تحقیق و بررسی در زمینه عوامل و راهکارهای رسیدن به همگرایی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. در این پژوهش، از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. در این روش با مراجعه به متون مقدس ادیان ابراهیمی و توصیف و تحلیل آموزه موعودباوری و همچنین کشف نقاط اشتراک، از آن به عنوان محملی برای همگرایی استفاده شده است. در این مقاله، مدلی برای همگرایی ادیان ابراهیمی بر مبنای باور به موعود ارائه شده است. بر اساس این مدل، آموزه موعودباوری در ادیان ابراهیمی دو مؤلفه مشابه هم، وضعیت نابسامان موجود و آینده مطلوب را نشان می‌دهد. این مؤلفه‌ها موعودباوری در ادیان ابراهیمی را از «انگاره» بودن خارج کرده و از باور صرف به «گفتمان» و زیرساختی برای فعالیت‌های اجتماعی پیروان این ادیان تبدیل می‌کند. در این گفتمان، موعودباوری به کشف بینش‌ها، گرایش‌ها و کنش‌های همانند در پیروان این ادیان می‌انجامد و نتیجه این همانندی، همگرایی خواهد بود.

واژگان کلیدی: موعودباوری، آینده مطلوب، وضعیت نابسامان موجود، گفتمان موعودباوری، همگرایی ادیان ابراهیمی.

sadeghniam@yahoo.com

۱. استادیار گروه ادیان ابراهیمی دانشگاه ادیان و مذاهب قم

mlotfi313@gmail.com

۲. دکترای الهیات مسیحی دانشگاه ادیان و مذاهب قم (نویسنده مسئول)

بررسی پیشینه تاریخی ادیان ابراهیمی، گواه این مطلب است که متأسفانه در گذشته، عوامل مختلفی چون تعصبات دینی، بی‌اطلاعی از آموزه‌های سایر ادیان و سوء تفاهم‌ها اختلافات، منازعات و درگیری‌های بسیاری در میان پیروان این ادیان را موجب شده و این امر تضعیف جامعه دینی و در مواردی نیز تسلط بی‌دینان بر دین‌داران را در پی داشته است. در شرایط کنونی نیز ادیان از نظر چالش‌های پیش رو، وضعیت مشابهی دارند. رویارویی با مدرنیته و الزامات آن و نیز مسایل اجتماعی این روزگار که تا اندازه فراوانی به رشد بی‌دینی و سکولاریسم انجامیده است، ادیان را (با همه اختلافاتی که دارند) در شرایط همانندی قرار داده و نیازهای مشترکی در آن‌ها به وجود آورده است. همه ادیان باید در این شرایط، از معناداری خود دفاع کرده و بر کارکرد خود برای اداره امور انسان مدرن تأکید ورزند تا بتوانند به حیات اجتماعی خود ادامه دهند. این وضعیت پیچیده، همگرایی فرهنگی^۱ ادیان را به عنوان نیازی انکار ناپذیر ایجاب می‌کند. برای تحقق همگرایی در ادیان باید بر مفاهیمی تأکید کرد که بیش‌ترین شباهت را میان آن‌ها نشان می‌دهد. سناریویی که ادیان برای آینده جهان و انسان نوشته‌اند، چنان شباهتی به هم دارد که ضمن اشاره به خاستگاه مشترک، می‌تواند بستر مناسبی برای همگرایی و پیروزی بر شرایط دشوار مشابه باشد. «مانهایم» معتقد است:

نقش و کارکرد یوتوپیا سامان دادن به عمل جمعی طبقات اجتماعی برای تغییر واقعیت‌های تاریخی است و بخش مهمی از جامعه‌شناسی معرفت باید برای تبیین همبستگی نزدیک میان شکل‌های مختلف یوتوپیا و قشرهای اجتماعی‌ای مصروف گردد که نظام‌های موجود را دست‌خوش تحول می‌کنند (مانهایم، ۱۳۸۰: ص ۲۱۳).

این مقاله به واکاوی نقش اندیشه موعود در همگرایی ادیان ابراهیمی می‌پردازد. از آن‌جا که بحث نجات و منجی موعود در متون مقدس این ادیان ریشه دارد، این پژوهش به روش تحلیل محتوا صورت گرفته است. در این روش ضمن مراجعه به متون مقدس و استخراج نقاط مشترک آن‌ها در موضوع منجی موعود، به ارائه راهکارهایی برای ایجاد همگرایی این ادیان بر مبنای اشتراکات آن‌ها می‌پردازیم.

نظریه هم‌گرایی بر مبنای موعودباوری

موعودگرایی در شرایط نابسامان اجتماعی معاصر می‌تواند تئوری جدیدی ارائه کند که ضمن نامشروع و نامعقول دانستن وضع موجود، به آموزه‌ای انقلاب‌آفرین برای تغییر این وضعیت تبدیل شود. باور به موعود از یک سو به معنای اعتراض به «وضع موجود» و از سوی دیگر، معرفی «وضع مطلوب» است. بنابراین، موعودباوری در میان پیروان ادیان ابراهیمی دو مؤلفه مشترک ایجاد می‌کند:

۱. برای جوامع انسانی وضعیت مطلوبی وجود دارد که این وضعیت، به گونه بسیار مشابهی در ادیان ابراهیمی به تصویر کشیده شده است و پیروان این ادیان باید به منظور ایجاد این وضعیت گام بردارند.

۲. وضعیت موجود جامعه انسانی با آن وضعیت آرمانی بسیار فاصله دارد و پیروان ادیان ابراهیمی باید برای تغییر این وضعیت نابسامان تلاش کنند.

از این رو، موعودباوری با ترسیم زمینه‌ها (نامطلوبی وضعیت موجود) و اهداف مشترک (رسیدن به آینده مطلوب) می‌تواند بن‌مایه گفتمان^۱ پیروان ادیان ابراهیمی باشد. در حال حاضر، موعودباوری از صرف «انگاره» بودن خارج و به «گفتمان» تبدیل شده است و به همین دلیل امکان یاریگری و هم‌گرایی را فراهم می‌کند.^۲

گفتمان به معنای ارائه اندیشه‌ای انسجام یافته و قابل دفاع است که بر فرهنگ و اعتقادات مبتنی بوده و محور جهت‌گیری‌ها و فعالیت‌ها قرار می‌گیرد و بر سرنوشت جامعه تأثیر می‌گذارد.

به نظر «گی» گفتمان متضمن چیزی بیش از زبان است. گفتمان‌ها همواره متضمن هماهنگ کردن زبان با شیوه عمل، تعامل، ارزش‌گذاری، باور داشتن، احساس،

۱. Discourses

۲. توجه به این نکته ضروری است که مراد ما از گفتمان، تحلیل گفتمان به مثابه یک روش مطالعاتی نیست، بلکه مراد، سخن گفتن و مباحثه کردن می‌باشد؛ یعنی چیزی شبیه آن‌چه در ادبیات میشل فوکو رایج است. قابل ذکر است که نظریه فوکو در صورت تعدیل در ویژگی‌هایی مثل نسبی‌گرایی و ضد ذات‌گرایی قابل استفاده است (برای آگاهی از نظریه فوکو و نقد آن نک: بهروزی لک، غلام رضا، کاربرد تحلیل‌های گفتمانی در مطالعات سیاسی اسلامی و روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام، علی‌اکبر علی‌خانی و همکاران، بخش ۴، مقاله اول).



بدن‌ها، لباس‌ها، نمادهای غیرزبانی، اشیاء، ابزارها، تکنولوژی‌ها، زمان و مکان است (فاضلی، ۱۳۸۳: ص ۸۲، به نقل از: James Paul Gee, An Introduction to discourse analysis: Theory and method. Routledge. 1999: P.25).

آرمان‌ها و اهداف کلان، از راه تبدیل شدن به «گفتمان»، قابلیت تحقق می‌یابد. گفتمان‌سازی آرمان‌ها و ارزش‌ها، به معنای تبدیل شدن آن‌ها به روح حاکم بر جامعه و تبلور آن‌ها در شیوه زندگی، زیرساخت‌های اجتماعی و حیات اجتماعی است. گفتمان دینی باعث رشد اندیشه دینی در جامعه می‌شود که در صورت همراهی با تعهد و احساس مسئولیت، به کنش مشترک و همگرایی منجر می‌گردد. طبق مدل گفتمانی، اعتقاد به موعود، آرمان‌خواهی و اعتراض به وضعیت نابسامان موجود را به «هویت پروژه‌ای برنامه‌دار» تبدیل می‌کند.^۱ در مدل گفتمانی، باور به موعود، به مثابه نوعی ادراک ذهنی فهم نمی‌شود که وظیفه را به نشستن و چشم به راه بودن برای فرا رسیدن روزگار طلایی حکومت موعود منحصر بداند؛ بلکه در مدل گفتمانی، ظهور منجی به مثابه پروسه‌ای است که همه منتظران - و بلکه همه انسان‌ها - در آن ایفای نقش می‌کنند و تأسیس حکومت موعود - با ویژگی‌های خاص خود که از آن سخن خواهیم گفت - منوط به تلاش و زمینه‌سازی جامعه منتظر می‌باشد. برای رسیدن به جامعه آرمانی موعود، باید فرایندی طی شود که نگاه ادیان ابراهیمی به آن فرایند به یکدیگر شباهت‌های زیادی دارد. توجه به آن شباهت‌ها به بازتولید بینش، گرایش و کنش مشترک در پیروان این ادیان و در نتیجه سرعت بخشیدن به روند ظهور و رسیدن به آن هدف مقدس منجر خواهد شد.

با توجه به مدل ارائه شده مذکور، ابتدا باید اشتراکات ادیان ابراهیمی در دو مؤلفه «آینده مطلوب» و «نامطلوبی وضعیت موجود» بررسی شود و سپس بر مبنای آن، کارکرد موعودباوری در همگرایی و ایجاد بینش، گرایش و کنش مشترک در پیروان این ادیان تبیین گردد. از آن‌جا که مؤلفه‌های مشترک ادیان ابراهیمی در آموزه منجی در آثار متعددی بررسی شده و به اثبات رسیده؛^۲ این موضوع به عنوان پیش فرض این مقاله در نظر گرفته شده است.

۱. طبق تعریف مانوئل کاستلز «هویت پروژه‌ای» توسط مردم ساخته می‌شود و علاوه بر مقاومت، برنامه‌ای در برابر برنامه نظام سلطه ارائه می‌کند.

۲. ر.ک: «گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان»، گروه نویسندگان؛ آخرالزمان در ادیان ابراهیمی،

موعودباوری و همگرایی

هر انسانی دارای دو خاصیت اساسی «ادراک» و «اراده» است. علم و شناخت، سازنده ادراک است که از آن به «بینش» تعبیر می‌شود و میل، رغبت و انگیزش سازنده اراده است که به آن «گرایش» اطلاق می‌گردد. بینش و گرایش، توأماً هم موجب پیدایش «کنش» یا رفتار می‌گردند. موعودباوری در ادیان ابراهیمی، با خلق مؤلفه‌های مشترک درباره آینده مطلوب و نامطلوبی وضعیت موجود، به پیدایش گفتمان در این ادیان می‌انجامد. این گفتمان، پیروان این ادیان را به همگرایی در سه حوزه بینش‌ها، گرایش‌ها و کنش‌ها دعوت می‌کند.

۱. موعودباوری و بازتولید بینش مشترک

از آن‌جا که شناخت و بینش انسان شالوده گرایش‌ها و رفتارهای وی می‌باشد؛ موعودباوری در گام نخست باید به ایجاد بینش مشترک در ادیان ابراهیمی منجر گردد تا بتواند بر همگرایی این ادیان مؤثر واقع شود.

میل به نجات که برخاسته از فطرت انسان‌ها است، همه آدمیان را به سوی باور به یک «منجی» و «نجات‌بخش» فرامی‌خواند که بررسی و تبیین صحیح این آموزه و کشف زوایای پنهان آن، بن‌مایه‌ای برای بازتولید بینشی همانند در ادیان ابراهیمی است. «جان هیگ» درباره مشترک بودن بحث نجات در ادیان می‌گوید:

در کلیه ادیان بزرگ و متکامل جهانی، به نوعی اعتقاد به رستگاری و مبحث نجات‌شناسی وجود دارد. در این ادیان عقیده به انتقال از یک حیات اساساً مصیبت‌بار به وضعیتی کاملاً امیدبخش و بهتر در کار است (هیگ، ۱۳۷۶: ص ۱۸).

در این قسمت، مصادیق بینش مشترک در پیروان ادیان ابراهیمی که بر مبنای موعودباوری بازتولید شده است، بررسی خواهد شد.

محمد حسین محمدی؛ کارکردهای موعودباوری در ادیان ابراهیمی (پایان نامه)، محسن شریعتی؛ نجات‌بخشی در ادیان، محمد تقی راشد محصل و منجی باوری در کیش زرتشتی و ادیان ابراهیمی، اسدالله آزیر.

۱-۱. خدا محوری و توحید

محور اصلی و هسته مرکزی ادیان ابراهیمی، ایمان به یگانگی و وحدانیت خداوند است. کتاب‌های مقدس این ادیان نیز تحقق جامعه توحیدی را که در آن اثری از شرک وجود نداشته باشد، از اهداف ظهور منجی و تشکیل حکومت وی برشمرده است.

مهم‌ترین تلاش انبیای بنی‌اسرائیل، بازگرداندن قوم به یکتاپرستی و توحید است. در دوران حکومت «ماشیح» تمامی ملت‌ها همدلانه «یهوه» را می‌خوانند، خدای واحد را عبادت می‌کنند و دارای دین توحیدی می‌شوند (صفینا ۳: ۹-۸). قدرت خداوند عالم را فرا می‌گیرد و تا ابد ادامه دارد.

در متون مقدس مسیحیت نیز به ملکوت، پادشاهی و سلطنت خداوند اشاره شده است که به حاکمیت خداوند بر جهان و اطاعت محض همگان از خداوند اشاره می‌کند (مکاشفه ۱۱: ۱۵). عیسی مسیح مبعوث شد تا امت‌هایی را که به او ایمان می‌آوردند، نجات بخشد امت‌ها نیز خدا را به سبب رحمت او تمجید کنند (رومیان ۱۵: ۱۳-۸).

در دین اسلام، با استقرار حکومت مهدوی، توحید بر جهان حاکم خواهد شد. همه مردم بر محور توحید و تسلیم در برابر خداوند به حیات خود ادامه می‌دهند و خدای یگانه را عبادت و اطاعت می‌کنند. در قرآن کریم آمده است: «او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد؛ هر چند مشرکان کراهت داشته باشند» (توبه: ۳۳ و صف: ۹). از این که در آخر آیه فرموده است: «حتی اگر مشرکان کراهت داشته باشند»؛ معلوم می‌شود که دین حق همان دین توحیدی و تسلیم در برابر خداوند یکتا است.

بنابراین، در ادیان ابراهیمی، نظر بر این است که در نهایت این عالم، انسانی الاهی خواهد آمد و با کمک و عنایت خداوند، امور عالم را اصلاح خواهد کرد. منجی یهودیان باید تأیید شده از جانب خداوند باشد و منجی مسیحیان علاوه بر آن، «کلمه خدا»، «پسر خدا» و «اقنوم دوم» می‌باشد. در اسلام نیز «منجی»، «ولی خدا»، «حجت خدا»، «امام معصوم» و «جانشین پیامبر» است. جامعه موعود تجلی‌گاه نظام توحیدی و ارزش‌های الاهی در جامعه است که از مهم‌ترین اهداف در دعوت انبیای الاهی می‌باشد. پس، موعودباوران برای رسیدن به حاکمیت توحید در جهان باید با همگرایی و همکاری به سوی جامعه موعود حرکت کنند.

۲-۱. انکار حکومت غیر خدا

با توجه به آن چه در بحث قبل گفته شد، در جامعه موعود تمامی مظاهر شرک و طاغوت از بین خواهد رفت. هر حکومت، نظام و قانونی در این عالم که مبنای شرعی و الهی ندارد، «طاغوت» به حساب می‌آید و بر همین اساس، جهت‌گیری خاص طرح همگرایی ادیان و اقدامات صورت گرفته، باید در جهت تأمین چنین هدفی باشد. یعنی پیروان ادیان باید در صدد تقویت هرچه بیش‌تر جامعه دینی و تضعیف و نابودی گروه‌های بی‌دین و ضد دین باشند و رسیدن به چنین هدفی در سایه همگرایی و تقویت جبهه دین‌داری حاصل می‌شود.

۳-۱. معنا بخشی به زندگی

باور آخرالزمانی منجی موعود در ادیان ابراهیمی، «در گام نخست، هدفی متعالی برای خلقت عالم و زندگی بشر تعریف می‌کند که ذهنی و رؤیایی نیست، بلکه حقیقی و دست‌یافتنی است. در گام دوم، الگویی به جامعه منتظر در خصوص زندگی مادی و معنوی ارائه می‌کند که او را از تحیر و سردرگمی، انحراف و ابتذال، پوچی و سستی، ایستایی و سکون مصونیت می‌بخشد.

موعودباوری بینشی است که به دلیل پیوستگی آن به اصول ارزشی و اعتقادی، می‌تواند پاسخ بسیاری از مجهولات انسان را درباره سیر حیاتش به او بدهد. گستره این باور، گذشته، حال و آینده زندگی انسان را دربر می‌گیرد.

اندیشه نجات و منجی موعود در بیش‌تر ادیان بزرگ و تاریخی به لحاظ نظری می‌تواند با ارائه هدفی ارزش‌مند و توجیه‌پذیر، علاوه بر مفهوم کردن حیات جمعی امت خود، حیات تاریخی بشر را قابل فهم کند (موحدیان عطار، ۱۳۹۳: ص ۴۸۷).

فردی یهودی با توجه به ادبیات موعودی، نگاهی به گذشته خود می‌اندازد و با سیر در گذشته تاریک و مصیبت‌بار خویش به عصر طلایی پادشاهی داوود می‌رسد که در آن روزگار، بنی‌اسرائیل به زندگی مطلوب خود دست یافت. پادشاهی داوود و روزگار خوش آن، الگویی می‌شود برای آینده مطلوب و آرمانی. یهودیان بی‌صبرانه ظهور ماشیح موعود را به انتظار نشسته‌اند تا با احیای پادشاهی داوود، دنیای آرمانی خویش را بیابند. یهودی منتظر، جایگاه خویش را در عصر انتظار (زمان حال) باز می‌شناسد و در صدد برمی‌آید تا در این سیر تاریخی نقش خود را به‌خوبی ایفا کند.

فردی مسیحی با نگاهی منجی باورانه؛ ظهور، صلیب و رستاخیز عیسی را نظاره می‌کند و با باور به بازگشت دوباره عیسی مسیح، گذشته خود را به آینده پیوند می‌زند. باور به عیسای میانجی (که در گذشته آمده) و انتظار عیسای منجی (که در آینده خواهد آمد) سبک زیستن امروزمین مسیحی معتقد را مشخص می‌کند.

فرد مسلمان در پرتو باور به آخرین ذخیره خداوند، از ابتدا (گذشته) تا انتها (آینده) سیر تاریخ را درک می‌کند. مهدی‌باوری پاسخی است به این‌که «چرا انسان خلق شد و در این دنیا قرار گرفت؟» «چرا در طول تاریخ خداوند پیامبرانی را از آدم تا خاتم فرستاد» و «غایت سیر انسان و جامعه انسانی تا کجاست و چگونه می‌توان به آن هدف نهایی دست یافت». مسلمان باورمند به ظهور مهدی موعود عجله الله تعالی فرجه با عبرت از گذشته و نگاه به آینده، امروز خویش را به‌گونه‌ای می‌سازد که زمینه‌ساز «آرمان‌شهر مهدوی» باشد.

نتیجه آن‌که موعودباوری به زندگی فرد و جامعه منتظر معنا می‌بخشد و گذشته، حال و آینده را در پیوست با یکدیگر و هدفمند جلوه می‌دهد. با نگاه موعودباورانه، تلاش منتظرانه، حرکتی هدفمند و معنادار در فرایند تکامل جامعه بشری است. از این‌رو، این باور می‌تواند با ایجاد همگرایی در ادیان ابراهیمی در این حرکت سرعت ایجاد کند.

۲. موعودباوری و بازتولید گرایش مشترک

عمیق‌ترین لایه شکل‌گیری ارتباط انسان‌ها از ناحیه گرایش‌ها و تعلقات آن‌ها است که پیدایش عواطف و احساسات مشترک را موجب می‌گردد. اگر فردی نسبت به آرمان‌ها و افعال جامعه گرایش پیدا کند، عضوی از آن جامعه خواهد بود.

از یک‌سو، گرایش انسان به یک موضوع بر ارزیابی شناختی وی از آن موضوع مبتنی می‌باشد. از این‌رو، شناخت مشترک و مثبت پیروان ادیان ابراهیمی از آموزه موعود و نیز از جهان آینده و زیبایی‌های عصر ظهور، می‌تواند در آنان گرایش‌های هم‌سویی برای زمینه‌سازی و درک آرمان‌شهر موعود به وجود آورد.

از سوی دیگر، ملاک تحقق تغییرات در کنش‌های اجتماعی، تغییر در بینش‌ها و گرایش‌های بیش‌تر افراد آن اجتماع است. در این زمینه نیز باورهای مشترک ادیان ابراهیمی در عرصه موعودباوری می‌تواند با ایجاد گرایش‌های هم‌سو، به خلق پویایی همگانی منجر شود. از آن‌جا که منجی آخرالزمان حرکت و حکومتی جهانی دارد، صرف «گرایش افراد»

جامعه یا پیروان دین به ایجاد تحول و زمینه‌سازی برای ظهور، نمی‌تواند اثر چندانی داشته باشد، بلکه برای ایجاد تحول جهانی، «گرایش جهانی» نیز لازم است. به نظر می‌رسد، وجود این حرکت عظیم همگرا، به مثابه نوعی «پیش انقلاب» برای «انقلاب جهانی» منجی موعود ضروری باشد؛ زیرا لازمه شروع و تداوم هر انقلابی آن است که از پیش، زیرساخت‌های آن در ابعاد مختلف فراهم شده باشد. بر اساس همین قاعده انقلاب جهانی موعود ادیان به تأمین زیرساخت‌هایی نیاز دارد که بدون همگرایی پیروان ادیان حاصل نمی‌شود. این نکته بدان معنا است که پیروان همه ادیان وظیفه دارند در یک جنبش عظیم همگرا، به ایجاد تحول در جامعه جهانی بپردازند و زمینه را برای ظهور آخرین منجی فراهم آورند.

شرط دیگر تحقق تغییر اجتماعی، آن است که در مقابل افراد فعال خواستار تغییر در اجتماع، گروه فعال دیگری که بر حرکت‌های اجتماعی مؤثر هستند، مخالف این تغییر نباشند. در روزگاری که گروهی بر آن هستند تا با هجمه به اصول ایمانی ادیان و زیر سؤال بردن اساس دین، تیشه به ریشه آن بزنند؛ بدون تردید گفت‌وگو و «تفاهم» میان ادیان به جای «سوءتفاهم»، و «همگرایی» به جای «واگرایی» از اموری است که می‌تواند در بازتولید گرایش‌های مثبت و همسوی پیروان ادیان، مفید واقع شود و در نهایت باعث حفظ، دوام و تقویت ادیان گردد.

موعودباوری در پیروان ادیان ابراهیمی، گرایش‌های مشترکی کشف می‌کند که عبارتند از:

۱-۲. کمال‌خواهی

اخلاق‌مداری و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی، آرمان مشترک تمام ادیان الهی است. در جامعه آرمانی موعود، انسان‌ها به کمال حقیقی خواهند رسید. مردم بر مبنای توحید و نفی شرک و طاغوت به اطاعت کامل و دقیق از اوامر و نواهی الهی روی خواهند آورد و فقط به کسب رضای خداوند و تقرب به درگاه او می‌اندیشند. این امر موجب می‌شود تا اخلاق الهی بر جامعه حاکم شود و در نتیجه انسان‌ها به کمال برسند. جامعه موعود با حاکمیت ایمان و ایمان‌داران اداره خواهد شد. جامعه منتظر نیز باید بر اساس باور به ایمان حرکت کند و تلاش خود را برای حاکمیت اخلاق الهی به کار ببرد. چنین تلاشی که برخاسته از روحیه کمال‌خواهی است، جامعه منتظر را به سوی همگرایی دعوت می‌کند.

۲-۲. ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی

عموم انسان‌ها خسته‌اند از زندگی در دنیایی که عده‌ای زورمدار و زرسالار بر آن حاکمیت دارند و تمام منابع و منافع جهان را برای خود می‌خواهند. بر اساس سنت الهی، جامعه بشری در روند رو به تکامل خود، به استقبال تحولی بزرگ و شگرف می‌رود تا شاهد ظهور منجی عادل عدالت‌گستری باشد که بر مبنای اصول و قوانین الهی، نظام کاملاً عادلانه‌ای را بنیان می‌گذارد؛ نظامی که ذره‌ای ظلم در آن راه ندارد. لازم است که پیروان ادیان ابراهیمی با همگرایی، برای دستیابی به این هدف بزرگ اقدام کنند و زمینه‌ساز برقراری عدالت در همه عرصه‌ها در سطح جهان شوند.

۲-۳. صلح‌طلبی

فطرت انسان بر «صلح‌طلبی» استوار است و بشر برای رسیدن به آرمان‌های خود، نیازمند امنیت و صلح است. بر اساس تجربه تاریخی، برای استقرار صلح پایدار، انسان باید حقوق دیگران را به رسمیت بشناسد و با احترام متقابل زمینه زندگی در جهانی عاری از جنگ و خشونت را فراهم کند. پیروان ادیان ابراهیمی، بر این باورند که صلح مطلق در زمان حکومت آخرین منجی، بر جهان حاکم خواهد شد. دستیابی به صلح و آرامش پایدار، آرمان مشترک این ادیان است که متأسفانه بشر در تحقق آن موفقیت چندانی به دست نیاورده است که بی‌تردید همگرایی می‌تواند بزرگ‌ترین تضمین برای رسیدن به صلح و دوستی باشد.

۳. موعودباوری و بازتولید کنش مشترک

افعال ارادی و اختیاری انسان، بر مبنای شناخت و گرایش‌های او تحقق می‌پذیرد. گرایش‌ها آثار خود را بر رفتار آدمی جلوه‌گر می‌کنند و به عنوان ضابطه‌ای برای ترجیح برخی از محرک‌های درونی به شمار می‌روند. در میان آموزه‌های دینی، باور به موعود و شناخت درست آن، قادر است در پیروان ادیان ابراهیمی چنان رغبت و گرایش به زیستن در جامعه موعود به وجود آورد که مبنای و آغازی برای پویایی و حرکت تعالی‌بخش گردد تا آن‌جا که در بعضی جوامع، باور به موعود به ایجاد نهضت و انقلاب منجر شده است.

بر اساس آنچه گفته شد، کنش‌های مشترک پیروان ادیان ابراهیمی بر مبنای

موعودباوری به این قرار است:

۳-۱. حفظ دین و ایمان

بدون شک یکی از مهم‌ترین و با ارزش‌ترین داشته‌های هر انسان مؤمنی «دین» او است و لذا حفظ این مقوله نیز از مهم‌ترین دغدغه‌های مؤمنان است. پیروان ادیان ابراهیمی معتقدند که حکومت منجی موعود حکومت دینی است که در آن صالحان و نیکان به رهبری انسانی وارسته و الاهی، وارثان زمین خواهند شد. پس کسانی که می‌خواهند در دوران «پس از ظهور» در حکومت موعود سهمی داشته باشند، باید در دوران «پیش از ظهور» دین و ایمان خود را حفظ کنند و نام خود را در دفتر نیکوکاران به ثبت برسانند.

دین‌داری در زمان پیش از ظهور منجی، با مشقتها و سختی‌های طاقت فرسایی همراه است که البته توجه به شیرینی‌های دوران ظهور و لذت حضور و مشارکت در حکومت منجی، تحمل این سختی‌ها را آسان می‌کند. دانستن این مسئله منتظران راستین ظهور را در مسیر «تعلیم» و «تهذیب» قرار داده تا با بهره‌بری از آموزه‌های ناب دینی به پرورش استعدادها و درونی خود بپردازند. با چنین باوری می‌توان ادیان ابراهیمی را به سوی همگرایی دعوت کرد تا در پرتو آن جامعه دینی در برابر جامعه دین‌ستیز تقویت شود و در سایه ایمان به خدا راه برای رفتن به جامعه آرمانی موعود هموار گردد.

۳-۲. عمل به شریعت

در ادیان ابراهیمی، اندیشه موعود، باوری برآمده از دین و متون مقدس است که با تمامی اجزای دین ارتباط وثیق و عمیق دارد. موعودباوری هم با اصول عقاید و باورها، هم با فروع دین و احکام و هم با مسائل اخلاقی پیوند خورده است. لذا در پیدایش و عمق‌بخشی تمامی این عرصه‌ها می‌تواند مفید واقع شود.

«ربانیون»، موعودباوری را ابزاری برای «یهوه‌مداری» و عمل به «شریعت موسوی» می‌دانند.

باور آن‌ها همواره این بوده که نجات و موعودباوری بدون عمل به شریعت موسوی معنی ندارد. حتی در آموزه‌های یهود، موعودباوری فرع بر شریعت‌گرایی است و تعهد نسبت به دین، می‌تواند تاریخ با شکوه یهودی را احیا و امید به آمدن ماشیح را زنده کند (کوهن، ۱۳۸۳: ص ۱۱۳).

نکرده است، بلکه این زمان، بر اساس اعمال و رفتار مردم تغییر خواهد کرد. خداوند می‌فرماید: «من، بیهوه، در وقتش تعجیل در آن خواهم نمود» (اشعیا ۶۰: ۲۲).

عده‌ای از الهی‌دانان مسیحی ایمان و عمل به شریعت را در کنار هم عامل نجات انسان قلمداد کرده‌اند. «پلاگیوس» معتقد است که رستگاری به وسیله اعمال نیک به دست می‌آید و هر یک از افراد بشر این قابلیت را دارد که خود را رستگار سازد (مک گراث، ۱۳۸۴: ص ۶۹). «کاتولیک‌ها» و «ارتدوکس‌ها»، ایمان بدون عمل را بر نجات انسان مؤثر نمی‌دانند و راه سعادت ابدی انسان را در فیض خدا (که در ایمان متبلور است) و انجام دادن اعمال نیک می‌بینند. کلیسای کاتولیک در «شورای ترنت»، همراهی ایمان با عمل را برای نجات ضروری دانسته و این رویکرد را به عنوان دیدگاه رسمی خود اعلام کرده است.

در میان مهدی‌باوران یکی از شاخص‌هایی که می‌تواند نمایان‌گر میزان باورمندی فرد منتظر به موعود باشد، میزان اهتمام او به اجرای تکالیف و وظایفی است که خداوند بر عهده او گذاشته است (فیض کاشانی، ۱۳۷۱: ص ۲۴۳). امام مهدی علیه السلام منتظران ظهورش را به عمل به احکام و دستوره‌های الهی، که انسان موعودباور را به امامش نزدیک می‌کند؛ سفارش کرده و از تکلیف‌گریزی و شریعت‌گریزی، که ناراحتی و خشم امام را باعث می‌شود، برحذر داشته است (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۰۰). موعودباوران برای آن که در صف یاران امام مهدی قرار بگیرند، باید آن حضرت را الگوی عملی زندگی خود قرار دهند و پیوند معنوی خود را با ایشان محکم کنند (همان: ص ۱۹۹).

بر اساس آنچه گفته شد، باورمندی به موعود و عصر زرین ظهور، عامل مؤثری بر عمل به شریعت و پایبندی به احکام دینی است و می‌تواند جامعه ایمانی را به همگرایی برای حاکمیت ارزش‌های دینی فراخواند و از این رهگذر از فراگیر شدن ارزش‌های خود ساخته انسان مدرن و ضد دین جلوگیری به عمل آید.

۳-۳. ترک گناه

در ادیان ابراهیمی گناه و سرپیچی از دستورات خداوند، دارای آثار منفی زیادی بر زندگی انسان است. ارتکاب گناه باعث خشم خداوند بر انسان و دوری انسان از رحمت بی‌انتهای پروردگار می‌گردد. در فرهنگ ادیان ابراهیمی، گناه موجب می‌شود که خداوند انسان را تنبیه و او را از رسیدن به سعادت و نجات عظیم خود محروم کند. انسان با ارتکاب گناه، خود مانع

بزرگی بر سر راه ظهور منجی قرار می‌دهد و خود را از فیض حضور در آرمان‌شهر موعود محروم می‌کند. بر همین اساس، دوری از گناه بر روند ظهور مؤثر است و می‌تواند آمدن منجی را تسریع بخشد.

گناه از منظر یهودیت، عذاب و کیفر الهی را در پی دارد و به عنوان مانع نجات شمرده شده است. بنابر باور یهودیان، خداوند با ابراهیم عهد بست که این سرزمین را به فرزندان او بدهد و در عهدش با موسی، شرط حضور در آن را بندگی بنی‌اسرائیل بیان کرده است. مسیحیان نیز گناه را علت اصلی سقوط انسان می‌دانند و معتقدند که هر وقت انسان از گناه پاک شود، نجات می‌یابد و «پسرخوانده خدا» می‌شود. انسان فارغ از گناه، در سلطنت الهی و پادشاهی خداوند سهیم است و سر انجام در ملکوت خداوند، زندگی راحت و بدون رنجی را تجربه خواهد کرد. از نگاه مسیحیت، مسیحی معتقد باید مراقب باشد شریعت و احکام خداوند را زیر پا نگذارد و ضمن این که در حفظ آن کوشا باشد، دیگران را به ننگ‌داشتن شریعت و احکام خداوند تشویق کند (متا ۵: ۱۹). بنابراین، مسیحیان در زمینه برپایی ملکوت آسمان نقش مؤثری دارند و گناه آنان باعث تأخیر در ظهور مجدد عیسی مسیح می‌شود. پس این، وظیفه همگانی است که با تقویت ایمان و ترک گناهان، آماده بازگشت عیسی مسیح باشند و بازگشت آن حضرت را تسریع بخشند.

اسلام، گناه و مخالفت با پروردگار عالم را علت نابودی انسان و تمدن‌های بشری دانسته است. به عبارت دیگر، از نظر آموزه‌های اسلام، گناه مانع نجات انسان و رسیدن او به سعادت حقیقی می‌شود. در روایات اسلامی یکی از مهم‌ترین علل غیبت امام مهدی علیه السلام ارتکاب گناه و معصیت از سوی مردم برشمرده شده است (حمیری قمی، بی‌تا: ص ۳۸۱). گناه موجب دور شدن ما از امام مهدی علیه السلام و تأخیر در ظهور ایشان می‌گردد و ترک آن تأثیر بسیار مثبتی بر تعجیل در ظهور دارد.

با توجه به دیدگاه ادیان ابراهیمی درباره نقش گناه بر سرنوشت انسان و مسئله ظهور منجی؛ باید گفت که موعودباوری بر کنش مشترک پیروان این ادیان برای پیشگیری از گناه و ترک آن تأثیر به‌سزایی دارد. یکی از عوامل تأثیرگذار بر ارتکاب گناه آن است که شخصیت افراد بر مبنای ارزش‌ها و باورهای دینی شکل نگرفته است. از آن‌جا که دولت و حکومت منجی آخرالزمان از آن صالحان و نکوکاران است و برای سهیم شدن در آن، باید از پیش،



خود را آماده کرد؛ باور به موعود توجه منتظران را به سوی ارزش‌ها و باورهای دینی جلب کرده و این ارزش‌ها را در دل و جان مشتاقان ظهور منجی نهادینه می‌کند. بدین ترتیب با انطباق شخصیت افراد با ارزش‌های دینی، مانع بزرگی بر سر راه ارتکاب گناه ایجاد می‌شود. از طرفی دیگر، ایمان و عقیده به ارزش‌های دینی حاکم بر جامعه، مثل موعودباوری، باعث افزونی وابستگی و تعلق خاطر افراد به جامعه خود می‌شود و به همان میزان تعهد آن‌ها را نسبت به جامعه بیش‌تر کرده و شخص نسبت به جامعه متبوع و بلکه به جامعه جهانی، احساس دین می‌کند. این عامل، مشارکت اجتماعی را افزایش داده و تلاش افراد را برای پیشگیری از گناه و نیز اصلاح جامعه فزونی می‌بخشد.

۴-۳. توبه

موعودباوری در ادیان ابراهیمی با بحث «توبه» مرتبط است. توبه بر آمادگی و زمینه‌سازی برای ظهور و همچنین برخورداری از مواهب دوران ظهور تأثیرگذار است. شور و اشتیاق یهودیان به بازگشت به سرزمین مقدس و سکونت در آن، با ظهور «ماشیح» به بار خواهد نشست؛ اما انبیای بنی‌اسرائیل همواره یادآور می‌شدند که توبه موجب توجه دوباره خداوند به وعده‌هایش در عهدی است که با این قوم بسته است. «اعتقاد ربنایون این بود که اگر بنی‌اسرائیل، حتی یک روز از گناهان خود توبه کنند، آمدن او جلو خواهد افتاد» (گرینستون، ۱۳۸۷: ص ۷۲). در تلمود نیز آمده است:

توبه کاری عظیم است؛ زیرا نجات را نزدیک می‌کند. زمانی‌هایی که برای پایان ذلت معین شده بود، سپری گشت... و ظهور او فقط به توبه مردم و اعمال نیکی وابسته است که انجام می‌دهند (کهن، ۱۳۵۰: ص ۳۵۷ به نقل از: سنهدرین ۹۷ ب).

عیسی مسیح مبعوث شد تا انسان‌های گناهکار را به توبه دعوت کند (متا ۹: ۱۳). او «این توبه را برای ورود به ملکوت خداوند لازم می‌دانست و توصیه می‌کرد» (فیشسر، ۱۳۸۹: ص ۴۳۹). عیسی به آسمان رفت تا فرصت توبه را به بنی‌اسرائیل (اعمال رسولان ۵: ۳۱)؛ و غیریهودیان (همان، ۱۱: ۱۸)؛ بدهد این فرصت باید غنیمت شمرده شود و باید پیش از بازگشت مسیح توبه کرد (مکاشفه ۳: ۳). به این دلیل، موعودباوری به توبه تشویق می‌کند و تأخیر در توبه باعث تأخیر در بازگشت عیسی مسیح می‌شود.

قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام بر توبه از گناهان و بازگشت به سوی خدا تأکید

بسیاری ورزیده و آن را راهی به سوی رستگاری و نجات دانسته‌اند (نور: ۳۱). یکی از وظایف مهم موعودباوران منتظر، توبه حقیقی از گناهان است. انسان موعودباور برای رسیدن به خوان معنوی محبوب باید آثار گناه را از زندگی خود پاک کند تا موانع دیدار برطرف شود (مجلسی، بی‌تا: ج ۵۳، ص ۱۷۷). از دو جهت باید در توبه کردن عجله کرد: یکی این‌که توبه باعث تسریع در روند ظهور می‌شود و دیگر این‌که (بنابر برخی روایات)، در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام، توبه برای همگان ممکن نیست (همان، بی‌تا: ج ۵۲، ص ۳۱۵).

۵-۳. خودسازی و تزکیه نفس

موعودباوری در ادیان ابراهیمی می‌تواند بستر و زمینه‌ای برای رعایت قوانین الهی باشد و انگیزه انسان را در خودسازی و تزکیه نفس بالا ببرد. موعودباوران باید روز به روز بر علم و معرفت خود نسبت به معارف دینی بیفزایند و علم و معرفت آن را بستری برای عمل‌گرایی قرار دهند و بدین وسیله مقدمات ظهور را فراهم کنند. منتظران موعود باید با تهذیب نفس و خودسازی، خود را به صفات یاران منجی بیاریند و در جهت آرمان‌های بلند جامعه موعود قدم بردارند. باور به موعود و روزگار دلنشین پایانی، با ایجاد روحیه امید و پایداری، راهبردی اساسی برای سازندگی درونی و بیرونی به شمار می‌رود. امید به آینده‌ای که مؤمنان و شایستگان وارث زمین خواهند شد، بر استقامت شخص منتظر در تحمل دشواری‌های عمل به تکالیف الهی افزوده و شکیبایی او را در چشم‌پوشی از گناه و لذت‌های آن زیاد می‌کند. اعتقاد به موعود با ایجاد مکانیزم درونی، منتظران را در کسب معنویت کوشا و آن‌ها را به مراقبت دائمی از خویش و پابندی به ارزش‌ها و هنجارها دعوت می‌کند.

۶-۳. امید

از مهم‌ترین عوامل پویایی و بالندگی هر فرد و هر جامعه در ابعاد شخصیتی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی؛ «امید» به آینده‌ای مطلوب است. افراد امیدوار در برابر مشکلات و سختی‌ها تسلیم نمی‌شوند و تلاش می‌کنند با نگاه به آینده‌ای امید آفرین، شرایط سخت و دشوار را پشت سر بگذارند. در فرهنگ دینی، آموزه‌هایی وجود دارند که باعث پرورش حس امید در جامعه می‌شود.

اندیشه منجی موعود، اگر چه در اصل برای ایفای چنین نقشی پدید نیامده باشد، توان بالایی برای ایجاد و حفظ امید بهروزی، به‌ویژه در میان پیروان ادیان و حتی

ملل و اقوام دارد. گویا به همین سبب باشد که این اندیشه در هنگامه دشواری‌ها و فشارهای اجتماعی بالنده‌تر می‌شود و مقبول‌تر می‌افتد (موحدیان عطار، ۱۳۹۳: ص ۴۸۶).

یکی از خصایص جالب توجه دین یهود، امید به ظهور یک منجی بود که ماموریت دین را به کمال می‌رسانید. پیامبران اولیه، با همه شوق و دلگرمی در مورد درستکاری و عدالت، به مردم می‌آموختند که دست آخر قضای الهی جاری خواهد شد و کاخ ظلم را نابود خواهد کرد (هیوم، ۱۳۸۸: ص ۲۹۳). این امید در آیات کتاب مقدس، اصول اعتقادی، آیین‌ها (گرینستون، ۱۳۸۷: ص ۱۸۱) و مسیر تاریخ یهود (همان، ص ۷۶) عنوان شده است.

با به صلیب کشیده شدن عیسی علیه السلام امید مسیحایی پیروانش به ناامیدی مبدل شد؛ اما با رستاخیز وی امید دوباره‌ای در آنان به وجود آمد و طولی نکشید که آموزه امید به ظهور دوباره مسیح، به کلیدی‌ترین آموزه مسیحیت تبدیل و تمام ماهیت و معنای کلیسا بر آن استوار شد (صادق‌نیا، ۱۳۹۳: ص ۲۳۶). از کارکردهای این امید آن است که:

مؤمنان را در امتحانات این جهان تقویت می‌کند و ایشان را غیور می‌سازد که با دقت و ترقی جلو روند و سعی شوند که نمو نموده، به شکل مسیح متشکل گردند (هاکس، ۱۳۸۳: واژه امید).

اعتقاد به ظهور انسان کاملی در آخرالزمان که حجت خدا، امام معصوم و فردی از سلاله پیامبر است؛ امید به آینده روشن را در بین مسلمانان به وجود آورده است. امید به ظهور امام مهدی علیه السلام و دولت کریمه او همچون چراغی فرا راه منتظران، مسیر زندگی آنان را روشن کرده و در سرتاسر تاریخ اسلام مایه پویایی و حرکت جامعه اسلامی شده است. این امید در موقعیت‌های حساس تاریخی یاریگر آنان برای غلبه بر بحران‌ها بوده است. حفظ امید به آینده روشن و انتظار رسیدن به آن، در آموزه‌های دینی و صدها روایت اسلامی مورد تأکید قرار گرفته و برای این انتظار، پاداش فراوانی در نظر گرفته شده است (طبرسی، بی‌تا: ص ۴۲۸ و شیخ صدوق، ۱۳۵۹: ج ۱، ص ۳۲۳).

باور به ظهور منجی و پیدایی آرمان‌شهر در آینده و همچنین لزوم همسانی جامعه منتظر با جامعه آرمانی؛ زمینه‌ساز امید و تلاشی بی‌وقفه برای رشد جامعه در عرصه‌های دینی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی، سیاسی و اقتصادی است. از لوازم اصلی این شکوفایی و بالندگی

در عرصه جهانی، اتحاد و همگرایی پیروان ادیان ابراهیمی است تا در پرتو آن، جامعه منتظر با شتاب بیش‌تری به سمت جامعه موعود حرکت کند.

«امید»، هم به تفکرات، تمایلات و انگیزه‌های منتظران جهت می‌دهد و هم اعمال، رفتارها و کنش‌های آنان را سمت‌وسو می‌بخشد. به عبارت دیگر، افراد جامعه منتظر تمامی افکار و برنامه‌های خود را همسو با رسیدن به عصر ظهور سامان می‌بخشند. از آن‌جا که آموزه موعود در ادیان ابراهیمی دارای بنیان‌ها و اهداف مشترکی است، امید رسیدن به جامعه موعود، می‌تواند بر بازتولید افکار و برنامه‌های مشترک این ادیان مؤثر بوده و به وحدت و همگرایی آن‌ها منجر شود.

۷-۳. صبر

«موعودباوری» در ادیان ابراهیمی عامل بسیار مؤثری در تحمل شداید و سختی‌ها بوده است. هر زمان که ناملایمات، پیروان این ادیان را مورد هجوم قرار داده است، امید به آمدن کسی از جانب خدا، برای رهانیدن آن‌ها از چنگال مصایب، باعث شده تا در برابر مشکلات صبر کنند.

یهودیان به عنوان قوم برگزیده خداوند دارای شأن و جایگاهی آرمانی هستند که غالباً از آن دور مانده و همواره در بردگی و اسارت، متحمل بدترین و سخت‌ترین ستم‌ها شده‌اند؛ اما اعتقاد به ظهور «مسیح» باعث شده است تا یهودیان در طول تاریخ، اسارت‌ها، تبعیدها، ویرانی‌ها، سختی‌ها و شکنجه‌ها را تحمل کنند. آن‌ها معتقد بودند که حتی اگر بر اثر این سختی‌ها و شکنجه‌ها جان بدهند، با ظهور منجی بنی‌اسرائیل دوباره زنده می‌شوند و شاهد عزت قوم خداوند و ذلت دشمنان آن‌ها خواهند بود.

امید به آینده طلایی، مشکلات را به کام مسیحیان گوارا و آنان را در برابر دشواری‌ها صبور می‌کند. یعقوب، رسول ایمان‌داران را مخاطب قرار می‌دهد و می‌گوید که جفاها و بلاها به سوی ایمان‌داران خواهد آمد و چون مسیح به‌زودی مراجعت می‌کند، لازم است در برابر سختی‌ها صبر و استقامت کرد (یعقوب ۵: ۱۱-۷). ایمان‌دارانی که سختی‌ها را تحمل کنند و از آزمایش‌ها سربلند بیرون بیایند، نجات می‌یابند (مرقس ۱۳: ۱۳) و در آسمان اجری بزرگ خواهند داشت (متا ۵: ۱۲-۱۱). آنان تاج افتخار و پیروزی و نیز هدیه زندگی جاویدان را به دست خواهند آورد (یعقوب ۱: ۱۲).

در برهه‌هایی از تاریخ، دشمنان داخلی و خارجی مسلمانان را مورد تعرض و تهاجم قرار داده و مسلمانان به این دلیل خسارات جانی و مالی فراوانی را متحمل شده‌اند. اما از آنجا که موعودباور مسلمان، فرجام جهان را به‌گونه‌ای می‌بیند که عدالت کامل بر جهان سایه می‌افکند و مؤمنان، عزیز و عزتمند می‌شوند؛ در برابر ناگواری‌ها صبر می‌کند. برای درک دوران ظهور باید از کوران حوادث سخت عبور کرد و با کسب آمادگی‌های لازم با دلی نفوذناپذیر، مانند پاره‌های آهن با گام‌هایی استوار چون کوه (مجلسی، بی‌تا: ج ۵۲، ص ۳۰۴ و ۳۰۸)؛ در زمره یاوران موعود قرار گرفت (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۳۹). مسلمان، امام زمانش را شاهد و ناظر بر احوال خود می‌داند و او را گشاینده سختی‌ها و دشواری‌ها (مجلسی، بی‌تا: ج ۹۹، ص ۸۴) قلمداد می‌کند و با صبر بر سختی‌های عصر غیبت به پاداش‌های بسیاری دست می‌یابد (همان: ج ۵۲، ص ۱۲۴).

بنابراین، «باور» به موعود با ایجاد و پرورش نیروی «صبر» در جامعه منتظر، به تحمل مصایب دنیای تاریک کنونی کمک می‌کند تا باعث انحراف موعودباوران از مسیر حق نشوند. بدیهی است، احساس تنهایی و غربت، هنگام مصیبت و بلا، خود رنج دوجندانی به همراه دارد که همگرایی پیروان ادیان ابراهیمی می‌تواند باعث تقلیل این آلام شود. البته استراتژی صبر هرگز به معنای پذیرش ظلم و سکوت در برابر آن و یا سستی در اجرای وظیفه نیست، بلکه «صبر» در مواقعی که تغییر وضعیت نامطلوب موجود ممکن نیست، به عنوان آخرین راهکار توصیه می‌شود.

۳-۸. انتظار

راهبرد «انتظار» حالتی برخاسته از فطرت و نهاد انسان است این راهبرد، رویکردی در فرد ایجاد می‌کند که به وضعیت موجود قانع نباشد و همواره برای رسیدن به شرایط بهتر تلاش کند. انتظار، کنشی تعهدآور، مسئولیت‌زا، تحرک‌بخش، حیات‌آفرین، پیش‌برنده و سازنده است. در این راهبرد، باورها و ارزش‌ها با تأثیر بر مکانیسم درونی، فرد و به تبع آن، جامعه را به حرکت در جهت فکر و اندیشه خود وادار می‌کند و در نتیجه حس مسئولیت‌پذیری افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی منتظران نسبت به خود و محیطی که در آن زندگی می‌کنند، بی‌تفاوت نبوده و با کنترل‌های درونی (درون فردی و درون محیطی) باعث کاهش کج‌روی و گناه شده و در نتیجه زمینه رشد و پویایی فراهم می‌شود.

از سوی دیگر، فرد و جامعه منتظر، به دلیل این که منتظر تحقق حکومت جهانی منجی موعود هستند، سرنوشت خود را با سرنوشت مردم دنیا گره می‌زنند و گستره کنترل بیرونی خود را کل جهان می‌دانند. پس با احساس مسئولیتی که نسبت به سرنوشت همه انسان‌ها و جوامع دارند، ناهنجاری‌ها را در سطح جهانی ملاحظه کرده و نسبت به اصلاح آن سعی و تلاش می‌ورزند.

انتظار به عنوان عنصری پویا و تعالی‌بخش، نقش مهمی در افزایش «سرمایه اجتماعی»^۱ ایفا می‌کند. «فوکویاما» سرمایه اجتماعی را هنجاری غیررسمی می‌داند که همکاری بین افراد را ارتقا می‌دهد. بر اساس تعریف وی، عناصری همانند اعتماد اجتماعی، روابط متقابل اجتماعی و مشارکت اجتماعی، هم نتیجه سرمایه اجتماعی هستند و هم سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورند و شکل می‌دهند (آخوندی، ۱۳۸۶: ص ۱۵۶). «اعتماد اجتماعی»، «مشارکت اجتماعی»، «روابط متقابل اجتماعی»، «پای‌بندی اخلاقی و دینی» و «روابط اقتدار» از عناصر اصلی سرمایه اجتماعی شمرده شده‌اند که موجب وابستگی و تعلق خاطر به گروه و جامعه می‌گردند و در صورت روبه‌رو شدن با ضعف و سستی، باعث افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی خواهند شد.

پیروان ادیان ابراهیمی، منتظر شکل‌گیری حکومت جهانی منجی موعود هستند که چنین جامعه‌ای بر اساس دین الهی شکل خواهد گرفت. این انتظار، آن‌ها را بر آن می‌دارد تا همه جهان را به مثابه مجموعه‌ای واحد ببینند و هنگامی که گرایش‌های خاص قومی، ملی، نژادی و مذهبی کم‌رنگ و گرایش‌های عام (اشتراکات) پررنگ شود، همه با هم روابط دوستانه برقرار خواهند کرد. گسترش روابط همدلانه اجتماعی، از طریق کاهش تضادهای ارزشی و افزایش ارزش‌های مشترک، تعهدات اجتماعی را افزایش و روابط عاطفی و دوستانه را گسترش می‌دهد. این شرایط، خود باعث افزایش اعتماد و در نتیجه گسترش روابط می‌شود. ترویج موعودباوری و گسترش فرهنگ انتظار، موجب انسجام و اتحاد بیش‌تر در ادیان شده و با افزایش سرمایه اجتماعی می‌تواند زمینه همگرایی بیش‌تر در جوامع ایمانی را فراهم آورد و در ادامه به سوی تشکیل جامعه آرمانی موعود حرکت کند.



نتیجه‌گیری

«همگرایی» روندی است که بر اساس آن، گروه‌های مختلف به دلیل منافع مشترک، با حفظ استقلال داخلی خود، به تشکیلات جدیدی دست می‌یابند که فعالیت‌های آن به نفع تمامی اعضا باشد. بر مبنای باور به موعود، می‌توان به مدل جدیدی در همگرایی ادیان ابراهیمی دست یافت. در این مدل که نوعی مدل گفتمانی است، موعودباوری به عنوان محور همگرایی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و با روش تحلیل محتوا به این نتیجه می‌رسیم که ادیان ابراهیمی بر مبنای باور به موعود، نگاه بسیار مشابهی به آینده آرمانی جهان دارند و بر همین اساس، ارزیابی نسبتاً یکسانی از نابهنجاری وضعیت کنونی عالم ارائه می‌کنند. همین نگاه یکسان به حال و آینده، موعودباوری را از صرف باوری مقدس و آرزوی ذهن‌گرایانه خارج و به گفتمانی تحول‌آفرین تبدیل می‌کند. در مدل گفتمانی، آموزه‌ها از مرز زبان فراتر رفته و به وادی بینش‌ها، گرایش‌ها و کنش‌ها قدم می‌گذارند و با جهت‌بخشی به فعالیت‌های اجتماعی، تغییر سرنوشت جامعه را ممکن می‌سازند. در مدل گفتمانی، ظهور منجی موعود به مثابه یک لحظه در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه فرایندی طولانی است که جامعه منتظر را درگیر خود کرده است. نگاه ادیان ابراهیمی به این فرایند، دارای شباهت‌های فراوانی به یکدیگر است که توجه به آن به همگرایی این ادیان منجر می‌گردد و می‌تواند در جهت سرعت بخشیدن به ظهور منجی بسیار مؤثر باشد. از نگاه ادیان ابراهیمی، آینده‌ای روشن برای انسان و جهان ترسیم شده است. با ظهور منجی آسمانی و حاکمیت صالحان، دین الاهی بر سرتاسر جهان سایه‌افکن می‌شود. حکومت الاهی عدالت و صلح را به ارمغان می‌آورد و علاوه بر جامعه بشری، عالم طبیعت از نابسامانی‌های موجود رها می‌شود.

در این ادیان، جهان پیش از ظهور، جهانی پر از ظلم و ستم و آکنده از سختی‌های بی‌سابقه به تصویر کشیده شده است. در دوران قبل از ظهور منجی، دنیا گرفتار دین‌ستیزی، اخلاق‌گریزی، افول عاطفه‌ها، هرج‌ومرج، فتنه و جنگ می‌شود و شیوع بیماری‌های مهلک، حوادث و بلایای زیست‌محیطی و ویرانی شهرها، مردم را دچار مصیبت می‌کند.

در پرتو نگاه مشابه به آموزه منجی، پیروان ادیان ابراهیمی به این بینش مشترک می‌رسند که خداوند در آخرالزمان مردی از تبار پاکان را برای نجات جهانی که در بسیاری از زمینه‌های فردی و اجتماعی به انحراف و ابتدال کشیده شده است؛ خواهد فرستاد. در جامعه موعود،



نیکان به حاکمیت جهان دست می‌یابند و با پایان یافتن سلطه اشرار، ظالمان و طاغوت‌ها، بشر به سعادت خواهد رسید و در جامعه‌ای ایده‌آل که آرزوی دیرین او بوده است زیست خواهد کرد. باور آخرالزمانی منجی موعود در ادیان ابراهیمی، با ترسیم جامعه آرمانی به بازتولید معنای زندگی می‌پردازد. این باور در گام نخست، هدفی متعالی برای آفرینش عالم و زندگی بشر تعریف می‌کند که ذهنی و رؤیایی نیست، بلکه حقیقی و دست‌یافتنی است. در گام دوم، الگویی به جامعه منتظر در خصوص زندگی مادی و معنوی ارائه می‌کند که او را از تحیر و سردرگمی، انحراف و ابتدال، پوچی و سستی، ایستایی و سکون مصونیت می‌بخشد.

پیروان ادیان ابراهیمی با چشم دوختن به تصویری که در تابلوی زیبای عصر ظهور ترسیم شده است، به گونه‌ای یکسان به حس کمال‌خواهی و آرمان‌گرایی خود پاسخ می‌دهند. از جمله زیبایی‌هایی که در تابلو عصر ظهور چشم‌نوازی می‌کند، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و صلح‌طلبی است که از اصول برنامه‌های حکومت منجی پایانی است و بدین طریق گرایش‌های همسان برخاسته از باور به موعود نیز شکل می‌گیرد و به همبستگی اجتماعی می‌انجامد.

موعودباوری، با بنیان نهادن بینش‌های مشترک در پیروان ادیان ابراهیمی نسبت به جهان و اتفاقات آن و جهت بخشیدن به گرایش‌های پیروان، می‌تواند آن‌ها را به کنش‌ها و رفتارهای همگون وادارد. رفتارهایی که ایمان توحیدی و شریعت مقدس الهی را در جامعه منتظر ابراهیمی به نمایش می‌گذارد و اخلاق نیک انسانی - الهی را جلوه‌گر می‌کند؛ رفتارهایی مثل حفظ ایمان، عمل به شریعت، ترگ گناه، توبه و خودسازی، که راه رسیدن به جامعه آرمانی موعود را کوتاه‌تر می‌کند. جامعه موعودباور ابراهیمی، با نگاه به افق‌های روشن آینده، امیدوارانه و صبورانه روزگار طلایی ظهور آخرین منجی را چشم انتظار است؛ انتظاری که به نشستن و چشم به راه دوختن خلاصه نمی‌شود، بلکه پویا و حرکت‌آفرین بوده و در منتظران کنش‌های همسانی می‌آفریند.



منابع

قرآن کریم.

۱. آخوندی، محمد باقر (تابستان ۱۳۸۶). «انتظار فرج راهبرد کاهش ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی»، قم، فصلنامه مشرق موعود.
۲. بهروزی لک، غلام رضا (۱۳۸۸). «کاربرد تحلیل‌های گفتمانی در مطالعات سیاسی اسلامی»، در: روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام، علی‌اکبر علی‌خانی و همکاران، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۳. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر (بی‌تا). *قرب الإسناد*، تهران، انتشارات کتابخانه نینوا.
۴. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۵۹). *کمال الدین و تمام النعمة*، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۵. صادق‌نیا، مهرباب (۱۳۹۳). *گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در مسیحیت*، در *گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان*، علی موحدیان عطار و همکاران، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۶. طبرسی، فضل بن حسن (بی‌تا). *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). *الغیبة*، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
۸. فاضلی، محمد (پاییز ۱۳۸۳). «گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، مازندران، دانشگاه مازندران.
۹. فیشر، مری پت (۱۳۸۹). *دایرة المعارف ادیان زنده جهان*، ترجمه: مرضیه سلیمانی، تهران، علم.
۱۰. فیض‌کاشانی، محسن (۱۳۷۱). *نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین*، تحقیق: مهدی انصاری قمی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۱. *کتاب مقدس*، ترجمه قدیم و ترجمه فشرده، بی‌جا، بی‌تا.
۱۲. کهن، آبراهام (۱۳۵۰). *گنجینه‌ای از تلمود*، ترجمه: امیر فریدون گرگانی، تحقیق: غلامرضا ملکی و امیرحسین صدری پور، بی‌جا، زیبا.
۱۳. کوهن، شریاک دن (۱۳۸۳). *فلسفه یهودی در قرون وسطا*، ترجمه: علی رضا نقدعلی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان.
۱۴. گرینستون، جولیس (۱۳۸۷). *انتظار مسیحا در آیین یهود*، ترجمه: حسین توفیقی، قم، دانشگاه ادیان.
۱۵. مانهایم، کارل (۱۳۸۰). *ایدئولوژی و اتوپیا، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی شناخت*، ترجمه: فریبرز مجیدی، تهران، سمت.
۱۶. مجلسی، محمد باقر (بی‌تا). *بحار الأنوار*، تهران، اسلامیه.
۱۷. مک‌گراث، آلیستر (۱۳۸۴). *درس‌نامه الاهیات مسیحی*، ترجمه: بهروز حدادی، قم، مطالعات ادیان.

۱۸. موحیدیان عطار، علی (۱۳۹۳). «نتایج اندیشه منجی موعود»، در: گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، علی موحیدیان عطار و همکاران، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۹. نعمانی، محمدبن ابراهیم (۱۳۹۷ق). الغیبه، تهران، نشر صدوق.
۲۰. هاکس، جیمز (۱۳۸۳). قاموس کتاب مقدس، تهران، اساطیر.
۲۱. هیوم، رابرت. ا. (۱۳۸۸). ادیان زنده جهان، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران، علم.
۲۲. هیک، جان (۱۳۷۶). فلسفه دین، ترجمه: بهزاد سالکی، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی.



کارکردهای اجتماعی اندیشه مهدویت در حوزه امنیت و دفاع

محمود ملکی راد^۱

چکیده

تقویت دو حوزه «دفاعی» و «امنیتی» از عناصر مهم برای توانمندی کشورها محسوب می‌شوند. عوامل گوناگونی در تداوم و پایداری امنیت و تقویت روحیه دفاعی در مردم نقش دارند. تثبیت باورها و آموزه‌های دین، از عناصر مهم استحکام روحیه دفاعی در مردم و به تبع آن، در تثبیت امنیت نقش مهمی دارند. در این زمینه «اندیشه مهدویت»، به عنوان یکی از آموزه‌های اساسی دین اسلام در امنیت افزایی و دفاع از نظام اسلامی، دارای کارکرد است. کارکرد اجتماعی باور به مهدویت در حوزه دفاع و امنیت را می‌توان در حوزه‌هایی چون نظم اجتماعی، انسجام و همبستگی اجتماعی، استحکام روابط اجتماعی، تقویت قدرت اجتماعی، مورد بازشناسی و تحلیل قرار داد. بدین جهت از مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق، نشان دادن ظرفیت اندیشه مهدویت در حوزه دفاع و امنیت، از طریق «تبیین کارکرد اجتماعی» آن در ساحت نظم و انسجام و استحکام روابط و قدرت اجتماعی است. از برجسته‌ترین راهکارهای این اندیشه در این حوزه‌ها عبارت است از: استحکام باورهای دینی، به‌خصوص آموزه امامت، تولید و بازخوانی ارزش‌های اخلاقی مشترک، ایجاد ارتباط و پیوند عاطفی در مردم، ایجاد اتحاد و هویت واحد بین اقوام و خرده فرهنگ‌ها، و ایجاد اعتماد عمومی که از تقویت ارزش‌ها و پایبندی به قواعد اخلاقی ناشی می‌شود.

واژگان کلیدی: مهدویت، دفاع، امنیت، اجتماعی، انسجام، روابط اجتماعی، قدرت اجتماعی.

«نظام اجتماعی» عبارت است از: مجموعه نقش‌های اجتماعی متقابل به هم پیوسته که برای تحقق هدفی مشخص، برای یک مجموعه با همدیگر پیوند یافته و به صورت یک واحد یکپارچه در آمده‌اند.» از دیدگاه جامعه‌شناسان، دین یکی از عوامل مهم استحکام و تثبیت و بقای نظام اجتماعی به‌شمار می‌رود؛ به طوری که کلیه خدمات، اغراض و غایات، آثار و تبعات آشکار و پنهان دین به جامعه مورد نظر است. اسلام به عنوان آخرین دین الاهی همه ظرفیت‌های لازم را برای هدایت و کمال انسان در بر دارد. در این دین، اندیشه مهدویت از جایگاه مهمی برخوردار است. «مهدویت» نظریه‌ای کامل و جامع برای اداره زندگی بشر است. این مؤلفه تفسیری راهبردی از عرصه‌های اساسی حیات بشری ارائه و در باور و نگرش، رفتار و کنش انسان‌ها و ساحت‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی آن‌ها تحوّل بنیادین ایجاد می‌کند. کارکردهای این اندیشه هم ناظر به زندگی حال افراد است و هم ناظر به آینده آن‌ها. این اندیشه در فرهنگ شیعی به علت گره خوردن آن با اعتقاد به امام زنده، از اهمیت و جایگاه ممتازی برخوردار است و طبعاً در حوزه‌های فردی و اجتماعی آثار و پیامدهای بسیاری دارد. بیش‌ترین آثار و کارکردهای مهدویت، با بحث «انتظار» گره خورده و دارای ظرفیت‌ها و کارکردهای مطلوب و آثار ملموسی است. «انتظار» به دلیل برخورداری از عناصر تأثیرگذاری که در خود دارد، ایده انتظار فرج، ایجاد آمادگی جامعه در زوایا و حوزه‌های مختلف اعتقادی و فکری، اخلاقی و تربیتی، فرهنگی و اجتماعی و سیاسی را در پی دارد. این امر موجب می‌شود تا جامعه منتظر از همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خود استفاده کند و خود را برای ایجاد و تحقق جامعه موعود و آرمانی اسلام که در اندیشه اسلامی از آن به «حکومت جهانی امام مهدی (عج)» یاد می‌شود؛ آماده کند. شناخت و تبیین کارکردهای اجتماعی باور به مهدویت می‌تواند پیامدهای مفیدی برای جامعه منتظر داشته باشد. «امنیت افزایی» و «دفاع از دین و نظام اسلامی» بر آمده از آن، از آثار و نتایج مهم کارکردهای اجتماعی اندیشه مهدویت به‌شمار می‌رود.

کارکرد مهدویت در نظم اجتماعی و نقش آن در امنیت و دفاع

«نظم»، یکی از عوامل مؤثر بر کارایی نظام اجتماعی است. «نظم» در لغت به معنای

آرایش، ترتیب و توالی است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ص ۵۷۸ و چلبی، ۱۳۸۲: ص ۳۱). در تعریف اصطلاحی «نظم اجتماعی» آمده است:

نظم اجتماعی، نتیجه نفوذ متقابل مجموعه‌های مشترک آرمانی و هنجاری با شبکه‌های فرصتی و تعاملی کنشگران فردی و جمعی است» (چلبی، ۱۳۸۲: ص ۳۱).

از دیدگاه جامعه‌شناسان، از میان نهادهای اصلی جامعه، «نهاد دین و مذهب» در ایجاد نظم از اهمیت بالایی برخوردار است. دورکیم که در مطالعات خود دین را به‌عنوان یکی از نهادهای اجتماعی معرفی می‌کند؛ کارکرد آن را همبستگی، انسجام و نظم می‌داند (اسکیدمور، ۱۳۸۵: ص ۱۶۶). دین با ایجاد باورها و ارزش‌ها و هنجارها و رفتارهای مشترک، می‌تواند در ایجاد و تقویت نظم اجتماعی نقش مهمی داشته باشد. در پرتو تحقق عوامل یاد شده، خصایص و ویژگی‌های بارز اعتقادی و اخلاقی‌ای چون ایمان و اعتماد عمومی در مردم به‌وجود می‌آید و در نتیجه موجب نظم‌پذیری جامعه خواهد شد. با توجه به این‌که اندیشه مهدویت تبلور کامل دین اسلام و آئینه تمام‌نمای آن است؛ بنابراین بحث و گفت‌وگو از راهکارهای این اندیشه در ایجاد نظم اجتماعی می‌تواند در ترسیم راهکار برای دفاع و امنیت مفید و مثمر باشد.

اندیشه مهدویت از جهات مختلف می‌تواند بر ایجاد و استحکام نظم اجتماعی و به تبع آن، بر ایجاد امنیت و تقویت روحیه دفاع مؤثر باشد. اینک به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. علم و معرفت

بر اساس روایاتی که گویای ویژگی‌های یاران امام مهدی علیه السلام هستند، می‌توان یکی از خصوصیات آنان را برخوردارگی از علم و معرفت دانست. در این دسته از روایات، علم و معرفت بالای یاران مهدی علیه السلام یکی از خصوصیات آنان برشمرده شده است. از مصادیق علم و معرفت آنان شناخت توحید است. در وصف آنان گفته شده است: «آنان خداوند را به حق توحیدش عبادت می‌کنند» (حایری یزدی، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۱۶۵). آنان از نظر علم و معرفت در رتبه‌های بالایی قرار دارند و از جام حکمت الهی و معرفت دینی به‌طور شایسته سیراب گشته‌اند. امام علی علیه السلام مراتب فضل و کمال علمی آنان را چنین توصیف می‌کند:



پس [در فتنه‌های آخرالزمان] گروهی پاک و مهذب و صیقلی می‌شوند؛ مانند صیقل یافتن شمشیر به دست آهنگر. دیده‌های آنان به نور قرآن جلا داده و تفسیر قرآن گوش‌هایشان را نوازش می‌دهد. هر شامگاه و بامداد جام‌های حکمت می‌نوشند (فیض الاسلام، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۴۵۹).

بر این اساس، جامعه منتظر باید از چنان ظرفیتی برخوردار باشد که بتواند چنین یارانی تربیت کند. قطعاً وجود چنین افرادی در میان منتظران موجب خواهد شد؛ آنان با پذیرش نظم اجتماعی موجود در جامعه منتظر، امنیت اجتماعی را مستحکم سازند و به تبع آن، روحیه مردم در دفاع از ارزش‌های دینی نیز قوی و قوی‌تر گردد. این فرایند را می‌توان چنین ترسیم کرد: اندیشه مهدویت ← علم و معرفت ← نظم اجتماعی ← دفاع و امنیت

۲. ایمان

«ایمان» یکی دیگر از ویژگی‌های یاران امام مهدی علیه السلام برشمرده شده است. هر اندازه ایمان از استحکام و عمق بیشتری برخوردار باشد، به همان میزان موجب استواری دل‌ها در مقابل ناملازمات خواهد شد. در برخی از روایات از این ویژگی یاران آن حضرت به صراحت یاد شده و از آنان به عنوان مؤمنان حقیقی ستایش شده است. امام باقر علیه السلام در وصف آنان می‌فرماید: «بدانید که آن‌ها مؤمنان حقیقی‌اند» (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۶۵). همین ویژگی موجب شده تا از آنان به عنوان موحدان واقعی که به عمق توحید رسیده‌اند، یاد شود: «فهم الذین وحدوا الله تعالی حق توحیده» (حایری یزدی، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۱۶۵).

بدین جهت در روایتی از قول امام صادق علیه السلام در وصف یاران امام مهدی علیه السلام چنین آمده است: آنان مردانی هستند که دل‌هایشان مانند پاره‌های آهن است. هیچ‌گونه تردید و تزلزل در آن‌ها راه ندارد. در اعتقادشان به خدا، از صخره و سنگ محکم‌ترند و اگر به کوه حمله‌ور شوند آن را از جا برکنند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۰۸).

در برخی از روایات به قوت جسمانی برخاسته از قوت ایمان یاران امام مهدی علیه السلام اشاره شده است. مانند روایتی که در وصف آنان می‌گوید:

دلی مستحکم‌تر از پاره‌های آهن دارند و به هر کدام از آنان، توانایی چهل نفر داده شده است (نعمانی، ۱۴۲۲: ص ۳۱۰).

بنابراین، وجود چنین افرادی در میان منتظران، موجب خواهد شد روحیه‌شان در دفاع از ارزش‌های دینی قوی شود و بی‌تردید وجود این روحیه موجب استحکام امنیت اجتماعی خواهد شد. این فرایند را می‌توان چنین ترسیم کرد:

اندیشه مهدویت ← ایمان ← نظم اجتماعی ← دفاع و امنیت

۳. معنویت

برخورداری از «معنویت بالا» یکی دیگر از ویژگی‌های یاران امام مهدی علیه السلام است. در این مقوله عبادت و بندگی، شب زنده‌داری، تضرع در پیشگاه خداوند، نماز و روزه، ذکر خدا، تلاوت قرآن، راز و نیاز با خدا، عدم دلبستگی به دنیا و اموری دیگر از این قبیل، معرف معنویت و بنیه معنوی یاران امام مهدی علیه السلام است که در روایات به آن‌ها اشاره شده است. در وصف آن‌ها گفته شده است: «آنان در اطاعت خدا بسیار سخت کوشند؛ مُجِدُّونَ فِی طَاعَتِهِ» (فیض کاشانی، ۱۳۷۱: ص ۲۶۵). آنان از این راه به مراتب بالایی از معنویت می‌رسند. همچنین در وصف آن‌ها گفته شده است:

آنان مردانی هستند که شب‌ها نمی‌خوابند و زمزمه نمازشان چون نغمه زنبوران از کندو به گوش می‌رسد؛ شب‌ها را با شب زنده‌داری سپری می‌کنند؛ و در روز همانند شیر بیشه می‌غرند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۰۸). در دل شب، از خوف و خشیت خداوند ناله‌هایی همچون ناله مادران داغ پسر دیده دارند. آن‌ها شب زنده داران در دل شب و روزه داران در طول روزند (حایری یزدی، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۱۶۵).

وجود چنین روحیه‌ای موجب می‌شود تا آنان به نظم اجتماعی پایبند باشند. دستاورد پایبندی آنان به نظم اجتماعی، امنیت اجتماعی و به تبع آن تقویت روحیه آنان برای دفاع از ارزش‌ها خواهد بود. این فرایند را می‌توان چنین ترسیم کرد:

اندیشه مهدویت ← معنویت ← نظم اجتماعی ← دفاع و امنیت

۴. تقوا

یکی دیگر از ویژگی‌های یاران امام مهدی علیه السلام پرهیزگاری و طهارت نفسانی آنان است. آنان به دلیل تهذیب و تزکیه نفس، از طهارت و تقوایی ستودنی برخوردار می‌شوند و خود را از انواع فسادها دور نگه می‌دارند. امام حسن عسکری علیه السلام با توجه به این ویژگی، در وصف یاران

امام مهدی علیه السلام می فرماید:

خداوند آن‌ها را با پاکی نطفه و پاکیزگی سرشته و آنان را پاک و پاکیزه کرده است. دل‌هایشان را از آلودگی نفاق پیراسته؛ قلب‌هایشان را از تیرگی اختلاف پاکیزه کرده، و روح و روان‌شان را برای پذیرش احکام دین آماده کرده است. آنان به آیین حق گرویده و در راه اهل حق گام بر می‌دارند (صدوق، ۱۳۷۶: ج ۲: ص ۴۴۹).

بنابراین، یاران مهدی علیه السلام در مسیر پاکی و تقوا گام بر می‌دارند و در راه حق و به دفاع از آن تلاش می‌کنند. شاهد بر آن، پیام سراسر حماسی حضرت امام خمینی علیه السلام به حجاج بیت الله الحرام است که با توجه به معارف مهدوی، آمادگی خود را برای دفاع از اسلام و ارزش‌های برآمده از آن اینچنین بیان می‌کند:

... هیئات که ... منتظران وراثت صالحان، به مرگ ذلت بار و به اسارت غرب و شرق تن در دهند و هیئات که خمینی، در برابر تجاوز دیوسیرتان و مشرکان و کافران به حریم قرآن کریم و عترت رسول خدا و امت محمد صلی الله علیه و آله و پیروان ابراهیم حنیف ساکت و آرام بماند و یا نظاره‌گر صحنه‌های ذلت و حقارت مسلمانان باشد. من خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضه دفاع از مسلمانان آماده نموده‌ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم. قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکه و تنها هم بماند به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت پرستی است؛ ادامه می‌دهد و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام، این پابرنه‌های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت را از دیدگان جهان‌خواران و سرسپردگانی که به ستم و ظلم خویشتن اصرار می‌نمایند سلب خواهد کرد (امام خمینی، ۱۳۸۶: ج ۲۰، ص ۳۱۸-۳۱۹).

بنابراین، اندیشه مهدویت می‌تواند در تولید ارزش‌های مشترک، به‌خصوص در تولید ارزش‌های اخلاقی نقش داشته باشد و با تولید ارزش‌ها، در تحقق نظم اجتماعی کمک کند؛ و از این راه می‌توان به مدلی دست یافت که در تحقق امنیت ملی کمک کند و زمینه‌های دفاع از ارزش‌های برآمده از دین و مهدویت را فراهم سازد؛ زیرا پایبندی مردم به ارزش‌های برآمده از باور به مهدویت، آنان را برای دفاع از آن در مقابل تهدید دشمنان به‌خوبی آماده می‌کند. این فرایند را می‌توان چنین ترسیم کرد:

اندیشه مهدویت ← تقوا ← نظم اجتماعی ← دفاع و امنیت

کارکرد مهدویت در انسجام اجتماعی و نقش آن در امنیت و دفاع

واژه «انسجام» (Integration)، نوعی هماهنگی همراه با نظم و سیاق را در ذهن متبادر می‌کند (صالحی امیری، ۱۳۹۲: ص ۹۵-۹۸) و با واژه همبستگی مترادف است. وفاق و انسجام، پایه و اساس زندگی اجتماعی است و یکی از نیازهای اصلی و بنیادین جوامع انسانی محسوب می‌شود. «همبستگی اجتماعی» (social solidarity) در لغت، به معنای وحدت، وفاق و وفاداری است که ناشی از علائق، احساسات، همدلی و کنش‌های مشترک است؛ و به زعم آگوست کنت، توزیع دایمی کارهای گوناگون انسان‌ها است که همبستگی اجتماعی را پدید می‌آورد. این امر مستلزم طرد آگاهی و نفی اخلاقی مبتنی بر تقابل و مسئولیت نیست، بلکه دعوت به احراز و کسب این ارزش‌ها و احساس الزام متقابل است (آلن بیرو، ۱۳۷۵: ص ۴۰۰).
همبستگی و انسجام اجتماعی عبارت است از:

مجموعه‌ای از اهداف و ارزش‌های مشترکی که اعضای یک گروه به آن تمایل دارند. این اهداف و ارزش‌ها نقش تعیین کننده‌ای در حیات آن گروه دارد (محرابی، ۱۳۸۷: ص ۲۱).
پیوند و اعتماد عمومی، از عوامل مهم انسجام و همبستگی اجتماعی است. دین و مذهب در ایجاد پیوند و اعتماد عمومی دارای نقش اساسی است. بنابراین، انسجام و همبستگی اجتماعی را می‌توان یکی دیگر از اهداف اجتماعی اندیشه مهدویت به‌شمار آورد. آنچه در این‌جا مهم است بحث و گفت‌وگو در زمینه چگونگی انسجام بخشی و ایجاد همبستگی اجتماعی توسط اندیشه مهدویت است. روشن است وقتی چنین اعتقادی محور تجمیع مردم گردد و مردم بر ارزش‌های آن تکیه کنند، فرهنگ مشترکی پیدا می‌کنند و در نتیجه پیوندشان با همدیگر بیش‌تر می‌شود و به دنبال آن، وفاق و انسجام ایجاد می‌شود و با ایجاد انسجام اجتماعی، مردم برای دفاع از ارزش‌های مشترک آمادگی لازم را پیدا می‌کنند و به تبع آن، امنیت فراگیر در جامعه نهادینه خواهد شد. راهکارهای اندیشه مهدویت در ایجاد انسجام و همبستگی اجتماعی با تأکید بر دفاع و امنیت عبارتند از:

۱. ایجاد باور مشترک

«بینش و اعتقاد مشترک» باورمندان به یک اندیشه، موجب همدلی در میان آنان می‌شود



و این همدلی عامل مؤثری در ایجاد انسجام اجتماعی است؛ زیرا نسبت به سایر عوامل پایدارتر است و به راحتی از بین نمی‌رود. باور به امامت، همانند باور به توحید و معاد و نبوت، از عناصری برخوردار است که در ایجاد و استحکام انسجام اجتماعی می‌تواند کمک کند. بنابراین، در صورتی که اعتقاد به امامت و مهدویت در جامعه به صورت باوری مشترک درآید و اعضای جامعه بر محور آن گردهم آیند، تشتت و پراکندگی نیز از بین خواهد رفت و انسجام اجتماعی به وجود می‌آید؛ زیرا چنین اعتقادی موجب می‌شود عوامل انسجام آفرین، نظیر اعتماد، تعهد و حس مسئولیت‌پذیری در میان باورمندان افزایش یابد و این مؤلفه‌ها نیز موجب انسجام اجتماعی خواهد شد و با ایجاد انسجام اجتماعی، علاوه بر آن که روحیه دفاع از ارزش‌ها در میان مردم تقویت می‌شود؛ امنیت برقرار خواهد شد؛ چه این که اتحاد و انسجام اجتماعی، هم دشمنان بیرون از مرزهای جغرافیایی را متوجه یکپارچگی مردم برای دفاع از ارزش‌های مورد قبول‌شان می‌کند و هم دشمنان داخلی را منکوب می‌سازد. این فرایند را می‌توان چنین ترسیم کرد:

باور به امامت و مهدویت ← اعتماد، تعهد، مسئولیت‌پذیری ← انسجام اجتماعی ← امنیت و دفاع

۲. ایجاد ارزش‌های مشترک بین باورمندان به امامت و مهدویت

باور به مهدویت موجب می‌شود «ارزش‌های مشترکی» بین معتقدان به آن ایجاد شود. تکیه بر ارزش‌های مشترک از زاویه ایجاد پیوند در میان مردم و از منظر ایجاد اعتماد عمومی می‌تواند در ایجاد انسجام و وفاق، نقش داشته باشد. بنابراین:

تکیه بر ارزش‌ها و شخصیت اخلاقی می‌تواند فصل مشترکی در بین افراد ایجاد کند و موجب شود تا اعتماد میان مردم با همدیگر و مردم با حکومت، که رکن دیگری از انسجام است، به وجود آید؛ زیرا ارزش‌ها ریشه در اعتقادات دارند و برآیند اعتقاداتند و هرچه اعتقادات مردم از استحکام بیشتری برخوردار باشد، به همان میزان تکیه بر ارزش‌ها نیز بیشتر خواهد بود و با تکیه بر ارزش‌ها، اعتماد در بین مردم ریشه‌دارتر و عمیق‌تر می‌شود؛ چنان‌که نبود اعتماد موجب می‌شود در وفاق اجتماعی خدشه ایجاد شود و به قول باتامور، نبود اعتماد، به‌ویژه از نوع ارزشی و اخلاقی، روابط دوسویه را پرسوء ظن، تیره و بحران‌زا می‌گرداند (نعمت‌اللهی، ۱۳۹۲: ص ۴۳).

روشن است وقتی مردم بر محور باور به مهدویت دور هم جمع شوند و بر ارزش‌های آن

تکیه کنند، زبان و فرهنگ مشترکی می‌یابند و در نتیجه پیوندشان با همدیگر بیش‌تر می‌شود و به دنبال آن وفاق و انسجام ایجاد خواهد شد و با ایجاد وفاق و انسجام، آمادگی مردم برای دفاع از دین و ارزش‌های برآمده از آن بیش‌تر می‌گردد و با چنین آمادگی، امنیت نیز پایدارتر و پایه‌های آن نیز مستحکم‌تر می‌شود. این فرایند را می‌توان چنین ترسیم کرد:

باور به امامت و مهدویت ← ارزش‌های مشترک ← انسجام اجتماعی ← امنیت و دفاع

۳. ایجاد تعلق عاطفی در بین باورمندان به امامت و مهدویت

«عواطف» و «احساسات» یکی از ابعاد مهم وجود انسان است و از عوامل مهم ایجاد انسجام اجتماعی به‌شمار می‌رود.

احساس تعلق به جمع و اعتماد و دوستی متقابل اجتماعی از مشخصه‌های اصلی همبستگی اجتماعی‌اند و دارای ریشه‌های محکمی در وابستگی عاطفی هستند؛ زیرا وابستگی عاطفی، موجب احساس تعهد می‌شود و علاقه‌های اجتماعی را تشدید می‌کند (نظری، ۱۳۹۰: ص ۲۰-۳۰). طبق آیه: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾...؛ بگو [ای پیامبر! اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خدا [هم] شما را دوست بدارد] (آل عمران: ۲۰۰)

از الزامات محبت خداوند، اطاعت از رسول خدا ﷺ است و اطاعت از رسول اکرم ﷺ و اهل‌بیت علیهم‌السلام که مورد تأکید رسول خدا ﷺ است، موجب می‌شود تا آنان در پیروانشان قدرت تأثیرگذاری داشته باشند. چنین قدرتی موجب می‌شود تا پابندی به دستورات و تکالیف دینی و قواعد اخلاقی در میان مردم بیش‌تر شود و این امر موجب انسجام اجتماعی خواهد شد. بنابراین، احساس تعلق عاطفی معتقدان به امام مهدی ﷺ نسبت به آن امام و به همدیگر می‌تواند بر ایجاد انسجام اجتماعی، مؤثر باشد. این فرایند را می‌توان چنین ترسیم کرد:

محبت به امام زمان ﷺ ← الگو قرار دادن امام زمان ﷺ ← پابندی به قواعد اخلاقی
← انسجام اجتماعی ← دفاع و امنیت

۴. ایجاد نظام هنجارهای مشترک

ایجاد «نظام هنجاری مشترک»، یکی دیگر از کارکردهای اجتماعی مهدویت است. «هنجارها»، صورت عملی باورها و ارزش‌ها به‌شمار می‌روند (نظری، ۱۳۹۰: ص ۲۹-۳۰).

بنابراین، در صورتی که مردم به امامت و مهدویت باور داشته باشند و ارزش‌های حاکم بر جامعه نیز بر آن مبتنی باشد؛ لزوماً هنجارهای حاکم بر اجتماع نیز ماهیت مهدوی پیدا خواهند کرد. مراسم و نمادهای مذهبی مرتبط با امام زمان علیه السلام نظیر ادعیه و مناسک مربوط به امام مهدی علیه السلام و اماکن منسوب به آن حضرت و مراسم سالانه در ایام ولادت حضرت مهدی علیه السلام، می‌تواند بر ایجاد انسجام اجتماعی و به تبع آن، بر آمادگی مردم برای دفاع از باورها و ارزش‌های دینی و همچنین بر امنیت افزایشی جامعه مؤثر باشند. نمودار ذیل گویای این فرایند است:

باورها و ارزش‌های مهدوی ← هنجارهای رفتاری ← انسجام اجتماعی ← دفاع و امنیت

۵. آیین‌ها و مناسک مذهبی مرتبط با امام مهدی علیه السلام

«آداب و مناسک دینی»، صورت عملی و صبغه شکلی تبلور اعتقادات و اخلاقیات در ادیان مختلف است؛ و یکی از عوامل مهم انسجام اجتماعی محسوب می‌شود. البته اگر این آداب و مناسک به صورت دسته جمعی انجام بگیرند، کارکرد مؤثرتری خواهند داشت. اهمیت این امر تا حدی است که این نکته مورد تأکید جامعه‌شناسان نیز واقع شده است.

دور کیم به پیروی از رابرتسون اسمیت معتقد است بعد مناسکی دین نقش مهمی در تقویت همبستگی اجتماعی دارد؛ زیرا افراد از طریق مشارکت در مناسک و مراسم مذهبی، اقتدار اخلاقی جامعه را آشکار می‌کنند و احساسات اخلاقی و اجتماعی از همین طریق تقویت و تجدید می‌شود و از همین طریق است که پیوند میان افراد و اعضای جامعه تقویت و تشدید می‌گردد (فصیحی، ۱۳۸۹: ص ۱۳۸-۱۳۹).

بنابراین، اجرای مناسک مذهبی مرتبط با امام مهدی علیه السلام، مانند ادعیه منسوب به آن حضرت، نظیر دعای ندبه و نیز مکان‌های منسوب به ایشان، مانند مسجد جمکران و ایام منسوب به حضرت، مانند نیمه شعبان، از عوامل مؤثر بر ایجاد انسجام اجتماعی به حساب می‌آیند؛ زیرا تشریفات مذهبی یاد شده که مردم را در مواقع مختلف به منظور اجرای آیین‌ها و مناسک و مراسم، گرد هم جمع می‌کنند، صمیمیت و اتحاد را میان مردم ایجاد می‌کنند و انسجام اجتماعی را استحکام می‌بخشند و در نتیجه بر آمادگی مردم برای دفاع از دین و همچنین بر ایجاد امنیت اجتماعی مؤثر خواهند بود. نمودار ذیل این فرایند را گویاست:

آیین‌ها و مناسک و اماکن مهدوی ← اجتماع مردم ← انسجام اجتماعی ← دفاع و امنیت

۶. ایجاد هویت واحد بین اقوام و خرده فرهنگ‌ها

به باور جامعه شناسان، «هویت اجتماعی» احساسی است که افراد نسبت به خود دارند و شیوه‌هایی است که به واسطه آن‌ها افراد و جماعات در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعات دیگر متمایز می‌شوند. حاصل هویت اجتماعی، برقراری روابط و پیوندهای هویتی و متمایز ساختن نظام‌مند شباهت و تفاوت میان افراد و جماعت‌ها است (صالحی امیری، ۱۳۹۲: ص ۶۱-۶۲).

تکیه بر دین و مذهب یکی از عناصر مهم در ایجاد هویت به‌شمار می‌رود. بنابراین، باور به مهدویت موجب می‌شود، بین اقوام و فرقه‌های مختلف اسلامی و فرهنگ‌های گوناگون، وجوه اشتراکی ایجاد شود و با گرد هم آوردن آن‌ها بر محور این اعتقاد هویت جمعی مسلمین شکل گیرد. علاوه بر آن، باور به امامت با رویکرد شیعی موجب هویت جمعی شیعیان می‌شود و از این جهت، معتقدان به مهدویت از طریق تعقیب ارزش‌های مشترک، و با پیروی از نصوص دینی، متحد و منسجم می‌شوند. انسجام حاصل از این رویکرد، امنیت در جامعه را تضمین می‌کند و مردم، خود را برای دفاع از هویت مشترکشان آماده نگه می‌دارند. به نمودار زیر توجه فرمایید:

باور به مهدویت ← هویت اسلامی و شیعی ← انسجام اجتماعی ← دفاع و امنیت

کارکرد مهدویت در استحکام روابط اجتماعی و نقش آن در امنیت و دفاع

تنظیم روابط مردم با همدیگر، یکی از مباحث مهم جامعه‌شناسی است. بر این اساس، «ارتباط» جریانی است که طی آن، دو نفر یا بیش‌تر به تبادل افکار، دیدگاه‌ها، احساسات و عقاید خود می‌پردازند. چارلز کولی، ارتباط را مکانیسمی می‌داند که از خلال آن روابط انسان‌ها برقرار می‌شود و گسترش می‌یابد. فرایند ارتباط بین انسان‌ها با استفاده از نمادهایی چند صورت می‌گیرد. این نمادها به هر صورت یا هر شیوه‌ای که نمود یابد، حامل پیام انسانی به انسان دیگر یا انسان‌هایی به انسان‌های دیگرند (ساروخانی، ۱۳۹۵: ص ۲۰-۲۱). در تعریف «روابط اجتماعی» گفته شده است:

گرد آمدن اشخاص حول محور باور و اندیشه خاصی که به فعالیت اجتماعی مشترکی می‌پردازند و از فردیت خارج می‌شوند و به جامعه می‌پیوندند و اهداف مشترکی را دنبال می‌کنند؛ می‌توان روابط اجتماعی نامید (مالک بن نبی، ۱۳۵۹: ص ۴۰).



جامعه اسلامی در پرتو اندیشه متعالی و حیانی، در ابتدای تکون خویش توانست انسجام و وفاق را در جامعه مدینه مستحکم و روابط اجتماعی قوی‌ای را پایه‌ریزی کند؛ زیرا «دین» با ایجاد رابطه روحی میان خدا و انسان، رابطه اجتماعی را تقویت می‌کند و مؤمنان را به صورت اجتماعی واحد در می‌آورد.

بنابراین، دین را باید در عداد یکی از عوامل مهم در ایجاد رابطه اجتماعی برشمرد. تکیه بر باورهای مشترک دینی و یا مذهبی می‌تواند افراد و گروه‌های پراکنده را بر محور باورهای مشترک گرد هم آورد و هویت جمعی ایجاد کند. براین اساس، عقاید، باورها، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای برآمده از دین، نقش مهمی در استحکام روابط اجتماعی دارند. «اعتقاد به مهدویت»، یکی از این باورهای مشترک در جامعه اسلامی است. اندیشه مهدویت از زوایای مختلف می‌تواند در تنظیم روابط اجتماعی و مستحکم ساختن آن، نقش داشته باشد. اینک به برخی از مهم‌ترین آن راهکارها اشاره می‌شود:

۱. از منظر باور به ظهور منجی موعود

یکی از عوامل مؤثر بر استحکام روابط بین مردم، باور به ظهور منجی موعود است. این باور مؤلفه مشترک همه ادیان به حساب می‌آید و می‌تواند همه مردم را بر محور خود جمع کند و شبکه روابط اجتماعی بین الادیانی را ایجاد و زندگی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان را پیشنهاد کند. ایجاد امنیت اجتماعی از آثار مهم این باور به حساب می‌آید. فرایند مذکور در نمودار ذیل ترسیم شده است:

باور به منجی موعود ← انسجام اجتماعی ← دفاع و امنیت

۲. از زاویه باور به مهدویت اسلامی

این باور می‌تواند بین پیروان مختلف مذاهب اسلامی شبکه اجتماعی مستحکمی ایجاد کند و به استحکام روابط اجتماعی مسلمانان با یکدیگر بینجامد. از آثار این شبکه اجتماعی، علاوه بر امنیت فراگیر، ایجاد انگیزه لازم در میان مسلمانان برای دفاع از ارزش‌های برآمده از این باور است. در واقع این باور می‌تواند وحدت و انسجام اجتماعی را در میان مسلمانان محکم سازد و آنان را بر محور خود جمع کند. به این نمودار توجه کنید:

باور به مهدویت اسلامی ← انسجام اجتماعی ← دفاع و امنیت

۳. از منظر باور به مهدویت شیعی

باور به مهدویت با رویکرد شیعه می‌تواند از زوایای گوناگون بر تنظیم روابط اجتماعی جامعه شیعه مؤثر باشد، مانند:

الف) از زاویه باور به اصل امامت و رهبری امام مهدی علیه السلام

طبق یک اصل کلی، اعتقاد به رهبر و پذیرش رهبری او، موجب انسجام و وحدت اجتماعی و به دنبال آن موجب استحکام روابط اجتماعی می‌شود. با توجه به این نکته، اعتقاد امامیه به وجود امام مهدی علیه السلام به عنوان رهبری که در قید حیات و بر اعمال مردم ناظر است؛ موجب می‌شود جامعه منتظر، خود را همواره در سایه رهبری او ببیند و پیوسته در حفظ روابط اجتماعی خود بکوشد و برای تحقق این هدف، نیروهایی را تربیت کند و قدرت لازم را به دست آورد؛ زیرا اعتقاد به وجود امام زمان علیه السلام می‌تواند مایه انسجام، وحدت، امید و تحرک در مردم باشد و مردم، یکدل و یکصدا در مسیر اهداف بلند آن حضرت حرکت کنند. این باور انسجام و همبستگی و استحکام روابط اجتماعی را به دنبال خواهد داشت.

ب) از زاویه انتظار

طبق رویکرد شیعی، در عصر غیبت، انتظار ظهور، محور انتظام‌بخش همه معتقدان به ظهور است. این باور همه مردم را بر محوری واحد گرد هم جمع می‌کند؛ زبان مشترکی میان آنان به وجود می‌آورد و انسجام و وفاق را در جامعه ایجاد می‌کند و نیز موجب استحکام روابط اجتماعی می‌شود.

ج) از زاویه حضور مردم در مکان‌های منسوب به حضرت ولی عصر علیه السلام

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر استحکام روابط اجتماعی در جوامع شیعی، حضور پر شور مردم در مکان‌های منسوب به حضرت ولی عصر علیه السلام است. این حضور از دو زاویه بر ایجاد انسجام و تقویت شبکه روابط اجتماعی مؤثر است:

اول: این حضور استحکام جامعه‌پذیری مهدوی را موجب می‌شود؛ زیرا مردم با هدف اجرای عبادت در آن مکان‌های مقدس جمع شوند و با خواندن دعاهای مخصوص به نیایش می‌پردازند و بر معرفت خویش نسبت به امام زمان علیه السلام می‌افزایند. این امر موجب می‌شود، جامعه‌پذیری مهدوی تقویت گردد و یکی از آثار جامعه‌پذیری مهدوی، اتحاد و انسجام و به



تبع آن، ایجاد روابط اجتماعی است. در حقیقت بین جامعه‌پذیری و ایجاد روابط اجتماعی رابطه متقابل وجود دارد. بنابراین، هر چه بر جامعه‌پذیری مهدوی تأثیر داشته باشد، به همان میزان بر ایجاد شبکه روابط اجتماعی نیز تأثیر خواهد داشت.

دوم: حضور در این مکان‌ها موجب می‌شود مردم از حال یکدیگر و مشکلات همدیگر بیش‌تر آگاه شوند و این آشنایی، انس و الفت بیش‌تری بین مردم ایجاد می‌کند و طبعاً در استحکام روابط اجتماعی مؤثر خواهد بود.

د) از جهت حضور مردم در مراسم دعا‌های منسوب به امام زمان علیه السلام و توسل‌های دسته جمعی به آن حضرت

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر ایجاد انسجام و روابط اجتماعی، حضور مردم در مراسم دعا‌های منسوب به امام زمان علیه السلام است. این مراسم از دو منظر بر ایجاد انسجام و تقویت شبکه روابط اجتماعی مؤثر است:

اول: حضور در این مراسم موجب جامعه‌پذیری مهدویت می‌شود و فرهنگ انتظار را میان افراد تقویت و نهادینه می‌کند؛ زیرا تأمل و تدبیر در این دعاها، معرفت و شناخت ما را به امام زمان علیه السلام کامل‌تر می‌کند؛ تا جایی که به آن حضرت نیاز بیش‌تری احساس می‌کنیم. لذا با برپایی این مراسم و شرکت در آن، فرهنگ انتظار، در وجود افراد نهادینه می‌شود و از این رهگذر زمینه اصلاح فرد و جامعه، فراهم می‌گردد. گفته شد یکی از آثار جامعه‌پذیری مهدوی، اتحاد و انسجام و به تبع آن ایجاد روابط اجتماعی است. بنابراین، هر چه بر جامعه‌پذیری مهدوی تأثیر داشته باشد، به همان میزان بر ایجاد شبکه روابط اجتماعی نیز تأثیر خواهد داشت.

دوم: حضور در این مراسم موجب می‌شود در بین مردم انس و الفت بیش‌تری به وجود آید و موجب می‌گردد مردم از حال همدیگر بیش‌تر اطلاع یابند و در رفع مشکلات یکدیگر بکوشند. این رویکرد نیز موجب استحکام روابط اجتماعی خواهد شد.

با استحکام روابط اجتماعی، آمادگی مردم برای دفاع از ارزش‌های دینی بیش‌تر می‌شود و در سایه آن، دشمنان از تعرض به مملکت اسلامی نا امید خواهند شد و در نتیجه امنیت پایدار به وجود می‌آید. نمودار ذیل را ملاحظه کنید:

باور به مهدویت شیعی ← تحکیم روابط اجتماعی ← دفاع و امنیت

کارکرد مهدویت در تقویت قدرت اجتماعی و نقش آن در امنیت و دفاع

یکی دیگر از اهداف اجتماعی اندیشه مهدویت، «تقویت قدرت اجتماعی» است. «قدرت» در لغت به توانستن، توانایی داشتن، توانایی، نیرو، توانایی انجام دادن کاری یا ترک آن معنا شده (عمید، ۱۳۶۳: ص ۸۱۱)؛ و در تعریف اصطلاحی آن آمده است: «قدرت را می‌توان به معنای پدید آورنده آثار مطلوب تعریف کرد» (مطهری نیا، ۱۳۷۸: ص ۶۸).

تنوع قدرت اجتماعی به قدرت اقتصادی، سیاسی، نظامی، دینی و فرهنگی بستگی دارد و متناسب با اهداف، قوا و استعدادها، گرایش‌ها و اعمال و رفتار آن خواهد بود (اسکندری، ۱۳۸۱: ص ۵۶).

دین و فرهنگ دینی، یکی از ارکان مهم قدرت اجتماعی به حساب می‌آید. این امر مورد توجه جامعه‌شناسان نیز می‌باشد. آنان نقش دین را علاوه بر تنظیم رفتار فردی، در برانگیختن احساس اشتراک و وحدت اجتماعی و نقش مناسک دینی را در زمینه استحکام اشتراک اجتماعی مهم می‌دانند (همیلتون، ۱۳۷۷: ص ۱۷۰). علاوه بر مناسک، برخی از دستورات اخلاقی دین، نظیر صله ارحام، دیدار با دوستان و عیادت از بیماران، می‌تواند بر استحکام قدرت اجتماعی مؤثر باشد. بنابراین، دین قادر است نقش مهمی بر قدرت اجتماعی داشته باشد. نقشی که اندیشه مهدویت در تعالی فرهنگ دینی دارد می‌تواند در ابعاد مختلف بر ایجاد و تقویت قدرت اجتماعی تأثیر داشته باشد. این اندیشه از سویی موجب استحکام باورهای دینی می‌شود و با تعالی و تقویت دین‌داری قدرت اجتماعی نیز تقویت خواهد شد. از سوی دیگر، موجب تعالی ارزش‌های اخلاقی می‌شود و با مستحکم شدن این ارزش‌ها در جامعه، قدرت اجتماعی نیز تقویت می‌گردد و از طرف دیگر، موجب بروز و ظهور هنجارها و رفتارهای برآمده از هنجارهای دینی می‌شود. پر واضح است که با تثبیت هنجارهای برآمده از معارف مهدوی در جامعه، قدرت اجتماعی نیز تقویت خواهد شد. بنابراین، اندیشه مهدویت در عرصه‌های مختلف فکری، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی وارد می‌شود و می‌تواند بر تقویت قدرت اجتماعی و به تبع آن، در ایجاد امنیت و تقویت روحیه دفاع در مردم، نسبت به ارزش‌های مختلف، به خصوص ارزش‌های دینی کمک کند. مهم‌ترین راهکارهای اندیشه مهدویت در ایجاد و استحکام قدرت اجتماعی را می‌توان به قرار ذیل بر شمرد:



۱. در بعد دین باوری

تقویت ابعاد دینداری یکی از کارکردهای اندیشه مهدویت است. مهدویت با اندیشه امامت گره خورده، بنابراین اجرای دستورات و تکالیف دینی و نقشی که امام در تبیین و تفسیر دین دارد، می‌تواند بر چگونگی دین‌داری باورمندان به امامت و مهدویت تأثیرگذار باشد؛ مثلاً نقش نظارتی امام بر احوال افراد باور به مقوله عرضه اعمال بر امام علیه السلام (کلینی، ۱۳۶۷: ج ۱: ص ۲۱۹)، در این باره بسیار مؤثر خواهد بود و نقش مهمی در پویایی و بالندگی دین‌باوری منتظران دارد. با عنایت به این مطلب در دعاهای مرتبط با امام زمان علیه السلام یکی از ویژگی‌های منتظران معرفت و شناخت عمیق آنان نسبت به خداوند و نبوت و حجت‌الاهی معرفی شده است (نعمانی، ۱۴۲۲: ص ۱۶۶).

با توجه به اهمیت این مطلب، در روایات مختلف، به ویژگی‌های منتظران اشاره شده است. نظیر این روایت:

یاران امام عصر علیه السلام در بعد عبادت فردی و خودسازی، از راز و نیازهای شبانه برخوردارند و عاشقانه با پروردگار خویش نجوا می‌کنند و در بعد عبادت اجتماعی، دارای قلبی محکم و از شجاعت مثال زدنی برخوردارند (مفید، ۱۴۱۳: ص ۲۰۸).

در روایت دیگر با تأکید بر این مطلب در وصف یاران امام عصر علیه السلام آمده است: آنان در عبودیت و بندگی و اطاعت خدا بسیار سخت کوشند» (صدوق، ۱۳۵۹: ج ۱، ص ۲۶۸).

اندیشه مهدویت بر استحکام باورها و ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری بر آمده از دین اسلام تأکید دارد. بر تقویت بعد دین‌داری تأثیرگذار است و با استحکام و تقویت بعد دین‌داری، به تقویت قدرت اجتماعی کمک خواهد کرد و تقویت قدرت اجتماعی، علاوه بر این که به ایجاد امنیت پایدار کمک می‌کند، روحیه مردم را برای دفاع از ارزش‌های دینی تقویت می‌کند. فرایند مذکور در نمودار ذیل ترسیم شده است:

مهدویت ← تقویت دین‌داری ← قدرت اجتماعی ← دفاع و امنیت

۲. در بعد سیاسی و اجتماعی

گفته شد اندیشه مهدویت از ظرفیت‌های مطلوب در زمینه‌های گوناگون اعتقادی و اخلاقی و سیاسی و اجتماعی برخوردار است و آمادگی جامعه در حوزه‌های مختلف اعتقادی و

فکری، اخلاقی و تربیتی، فرهنگی و اجتماعی و سیاسی را سبب می‌گردد. «آگاهی سیاسی و اجتماعی» یکی از ابعاد آن است. این ویژگی موجب می‌شود در جامعه منتظر تغییر به‌وجود آید و از این رهگذر جامعه منتظر شاهد آثار مطلوب آن خواهد بود. ضرورت آگاهی سیاسی و اجتماعی نسل منتظر را از چند زاویه می‌توان اثبات کرد:

۱-۲. به زاویه ویژگی یاران امام علیه السلام

ویژگی یاران امام عصر علیه السلام یکی دیگر از راه‌های اثبات آگاهی سیاسی و اجتماعی در جامعه منتظر است. به این مطلب در روایاتی چند اشاره شده است؛ از جمله در این روایت: یاران امام عصر علیه السلام در بعد عبادت فردی و خودسازی، از راز و نیازهای شبانه برخوردارند و در بعد عبادت اجتماعی، دارای قلبی محکم و از شجاعت مثال زدنی برخوردارند (مفید، ۱۴۱۳: ص ۲۰۸).

در این روایت تصریح شده است یاران امام مهدی علیه السلام مانند شیر دارای عنصر شجاعتند و قلبشان همانند پاره‌های آهن محکم است: «لِيُوثَّ بِالنَّهَارِ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زَبْرُ الْحَدِيدِ» چنین شجاعتی برخاسته از بینش قوی و بصیرت بالای آنان است. از این ویژگی که برای یاران گفته شده است، می‌توان برداشت کرد که جامعه منتظر می‌تواند با ایجاد تغییر، افرادی را با چنین ویژگی‌هایی تربیت کند و آثار مطلوبی از خود بر جای گذارد و این نشانه قدرت اجتماعی در جامعه منتظر است.

۲-۲. به لحاظ روی آوردن فتنه‌ها در آخر الزمان:

یکی از ویژگی‌هایی که در روایات ملاحم و فتن به آن اشاره شده، این است که جامعه در آستانه ظهور، دچار فتنه‌ها و گمراهی‌های فراوانی می‌شود. اهمیت این امر موجب شده تا در روایات ملاحم و فتن به آن تأکید شود. در آن روایات تصریح شده است که جامعه در آستانه ظهور، دچار فتنه‌ها و گمراهی‌های فراوانی می‌شود. و گستردگی آن را در حدی دانسته‌اند که همه جا را فرا خواهد گرفت (همان: ص ۵۱).

اعتقاد به امامت و مهدویت، از آن رو که بینش درست و صحیحی به مردم می‌دهد، می‌تواند عامل مهمی برای در امان ماندن آنان از انحراف و فتنه باشد و منتظران را از افتادن در دام انحراف و فتنه حفظ کند؛ زیرا با شناخت و معرفت درستی که از امامت به‌وجود می‌آید،



به مردم کمک می‌کند تا در شناخت جریان‌های انحرافی، دارای بصیرت کافی باشند و براحتی در دام آنان نیفتند.

۳-۲. به جهت هجوم انحرافات به جامعه

یکی دیگر از ویژگی‌های جوامع در آستانه ظهور، هجوم انواع کجی‌ها و انحرافات به آن است. روایاتی که بیانگر وضعیت فکری، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، دینی و معنوی جوامع در آستانه ظهورند، به این واقعیت اشاره کرده‌اند. فردی از امام باقر علیه السلام از زمان ظهور قائم علیه السلام پرسید. امام علیه السلام در پاسخ این پرسش، آمدن قائم علیه السلام را به گسترده شدن برخی از انحرافات اخلاقی منوط دانست و به چند انحراف مهم در این زمینه اشاره کرد (صدوق، ۱۳۵۹: ج ۱، ص ۳۳۱). از طرفی، یاران امام عصر علیه السلام و منتظران ظهور در همین جوامع تربیت می‌شوند. پس ضروری است به ابعاد مختلف تربیت منتظران توجه شود تا یاران و منتظران واقعی تربیت شوند. تربیت در بعد سیاسی و اجتماعی یکی از ابعاد مهم آن به‌شمار می‌رود که با وجود آن، افراد از انحراف مصون خواهند شد و با چنین تربیتی بر قدرت اجتماعی افزوده می‌شود و به تبع آن، امنیت پایدار به وجود می‌آید و روحیه مردم برای دفاع تقویت می‌شود. نمودار ذیل گویای فرایند مذکور است:

مهدویت ← بصیرت سیاسی و اجتماعی ← قدرت اجتماعی ← دفاع و امنیت

۳. در بعد اقتصادی

«کارکرد اقتصادی»، یکی دیگر از کارکردهای اندیشه مهدویت است که می‌تواند بر تقویت قدرت اجتماعی جامعه عصر غیبت مؤثر باشد. کارکرد اقتصادی مهدویت در عصر غیبت را می‌توان از راه اموالی که در دین اسلام برای مقام نبوت و امامت قرار داده شده است ارزیابی کرد. از دیدگاه شیعه، اموالی مانند انفال و خمس با شرایط خاص، مختص پیامبر صلی الله علیه و آله و امام معصوم علیه السلام است. یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان خودش و امام معصوم علیه السلام نیز در زمان خودش، به حکم این که حاکم مسلمین هستند، این اموال را در راه خدا و در مسیر مصالح عمومی صرف می‌کنند. در زمان غیبت نیز به اعتبار نیابت فقهای جامع‌الشرایط از امام زمان علیه السلام؛ لازم است این اموال در اختیار فقیه جامع‌الشرایط قرار گیرد تا در مسیر مصالح عمومی، چون تبلیغ دین و امور عام‌المنفعه و دستگیری از ضعفا و مستمندان صرف شود.



بنابراین، می‌توان گفت وجود چنین اموالی در جامعه منتظر که در اختیار فقیه جامع شرایط است، موجب تقویت قدرت اقتصادی جامعه و به تبع آن موجب تقویت قدرت اجتماعی خواهد شد؛ زیرا چون قدرت اقتصادی، یکی از عناصر قدرت اجتماعی به حساب می‌آید و در نتیجه بر مؤلفه‌های امنیت و دفاع نیز دارای تأثیر مستقیم است. در واقع هر چه توان اقتصادی حاکم اسلامی و رهبری جامعه عصر غیبت بیش‌تر باشد به‌همان میزان بر قدرت اجتماعی نیز افزوده می‌شود و بر حوزه‌هایی مانند امنیت و دفاع نیز تأثیرگذار خواهد بود. نمودار ذیل گویای فرایندی است که ذکر شد:

مهدویت ← کارکرد اقتصادی ← قدرت اجتماعی ← دفاع و امنیت

نتیجه‌گیری

عوامل مختلفی می‌توانند در توانمندسازی نظام اجتماعی و به تبع آن در ایجاد امنیت و تقویت روحیه دفاع مردم از ارزش‌های مختلف، به‌خصوص ارزش‌های دینی نقش داشته باشند. اندیشه مهدویت از این زاویه اهمیت و جایگاه ممتازی در حوزه‌های فردی و اجتماعی، آثار و پیامدهایی دارد که در پویایی و توانمندسازی جامعه عصر غیبت می‌تواند نقش داشته باشد و کارکرد در این حوزه از کارکردهای مهم این اندیشه به حساب می‌آید. مهم‌ترین کارکردهای اندیشه مهدویت در ساحت نظام اجتماعی عصر غیبت، ناظر به ایجاد امنیت و تقویت روحیه دفاع در مردم عبارتند از:

۱. کارکرد در ساحت نظم اجتماعی: برخی از راهکارهای مهدویت در این حوزه عبارتند از: (الف) ارزش‌های نفسانی و اخلاقی برآمده از الگوی عدالت مهدوی؛ (ب) ارزش‌های اقتصادی و سالم سازی روابط اقتصادی؛ (ج) ارزش‌های سیاسی و اجتماعی.
۲. کارکرد در ساحت انسجام و همبستگی اجتماعی: برخی از راهکارهای مهدویت در این حوزه عبارتند از: (الف) تکیه بر ارزش‌های مشترک؛ (ب) ایجاد هویت مشترک بین پیروان ادیان و مذاهب؛ (ج) تکیه بر ارزش‌های مشترک بین باورمندان به امامت و مهدویت؛ (د) ایجاد نظام هنجارهای مشترک.
۳. کارکرد در ساحت استحکام روابط اجتماعی: مهم‌ترین راهکارهای مهدویت در این حوزه عبارتند از: (الف) از جهت باور به ظهور منجی موعود؛ (ب) از بعد انتظار؛ (ج) از زاویه بزرگداشت یاد و نام امام زمان علیه السلام.



۴. کارکرد در ساحت قدرت اجتماعی: مهم‌ترین راهکارهای مهدویت در ایجاد و استحکام قدرت اجتماعی عبارتند از:

الف) در بعد دین باوری: مهدویت با تاکید بر باورها و ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری بر آمده از دین اسلام، بر تقویت بعد دین‌داری تأثیرگذار است و می‌تواند قدرت اجتماعی را تقویت کند و این رویکرد به امنیت پایدار منجر شود.

ب) در بعد سیاسی و اجتماعی: ضرورت آگاهی سیاسی و اجتماعی نسل منتظر از جهات ویژگی یاران امام علیه السلام، به لحاظ روی آوردن فتنه‌ها در آخر الزمان و به لحاظ هجوم انحرافات به جامعه قابل توجه است.

ج) در بعد اقتصادی: به باور شیعه اموالی چون انفال و خمس که در عصر غیبت در اختیار مجتهد جامع‌الشرایط است، می‌تواند در ایجاد قدرت اقتصادی و به تبع آن، بر ایجاد و تقویت قدرت اجتماعی مؤثر باشد و از این رهگذر قدرت امنیت و دفاع اجتماعی تضمین گردد.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، بيروت، دار صادر.
۲. اسکندری، محمدحسین (بهار ۱۳۸۹). «کالبدشناسی مفهوم قدرت»، روش شناسی علوم انسانی، شماره ۳۰.
۳. اسکیدمور، ویلیام (۱۳۸۵). *تفکر نظری در جامعه‌شناسی*، جمعی از مترجمان، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴. آلن بیرو (۱۳۷۵). *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران، نشر کیهان.
۵. چلبی، مسعود (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی نظم*، تهران، نشرنی.
۶. حایری یزدی، علی (۱۴۲۲ق). *إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب*، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
۷. خمینی، روح الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۸. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۹. صالحی امیری، سید رضا (۱۳۹۲). *امنیت اجتماعی*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۰. _____ (۱۳۸۹). *انسجام ملی و تنوع فرهنگی*، تهران، پژوهشگاه تحقیقات استراتژیک.
۱۱. صبحی صالح، (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*، قم، هجرت.
۱۲. صدوق، محمد (۱۳۷۶). *الامالی*، تهران، کتابچی.
۱۳. _____ (۱۳۵۹). *کمال الدین و تمام النعمه*، محقق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. طوسی، محمدبن الحسن (۱۴۱۱ق). *الغیبه*، قم، دار المعارف الإسلامیه.
۱۵. عمید، حسن (۱۳۶۳). *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، امیر کبیر.
۱۶. فصیحی، امان الله (۱۳۹۱). *نقد تبیین کارکردی دین*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۷. _____ (بهار ۱۳۸۹). «بررسی کارآمدی نظریه کارکردگرایی»، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۲.
۱۸. فیض کاشانی، محسن (۱۳۷۱). *نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین*، تحقیق: مهدی انصاری قمی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۹. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۷). *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. مالک بن نبی (۱۳۵۹). *شبكة روابط اجتماعی*، ترجمه: جواد صالحی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۲۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*، تحقیق: یحیی العابدی، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۲۲. محرابی، علیرضا (۱۳۸۷). *بررسی و تبیین مبانی و مؤلفه‌های انسجام ملی*، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۲۳. مطهری‌نیا، مهدی (۱۳۷۸). *تبیینی نوین بر مفهوم قدرت در سیاست و روابط بین الملل*، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۴. مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳ق). *الاختصاص*، قم، کنگره شیخ مفید.
۲۵. نظری، عبدالله (تابستان ۱۳۹۰). *انسجام اجتماعی از منظر قرآن کریم*، دو فصلنامه: پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، شماره ۵، سال دوم.
۲۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق). *الغیبه*، تحقیق: فارس حسون کریم، قم، انوارالهدی.
۲۷. نعمت‌اللهی، زهرا (تابستان ۱۳۹۲). «*بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی*»، فصلنامه علمی پژوهشی: مدیریت نظامی، شماره ۵۰، سال سیزدهم.
۲۸. ورسلی، پیتتر (۱۳۸۸). *نظریه‌های جامعه‌شناسی نظم*، مترجم: سعید معیدفر، تهران، جامعه‌شناسان،
۲۹. همیلتون، ملکم (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی دین*، مترجم: محسن ثلاثی، چاپ اول، تهران، نشر تبیان.

مدل خطمشی گذاری حکومت اسلامی:
تصویرپردازی از اتوپیای (آرمان شهر) حکومت واحد جهانی موعود

رحمان غفاری^۱

چکیده

«خطمشی»ها در واقع ترسیم کننده چهره حکومت‌ها هستند و به شدت تحت تأثیر شکل و ماهیت حکومت‌ها قرار دارند. مسئله اصلی این پژوهش «وجود تباین بین خطمشی‌های فعلی در کشورهای اسلامی با الگوی آرمانی اسلامی آن‌ها» است. رویکرد روش‌شناسی این پژوهش «ترکیبی» است و برای جمع‌آوری داده‌ها در فاز نخست (کیفی) پس از مطالعه ادبیات روایی و دینی با هیجده نفر از صاحب‌نظران خطمشی‌گذاری و حوزه تخصصی مهدویت مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته صورت گرفته و با استفاده از تکنیک نظریه داده‌بنیاد مدل پارادایمی پژوهش استخراج شده است. مقوله محوری مدل پارادایمی، خطمشی‌گذاری مهدوی است. نتایج نشان می‌دهد خطمشی‌های توحیدی، خردسالارانه، کمال‌گرا و عدالت‌بنیان، جزء مقوله‌های محوری بوده و پیامدهایی، نظیر رضایت خدا و امت، رفاه و امنیت و عصرطلایی زندگی از نتایج این مدل است. همچنین حکومت واحد جهانی، وحدت ملل، مشروعیت الهی و مقبولیت عامه و امت بالغ، از عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار بر راهبردها هستند. همچنین نتایج گویای تأیید و برآزش مناسب مدل ارائه شده است. پرداختن به بحث خطمشی‌گذاری، با توجه به اقتضائات عصر ظهور از جنبه‌های دانش‌افزایی این پژوهش است.

واژگان کلیدی: خطمشی‌گذاری مهدوی، خطمشی‌های توحیدی، خطمشی‌های کمال‌گرا، خطمشی‌های عدالت‌بنیان، خطمشی‌های خردسالار.

چنان که تصویرپردازی فعال از آینده جهان، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کشورهای توسعه‌یافته است؛ تشکیل حکومت واحد اسلامی نیز، از اهداف بنیادین مکتب اسلامی و شاه‌کلید تشکیل تمدن اسلامی، دولت اسلامی خواهد بود. مؤلفه محرکه دولت اسلامی نیز، خطمشی‌گذاری و حکمرانی دینی است. بر اساس آیات قرآن (نور: ۵۵)؛ قصص: ۵ انبیاء: ۱۰۵ و روایات معتبر و موثق شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ج ۴، ص ۱۷۷؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۱۳۴۰ و (نهج‌البلاغه، خ ۹۱)؛ دستاور دولت جهانی و خطمشی‌گذاری دینی، امنیت، رفاه و عدالت برای امت واحد خواهد بود.

تصویرهای آینده که از طریق ایده‌ها در ذهن ملت‌ها و دولت‌ها شکل می‌گیرند، در شکل بخشیدن به آینده جهان، دارای نقشی اساسی‌اند. این تصویرها به گرایش‌ها و تمایلات ملت‌ها و دولت‌ها شکل می‌دهند و سرانجام بر اقدامات آن‌ها در جهت شکل بخشیدن به آینده تأثیر می‌گذارند. دقیقاً به همین دلیل است که از آینده‌پژوهی به دانش خلق ایده‌های آینده‌محور به‌عنوان ابزار «هدایت اجتماعی» تعبیر می‌شود (کوسا، ۲۰۱۰: ص ۲). کارکرد اصلی این علم در سطح جهانی، تصویرسازی از آینده جهان است که ابزار اصلی مدیریت بر آینده جهان محسوب می‌شود. صاحب‌نظران معتقدند نقش و اهمیت دین و معنویت در سبک‌های حکمرانی و خطمشی‌گذاری، امروز از یک دهه گذشته به مراتب بیش‌تر است (شرکات و همکاران، ۲۰۱۰: ص ۱۶۷). مهم‌ترین عنصر آینده‌ساز در کشورهای معتقد به مهدویت نیز، «اعتقادات مذهبی و دینی» انسان‌ها است که در فرهنگ جوامع گوناگون دارای ریشه عمیقی است و به اعتقاد برخی محققان تا سی سال آینده از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر آینده جهان محسوب خواهد شد (نینا، ۱۹۸۵: ص ۲۴؛ بینبریج، ۲۰۰۴: ص ۱۰۰۹ و تیلور، ۲۰۰۴: ص ۹۹۱). همچنین یافته‌های محققان گویای ارتباط شفاف و نزدیک بین خطمشی‌گذاری و حکمرانی دینی و ساخت اجتماعی یک تمدن بزرگ است (فوکس، ۲۰۱۰: ص ۵۲۲). امروزه اهمیت و نقش بسیار فزاینده اعتقادات دینی در آینده‌پژوهشی و تصویرپردازی بر کسی پوشیده نیست؛ به‌طوری‌که تلاش می‌شود نقش دین در گرایش به آینده طی احکامی به سمت واقع‌نگرتر شدن پیش رود (تان، ۲۰۰۴: ص ۱۰۲۴). «خردورزی» از عوامل حیاتی موفقیت در ساخت آینده است (پورعزت، ۱۳۸۹: ص ۱۱). برای مبنای کشوری در آینده موفق‌تر است که بهتر بتواند ظرفیت خردورزی عموم را ارتقا دهد و آن را فعالانه برای اصلاح

امور خود به کار گیرد. آینده آزمون ارزش‌های ماست و ما از طریق تفکر درباره آینده، در ارزش‌هایمان تجدیدنظر می‌کنیم (لامبارو^۱، ۲۰۰۶؛ ص ۵۶). این مهم تحت تأثیر موقعیت و تاریخ و گذشته ما قرار می‌گیرد (برزگر، ۱۳۸۳؛ ص ۲-۳). خطمشی‌ها نشان دهنده جهت‌گیری‌های بنیادین دولت‌ها در عمل هستند. همچنین خطمشی‌گذاری، اساسی‌ترین جلوه وجودی حکومت‌ها در عرصه تصمیم‌گیری و اجرا محسوب می‌شوند. به دلیل دامنه فراگیر تصمیم‌ها و خطمشی‌ها، هر اندازه این مهم با فطرت انسانی و پویایی‌های محیط سازگارتر باشد، کارآمدی و اثربخشی آن برای اداره امور عمومی در حکومت‌های اسلامی بیش‌تر خواهد بود. مدل‌ها و نظریه‌های مختلفی از ادبیات گذشته وجود دارد. این‌که می‌توان عیناً از این مدل‌ها و چارچوب‌ها در خطمشی‌گذاری حکومت‌های دینی و اسلامی (که یکی از ارکان آن‌ها، پایبندی به آموزه‌های اصیل وحیانی است) استفاده کرد؛ مسئله اصلی و ضرورت این تحقیق است. همچنین دستیابی به یک کهن‌الگوی سرآمد که بتوانیم به آن استناد کنیم و خطمشی‌های خود را با آن انطباق دهیم، از اهمیت بالایی برخوردار است. نوآوری این پژوهش نیز آن است که در عرصه خطمشی‌های دینی، با توجه به تصاویر روایی موجود ورود کرده است و می‌تواند مبنایی ایجاد کند تا از طریق آن بتوان معیارهایی برای خطمشی مطلوب تنظیم کرد تا در جهت حرکت به سمت حکومت اتوپیایی موعود گام‌هایی برداشته شود. حکومت اسلامی حکومتی است واحد که طبعاً تمام کشورها محاط در آن خواهند بود و کشورهای اسلامی و حتی غیر اسلامی، به سمت استقرار این حکومت حرکت خواهند کرد. هدف این پژوهش دستیابی به مدل نظری خطمشی‌گذاری در حکومت اسلامی و معتقد به مهدویت است که اهداف بالا را از طریق آن دنبال کنیم.

ادبیات نظری

۱. خطمشی‌گذاری

مطالعات «خطمشی‌گذاری» دارای پیشینه طولانی و گذشته کوتاه مدتی است؛ بدین معنا که قرن‌ها است اقدامات دولت‌ها، مرکز توجه بسیاری از آزمایش‌ها بوده است؛ اما تحلیل سیستماتیک آن‌ها با استفاده از چارچوب ساختاری علوم سیاسی به کم‌تر از ۶۰ سال قبل بر



می‌گردد (هاولت، رامش و پرل، ۲۰۰۹: ص ۱). «خطامشی عمومی» عبارت است از چیزی که دولت‌ها تصمیم دارند انجام دهند یا انجام ندهند (دای، ۲۰۱۳: ص ۳). خطامشی عمومی تصمیمی است که در قبال یک مشکل عمومی اتخاذ می‌شود؛ اما خطامشی صرفاً اتخاذ تصمیم نیست، بلکه فرآیندی است شامل تمام اقدامات که از زمان احساس مشکل شروع می‌شود و به ارزیابی نتایج اجرای خطامشی ختم می‌گردد (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۳: ص ۲). ویلیام جنکینز (۱۹۷۸) در تعریف خطامشی به چند نکته مهم اشاره دارد. جنکینز خطامشی را این گونه تعریف کرده است: مجموعه تصمیمات متعامل بازیگر یا گروهی از بازیگران سیاسی در مورد انتخاب اهداف و ابزار دستیابی به آن‌ها در شرایط مشخص؛ به شرط آن که این تصمیمات قانوناً در چارچوب اختیارات بازیگران اتخاذ شده باشند (جنکینز، ۱۹۷۸: ص ۶).

او خطامشی‌گذاری را عملی با حضور جمعی از بازیگران می‌داند، نه یک تصمیم انفرادی. خطامشی‌گذاری واژه‌ای است که با حکومت، دولت، جامعه و مسائل عمومی آن گره خورده و تداعی‌کننده اقدامات دولت در ادارهٔ درست امور عمومی است. در رویکردی که به خطامشی‌گذاری عمومی می‌پردازد، به ساختار یا رفتار بازیگران سیاسی یا آنچه دولت‌ها باید یا مجبورند انجام دهند؛ توجه چندانی نمی‌شود، بلکه کانون اصلی آن به موضوعی معطوف است که دولت‌ها واقعاً انجام می‌دهند (الوانی، ۱۳۸۷: ص ۱۹-۲۰). متفکران اولیه این رویکرد، آن را «علم خطامشی» نامیدند. به اعتقاد هاولت و همکاران (۲۰۰۹) در بسیاری از تعاریف خطامشی‌گذاری، تلاش بر این است که محققان، این ایده را القا کنند که خطامشی‌گذاری، فرآیندی فنی - سیاسی است که از تعیین و انطباق اهداف و ابزارهای موجود در میان فعالان اجتماعی شکل می‌گیرد (هاولت، رامش و پرل، ۲۰۰۹: ص ۴-۷). نویسندگان مدیریت و علوم سیاسی، خطامشی عمومی را به گونه‌های مختلف تعریف کرده‌اند؛ اما به طور کلی می‌توان گفت: خطامشی عمومی، تصمیم دولت یا حکومت در مواجهه با یک موضوع، چالش یا یک مسئله‌ای عمومی است. همان‌طور که هدف‌ها، نتایج مورد انتظار را مشخص می‌کنند و برنامه‌ها، راه رسیدن به آن‌ها را روشن می‌سازند؛ خطامشی‌ها راهنمای عملند و اولویت‌ها، بایدها و نیایدها را معین می‌کنند. خطامشی عمومی همچنین نشان دهنده خطوط کلی در فعالیت‌ها و اقدامات بخش عمومی است (الوانی، ۱۳۸۷؛ الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۳ و تسلیمی، ۱۳۹۲؛ هاولت، رامش و پرل، ۲۰۰۹؛ گیورگیان و ربیعی، ۱۳۸۱ و قلیپور و غلامپور، ۱۳۸۹).

«خطمشی‌گذاری مهدوی» را می‌توان چنین تعریف کرد:

خطمشی‌گذاری مهدوی فرایند آمایش مسائل اساسی و عمومی امت واحد، تدوین خطمشی‌های مشروع و سعادت‌بخش بر اساس حکمت عملی و خردسالاری مبتنی بر آموزه‌های وحیانی، اخلاق و مشارکت‌اجتماعی است و به واسطه کارگزاری که اجتهاد مدیریتی دارند؛ اجرا و ارزیابی می‌شود.

در این تعریف، چند نکته حائز اهمیت است: اولاً، خطمشی‌گذاری با مطالعه مشکلات و جستار دقیق بر مسائل فطری و حیات طبیعی «امت واحده» آغاز می‌شود. این مسائل از طریق مشارکت عامه، علم امام معصوم، خردمندی کارگزاران و روش‌های دیگر، قابل احصا و تبیین خواهد بود؛ ثانیاً، خطمشی‌های وضع شده، تماماً مشروعیت الهی دارند؛ زیرا از ناحیه امام معصوم کنترل و هدایت می‌شوند. امت، تنها مقبولیت آن را مشخص می‌کند و همچون عبد مؤمن به اجرای آن رضایت می‌دهد. این خطمشی‌ها، توحیدی است و با هدف افزایش سطح رفاه و سعادت‌بخشی امت واحد وضع می‌شوند؛ سعادت‌ی که هم زندگی دنیوی آن‌ها را با کمال و سرخوشی همراه می‌سازد و هم حیات اخروی شان را؛ ثالثاً تمامی تصمیم‌گیری‌ها و خط-مشی‌گذاری‌های خرد و کلان، خردمندان و دانش‌بنیان خواهد بود. تصمیماتی که بر علم امام، خردمندی و مقام فرقان کارگزاران و مشارکت عمومی استوار است؛ رابعاً، در همه مراحل خط-مشی‌گذاری، اصالت با مجریانی است که صاحب علم، تقوا، بصیرت، سعه صدر، شجاعت و در یک کلام دارای اجتهاد اجرایی هستند. وجود این کارگزاران، به اجرای موفقیت آمیز خط-مشی‌ها و پس از آن، به ارزیابی و نظارت دقیق‌تر بر آن‌ها کمک خواهد کرد. با توجه به یافته‌های این پژوهش پیشنهادهایی قابل طرح است.

۲. مدل‌های خطمشی‌گذاری عمومی

تصمیم‌گیرندگان در فرایند خطمشی‌گذاری، کوشش می‌کنند با استفاده از مدل‌های مختلف به راه‌حل مطلوب دست یابند و آن را به سادگی مورد آزمون قرار دهند. مدل‌های خطمشی‌گذاری تقریباً در تمامی منابع موجود (داخلی و خارجی) به صورت مشابه ذکر شده‌اند. مثلاً هاوالت و همکارانش (۲۰۰۹)، به‌طور کلی مدل‌ها را به چند دسته، شامل مدل‌های «عقلایی»، «تدریجی» و «سطل زباله» تقسیم‌بندی می‌کنند (هاوالت، رامش و پرل، ۲۰۰۹: ص ۱۴۲-۱۵۸). الوانی و شریف زاده (۱۳۹۳). مدل‌ها را در قالب استعاره خطمشی بیان



می‌کنند. مثلاً خط‌مشی‌گذاری به مثابه یک «بازده نهادی» (مدل نهادی)، خط‌مشی‌گذاری به مثابه «فعالیت سیاسی» (مدل فرآیندی)، خط‌مشی به مثابه «کسب حداکثر منافع اجتماعی» (مدل عقلایی)، خط‌مشی‌گذاری به عنوان «انتخابی عقلایی در شرایط رقابتی» (مدل نظریه بازی‌ها) (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۳: ص ۱۹-۶۳) (الوانی، ۱۳۸۷: ص ۴۲-۸۶). توماس دای (۲۰۱۳) در کتاب «درک سیاست‌گذاری عمومی»، مدل‌های خط‌مشی‌گذاری عمومی را از منظر مدل‌هایی همچون «نهادگرایی»، «فرآیندی»، «تغییرات تدریجی»، «گروهی»، «نخبگان» و «نظریه بازی‌ها» مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است (دای، ۱۹۷۹: ص ۳۲-۱۵). قلیپور و غلام‌پور آهنگر (۱۳۸۹) در ذکر انواع مدل در کتاب خود با عنوان «فرایند سیاست‌گذاری عمومی در ایران»، به بررسی مدل‌هایی، نظیر «تعقل‌گرایی»، «رضایت‌بخش»، «ترکیبی» و «تغییرات تدریجی» پرداختند (قلیپور و غلام‌پور، ۱۳۸۹: ص ۸۱-۹۱). لستر و استوارت (۱۳۸۰) در کتاب «فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی؛ رویکردی تکاملی»، به بررسی مدل‌ها و مطالعات خط‌مشی‌عمومی پرداختند. آن‌ها مدل‌های نخبه‌گرایی و جامعه مرکب را تحلیل کرده‌اند (لستر و استوارت، ۱۳۸۰: ص ۵۹-۸۲). الماسی (۱۳۹۳) نظریه‌ها و مدل‌هایی، نظیر «نظریه خواص»، «نظریه انتخاب منطقی» و «نظریه نظام» را معرفی کرده است (الماسی، ۱۳۹۳: ص ۸۱-۱۱۰). دانش‌فرد (۱۳۹۳) نیز به بیان مدل‌های مختلفی، نظیر «مثلث آهنین»، «خوشه‌های قدرت»، «پادشاه و پادشاه‌سازان» پرداخته است (دانش‌فرد، ۱۳۹۳: ص ۵۲-۷۱).

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با رویکردی «آمیخته» (کیفی و کمی) و ماهیتی «اکتشافی» انجام پذیرفته است. برای این پژوهش که در دو فاز متوالی انجام شده است؛ در فاز نخست (کیفی) تکنیک نظریه‌پردازی داده بنیاد، برای تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفته است و در فاز بعدی (کمی) از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری برای تأیید و برازش مدل پارادایمی فاز نخست، استفاده شده است. مهم‌ترین ابزارهای این پژوهش، مصاحبه‌های ساختاریافته از هیجده تن از خبرگان در فاز کیفی و پرسشنامه محقق‌ساخته در فاز کمی می‌باشد. برای مصاحبه از هفت سؤال که منبعث از مطالعه ادبیات تحقیق بوده و به تأیید خبرگان رسیده بود؛ استفاده شده است. نتایج تحقیق به منظور پاسخ به سئوالات به شکل‌گیری مدل خط‌مشی-گذاری موعودگرا منجر گردیده که تحت آن مفهوم‌شناسی خط‌مشی، فرایند خط‌مشی‌گذاری و

شکل حکومت (سؤال ۱)، مسئله‌شناسی در خطمشی‌گذاری (سؤال ۲)، شکل سازمان‌ها و بوروکراسی اداری (سؤال ۳) و سبک حل مسئله، خطمشی‌گذاری و تصمیم‌گیری (سؤال ۴)، مطرح شده است. همچنین در قسمت بعد شاخص‌های ارزیابی گزینه خطمشی‌ها (سؤال ۵)، روش‌های اجرایی خطمشی‌گذاری (سؤال ۶) و راهبردهای ایجاد قرابت به عصر ظهور و بسترسازی آن در (سؤال ۷) مطرح شده است. از مدل پارادایمی، ۵۳ سؤال به صورت پرسشنامه بسته با طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت طرح شده است که جهت تأیید نهایی مدل ساختاری مرحله کیفی، به ۱۷۸ نفر از استادان مدیریت، مدیریت اسلامی، آینده‌پژوهی و خطمشی‌گذاری؛ استادان حوزوی با تخصص آینده‌پژوهشی دینی و مهدویت و مجریان و خطمشی‌گذاران در قوه مقننه و شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت علوم، به روش نمونه‌گیری نظری (نظریه داده‌بنیاد)، مراجعه شده است. تعداد مشارکت‌کنندگان در فاز کیفی، هیجده نفر از خبرگان و صاحب‌نظران شناخته‌شده و در دسترس از حوزه‌های تخصصی خط-مشی‌گذاری، مهدویت و آینده‌پژوهی بوده که این افراد به روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شده‌اند. به این ترتیب که از افراد مطلع خواسته می‌شد، برای مصاحبه‌های بعدی، افراد متخصص و آشنا به موضوع این تحقیق را معرفی کنند. به این ترتیب از این تعداد شش نفر از مشارکت‌کنندگان جزء خطمشی‌گذاران و یا استادان حوزه خطمشی‌گذاری عمومی، هشت نفر جزء متخصصان حوزه مهدویت و چهار نفر آینده‌پژوهی دینی با تخصص مدیریت اسلامی و آینده‌پژوهی مهدوی هستند. در خلال مصاحبه در پانزدهمین نفر به اشباع نظری رسیده‌ایم. در جدول زیر شماره مصاحبه‌شوندگان و گروه مربوط به هر کدام نشان داده شده است:

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان

گروه مشارکت‌کننده	شماره مصاحبه	مدت مصاحبه (دقیقه)
متخصصان حوزه آینده‌پژوهی و مدیریت اسلامی	۲-۴-۵-۱۲	۳۷۶
متخصصان و پژوهشگران خطمشی‌گذاری	۱۰-۷-۸-۱۳-۱۴-۱۸	۵۱۰
متخصصان حوزه مهدویت	۱-۲-۳-۶-۱۱-۱۵-۱۶-۱۷	۵۶۸

مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی در نرم‌افزار Atlas.ti انجام پذیرفته است و برای اعتباریابی نتایج با توجه به دیدگاه‌های گل‌افشانی (۲۰۰۳)؛ جانسون (۱۹۹۷) و پاتون (۲۰۰۲)

از سه روش کثرت‌گرایی شامل «کثرت‌گرایی در شیوه». (بازآزمون روش اجرای کار)، «کثرت‌گرایی در پژوهشگر» (آزمون قابلیت اطمینان بین کدگذاران) و «کثرت‌گرایی مشارکت‌کننده» (استفاده از مصاحبه‌شوندگان جدید برای آزمون قابلیت اطمینان مدل) برای تأیید اعتبار مدل کیفی پژوهش حاضر بهره‌گیری شده است. به‌منظور اعتبار کثرت‌گرایی در مشارکت‌کننده، فرایند پژوهشی و پروتکل اجرای تحقیق به صورت کامل برای پنج نفر از افراد جدید و با ویژگی‌های مشابه تکرار شد و نتایج مشابهی به دست آمد. برای محاسبه درصد اعتبار بازآزمون پژوهش در بین مصاحبه‌شوندگان جدید، گُدهای مشخص‌شده در دو آزمون با هم مقایسه شدند (۸۶٪ نمره اعتبار بازآزمون شده است). برای محاسبه پایایی بازآزمون روش اجرای کار، از بین مصاحبه‌های انجام‌گرفته چند مصاحبه به عنوان نمونه انتخاب گشته و هرکدام از آن‌ها در فاصله زمانی کوتاه و مشخص دوباره کُدگذاری می‌شود. سپس گُدهای مشخص‌شده در دو فاصله زمانی برای هرکدام از مصاحبه‌ها با هم مقایسه می‌شوند. عدد ۸۳٪ برای نمره پایایی بازآزمون نشان از اعتبار بالای فاز کیفی است.

برای محاسبه پایایی مصاحبه با روش توافق درون موضوعی دو کدگذار (ارزیاب)، از یک دانشجوی مقطع دکتری مدیریت درخواست شد به عنوان همکار پژوهش (کدگذار) در پژوهش مشارکت‌کند و سپس آموزش‌ها و تکنیک‌های لازم به منظور کُدگذاری مصاحبه‌ها به ایشان انتقال داده شد. سپس محقق به همراه این همکار پژوهش، سه مصاحبه را کُدگذاری کرده و درصد توافق بین کُدگذاران که به عنوان سومین شاخص اعتبارسنجی تحلیل به کار می‌رود. نمره حاصل (۸۵٪) نشان از پایایی مناسب این روش می‌باشد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه و با توجه به تعداد نمونه (زیر ۲۰۰ نفر) از مدلسازی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی در نرم افزار Smart.Pls استفاده شده است. همچنین برای تعیین اعتبار ابزار پرسشنامه محقق ساخته در فاز کمی، از تحلیل عاملی اکتشافی بهره‌گرفتیم که نتایج گویای اعتبار مناسب تمامی گویه‌های پرسشنامه است و تمامی اعداد حاصل از تحلیل عاملی ۵۳ سؤال پرسشنامه، بیش از ۰/۴ بوده است.

۱. یافته‌های پژوهش

فاز کیفی (مدل پارادایمی)

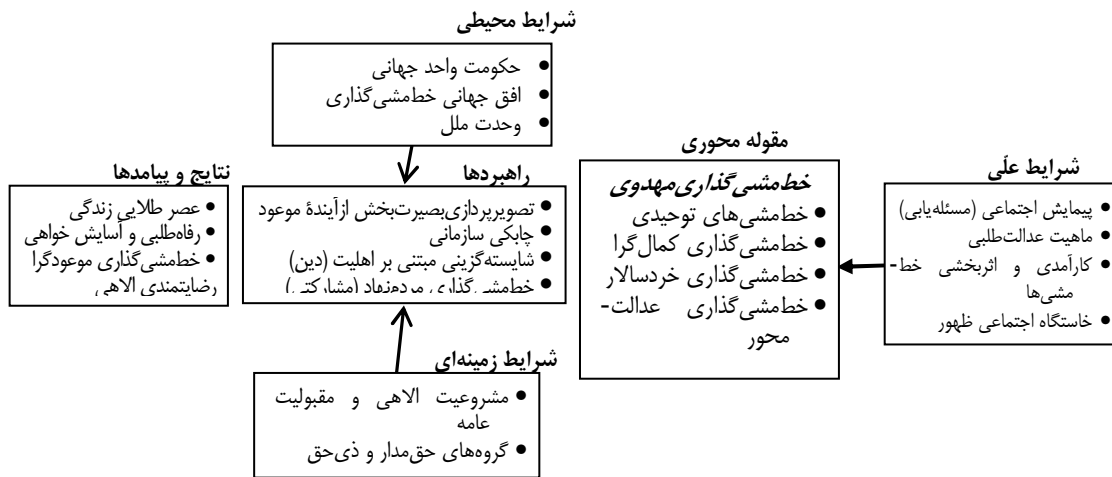
داده‌های مصاحبه‌ها، به دقت مطالعه، بررسی و تحلیل شد. در مجموع، فراوانی کل واژه‌های به‌کاررفته در ۱۸ مصاحبه پژوهش برابر ۲۵ هزار و ۸۱۵ واژه بود. با استفاده از امکان سنجش فراوانی واژگان که در نرم‌افزار (Atlas. ti) وجود دارد؛ فراوانی واژه‌های به‌کاررفته در مصاحبه‌های پژوهش اندازه گرفته شده است. در ادامه به داده‌هایی که مشابه یکدیگر بودند، مفاهیمی متناسب اختصاص داده شده است. به عنوان مثال با بررسی نقل‌قول زیر، مفهوم «خطمشی‌گذاری توحیدی (متعالی) و حاکمیت آموزه‌های دینی» استخراج شدند:

در بحث مهدویت تأکید بر این است که اساس حاکمیت بر آموزه‌های دینی شکل می‌گیرد. بنابراین، قطعاً یک حکومت دینی خواهد بود و فاکتورهایی که در آن لحاظ می‌شود، تماماً فاکتورهای دینی است. نه فقط اسلام که بحث مهدویت را مطرح می‌کند، بلکه اغلب کسانی که جامعه‌ای آرمانی و موعود را بشارت می‌دهند، محوریت آن جامعه و اداره و مدیریت آن جامعه را بر عهده یک رهبر دینی گذاشتند و آن را به عنوان محور مدیریت و حاکم جامعه معرفی کرده‌اند. ما معتقد هستیم که اصرار در خطمشی‌گذاری این نظام، بر پابندی به آموزه‌های وحیانی است.

در نقل‌قول مذکور، از اشارات پاسخ‌دهنده در مورد نوع حکومت، و سیستم تصمیم‌گیری و خطمشی‌گذاری آن، برچسب «خطمشی‌گذاری توحیدی» استخراج شده است. بقیه مفاهیم طبق همین روال استخراج شده‌اند. پس از بررسی داده‌ها، برچسب‌زنی به رویدادها و وقایع و سپس استخراج مفاهیم؛ هریک از این مفاهیم با یکدیگر مقایسه شدند تا شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان مشخص شود. این کار برای تشکیل مقوله‌ها صورت پذیرفت. به عنوان مثال، محقق با مقایسه مفاهیم مختلف، دریافت که مفاهیم «خطمشی‌گذاری اطلاعات محور» و «خطمشی-گذاری غیرشهودی و عقلایی» به یک چیز اشاره دارند؛ این که خطمشی‌گذاری حکومت‌های اسلامی در آینده موعود به سازکارها و رویه‌هایی نیازمند است که فراگرد خطمشی‌گذاری را طوری تنظیم کند که تصمیم‌گیری و خطمشی‌گذاری اصولی و دانش‌بنیان، جای خطمشی-های سلیقه‌ای و نامطمئن را بگیرد. با توجه به این مطلب، محقق از هر دو مفهوم مذکور، مقوله «خطمشی‌گذاری خردسالار» را استخراج کرده است. این مفهوم، در سطح بالاتری از

مفاهیم مذکور است و هر دو مفهوم مذکور را پوشش می‌دهد. دیگر مقوله‌ها نیز به این‌گونه استخراج شده‌اند. در مجموع ۲۳ مقوله، ۶۷ مفهوم و ۱۵۹ کد اولیه شناسایی و استخراج شده‌اند.

با استفاده از رویکرد نظریه‌ زمینه‌ بنیاد، مقوله محوری در نظریه خطامشی گذاری حکومت- اسلامی در آینده موعود، شرایط علی، شرایط مداخله‌گر (محیط دور)، شرایط زمینه‌ای (محیط نزدیک)، راهبردها و پیامدهای ناشی از این راهبردها شناسایی شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها، طی سه مرحله کدگذاری باز (خلق مفاهیم و مقوله‌ها)، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی (خلق نظریه) انجام گرفت. با تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه، در پژوهش حاضر چارچوب مدل خطامشی گذاری حکومت اسلامی در جهت آینده موعود استخراج گردید. در این چارچوب، مقوله «خطامشی گذاری مهدوی» شامل خطامشی گذاری «توحیدی»، خطامشی گذاری «کمال‌گرا»، خطامشی گذاری «خردسالار» و خطامشی گذاری «عدالت‌بنیان» به عنوان مقوله محوری در نظریه فرایند خطامشی گذاری حکومت موعود در نظر گرفته شد. دلیل انتخاب این مقوله‌ها، به عنوان مقوله محوری این است که به راحتی می‌توان مشاهده کرد که به نوعی در تمامی مصاحبه‌ها، رد پایی از این مفاهیم دیده می‌شود. به دیگر سخن، اغلب مشارکت-کنندگان اشاره کردند که خطامشی گذاری ناب که در این‌جا به «خطامشی گذاری مهدوی» تعبیر می‌شود؛ روش‌ها و سازکارهای متفاوتی دارد که بعضاً با فراگرد فعلی خطامشی گذاری در حکومت‌های اسلامی متفاوت است. عدالت‌محوری، کمال‌جویی، خردسالاری و دیدگاه توحیدی خطامشی گذاری مهدوی را از سیستم خطامشی گذاری فعلی متمایز می‌کند. بنابراین، این مقوله «خطامشی گذاری مهدوی» و زیرشاخه‌های آن را می‌توان به عنوان مقوله محوری برگزید، تا جامعیت و ظرفیت انتزاعی‌تر بودن آن، برجستگی برای دیگر مقوله‌ها باشد.



شکل ۱: مدل پارادایمی خطمشی گذاری در حکومت واحد جهانی (اتوپای اسلامی)

۲. فاز کمی پژوهش (برازش مدل)

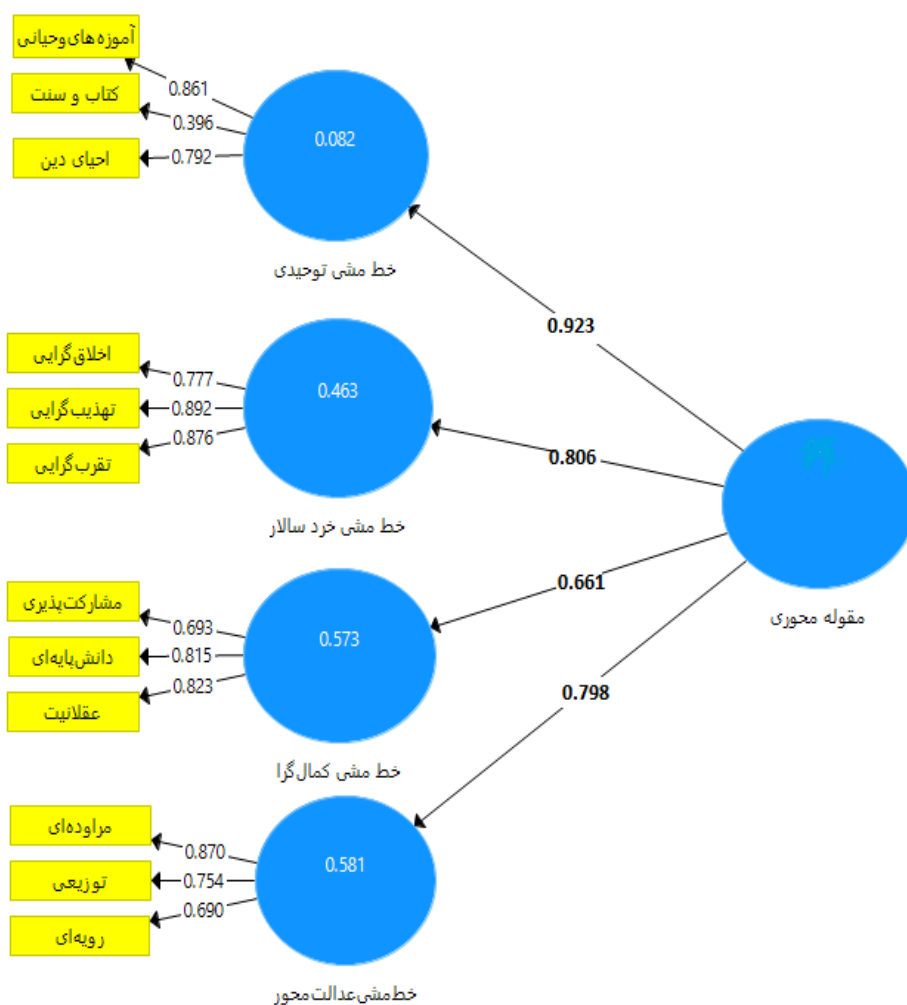
در این مرحله پرسشنامه‌ای تهیه شده و پس از توزیع و جمع‌آوری آن، به تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته ایم. فرضیه‌های اصلی که به دنبال پاسخ به آن‌ها هستیم، این است که اولاً، هر کدام از مقوله‌ها (شرایط علی، مقوله اصلی، شرایط زمینه، شرایط محیطی، راهنماها و نتایج) با یکدیگر چه ارتباطی دارند و ثانیاً، ارتباط هر کدام از مؤلفه‌ها در درون هر مقوله چگونه است. برای این کار از ۵۳ سؤال پرسشنامه، با توجه به مدل پارادایمی پنج فرضیه مختص ارتباط بین مقوله‌ها است و ۲۳ فرضیه با توجه به تعداد مفاهیم مربوط به ارتباط مفاهیم گنجانده شده که در شش مقوله اصلی مطرح شده است. در جدول (۵) نمونه‌ای از نتایج برازش مدل و همچنین اعداد بارهای عاملی اکتشافی مشاهده می‌شود:

جدول ۵. خلاصه نتایج برازش اندازه‌گیری مقوله اصلی و بارهای عاملی آن

کیفیت مدل	روایی همگرا (AVE)	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ	بارهای عاملی	معرفها	متغیر مکنون
				۰/۸۹۶	TP ₁	
۰/۶۲۹	۰/۸۱۱	۰/۸۵۷	۰/۹۰۶	۰/۸۲۷	TP ₂	خطمشی گذاری
				۰/۸۴۷	TP ₃	توحیدی
				۰/۸۱۱	TP ₄	
۰/۴۱۱	۰/۸۱۲	۰/۷۹۲	۰/۸۴۱	۰/۸۰۹	RP ₁	خطمشی گذاری

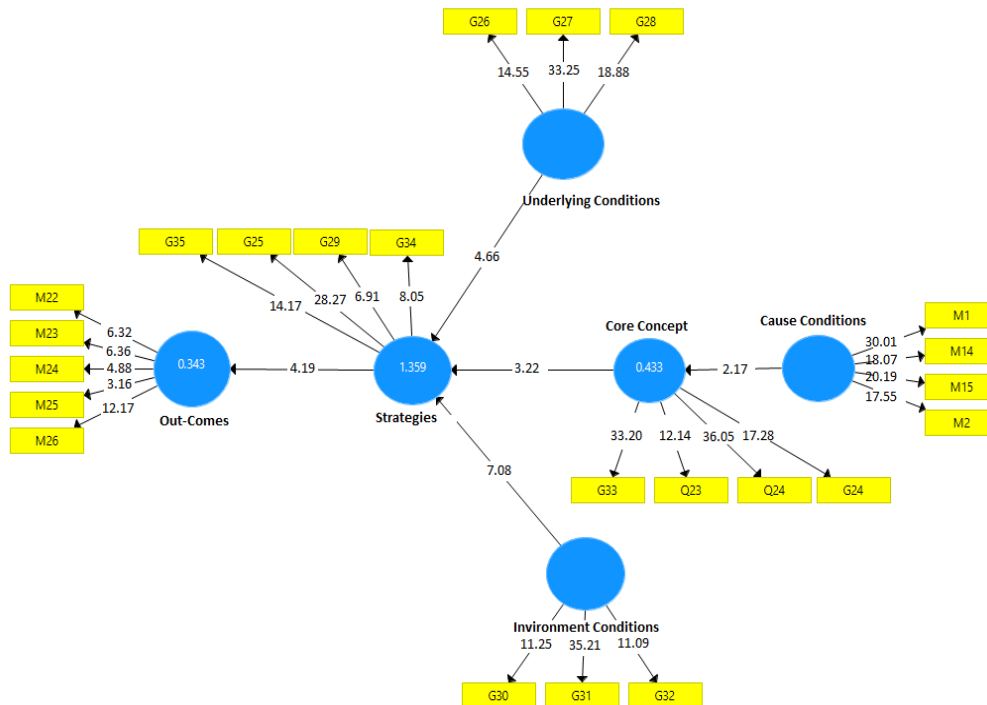
خردسالار	RP ₂	۰/۸۵۷				
	RP ₃	۰/۸۴۱				
	RP ₄	۰/۸۷۲				
خطمشی گذاری کمال گرا	EP ₁	۰/۸۰۷				
	EP ₂	۰/۸۲۳	۰/۸۰۵	۰/۸۹۷	۰/۸۱۵	۰/۵۰۷
	EP ₃	۰/۸۷۹				
خطمشی گذاری عدالت محور	JP ₁	۰/۸۱۲				
	JP ₂	۰/۸۲۴				
	JP ₃	۰/۸۲۷	۰/۷۹۸	۰/۹۲۰	۰/۷۴۱	۰/۴۲۱
	JP ₄	۰/۸۵۳				
	JP ₅	۰/۸۷۱				

در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود که کلیه شاخص‌های برآزش مقوله اصلی، به‌خوبی برآورده شده‌اند. با توجه به این که بارهای عاملی معنادار هستند (مقادیر بالای ۰.۵) و همچنین میانگین واریانس استخراج شده از ۵٪ بزرگ‌تر است و پایایی ترکیبی نیز از میانگین واریانس استخراج شده بزرگ‌تر است؛ می‌توان نتیجه گرفت که روایی افتراقی برقرار است. کیفیت مدل نیز با توجه به مقادیر بزرگ‌تر از صفر، تأیید می‌شود.



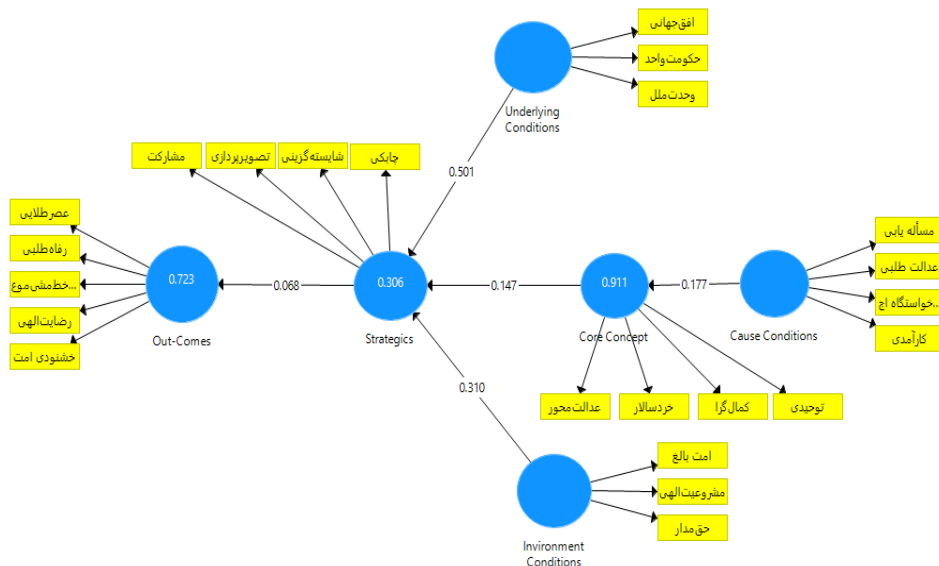
شکل ۲. سازه مقوله اصلی

نگاره ۲ نیز گویای از تأیید ارتباط مفاهیم در مقوله اصلی است. همچنین ضریب R^2 نشان از تأثیرپذیری هر کدام از این مفاهیم از مقوله اصلی دارد. خط‌مشی کمال‌گرا با ۵۷٪ ضریب اثرپذیری، بیش‌ترین تأثیر را از مقوله محوری به خود اختصاص داده است.



شکل ۳. مدل اندازه‌گیری پژوهش در حالت معناداری

همان‌طور که در نگاره ۳ قابل مشاهده است، تمامی اعداد از عدد معنادار (۱/۹۶) بیش‌تر شده است و تمامی فرضیه‌ها (ارتباط بین مقوله‌ها و ارتباط مفاهیم با مقوله‌ها) تأیید می‌شوند. در نگاره ۴ که مدل پژوهش در حالت R^2 است، ملاحظه می‌شود که ۷۲ درصد از تغییرات مقوله پیامدها و نتایج مدل پارادایمی تحت تأثیر مقوله‌های راهبردها و دیگر مقوله‌ها است.



شکل ۴. مدل اندازه‌گیری پژوهش در حالت R^2

با توجه به این که نرم افزار پی ال اس همانند سایر نرم‌افزارهای معادلات ساختاری دارای برازش نیست؛ بررسی کیفیت مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری، به منظور پی بردن به برازش مناسب مدل‌ها، لازم می‌باشد که در جدول زیر نتایج آن گزارش شده است:

جدول ۶. نتایج آزمون کیفیت مدل

ردیف	ابعاد	کیفیت مدل اندازه‌گیری	کیفیت مدل ساختاری	کیفیت کل مدل (GOF)
۱	مقوله شرایط علی	۰/۴۱	-	-
۲	مقوله محوری (اصلی)	۰/۲۸	۰/۲۲	۰/۳۶
۳	مقوله زمینه‌ای	۰/۳۲	۰/۲۴	۰/۳۷
۴	مقوله محیطی	۰/۳۸	۰/۲۵	۰/۳۹
۵	مقوله راهبردها	۰/۴۴	۰/۲۶	۰/۳۶
۶	مقوله نتایج	۰/۳۷	۰/۳۱	۰/۳۳

با توجه به جدول (۶) می‌توان نتیجه گرفت که کیفیت مدل‌های اندازه‌گیری، ساختاری و کل مدل مورد تأیید است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقادیر کیفیت مدل اندازه‌گیری و ساختاری، از صفر (مقدار استاندارد) بزرگ‌تر بوده و همچنین مقادیر کیفیت کل مدل، از ۰/۳۰ (مقدار استاندارد) بزرگ‌تر می‌باشند.

پیشنهادها

پیشنهادهای پژوهش حاضر این است که:

۱. سیستم‌های خطمشی‌گذاری کشورهای اسلامی و دولت‌ها، به سمت خطمشی‌گذاری مهدوی هدف‌گذاری شود. این نظام منطقی (خطمشی‌گذاری مهدوی) می‌تواند به مثابه طراحی سیستم خط-مشی‌گذاری مورد نظر حکومت‌های اسلامی، به ویژه ایران قرار گیرد. سیستم خطمشی‌گذاری در این کشورها، پس از بازمهندسی و بازآفرینی، باید به گونه‌ای طراحی شود که ضمن تعهد به حفظ خود، بتواند پاسخگوی شرایط و مقتضیات متفاوت باشد و هوشمندانه در سیری یادگیرنده و کمال‌جویانه، به صورت اقتضایی با شرایط مواجه شود. بدیهی است مبانی ارزشی و اعتقادی حاکم بر سیستم، از عمده‌ترین الزامات حفظ هویت آن محسوب می‌شوند. بنابراین، نظام منطقی طراحی سیستم خط-مشی‌گذاری این کشورها می‌تواند بر این الزامات مبتنی باشد.
۲. کشورهای اسلامی و حکومت‌های معتقد به مهدویت، برای دستیابی به آرمان‌های مهدوی در خطمشی‌گذاری، باید آموزه‌های وحیانی، نص صریح قرآن کریم و همچنین سنت نبوی و علوی را پایه‌های خطمشی‌گذاری خود بدانند. خطمشی‌های آن‌ها باید نشان‌دهنده حضور عینی دین در عرصه‌های اجتماعی باشد. توجه به ابعاد وجودی انسان در عرض تمرکز بر جنبه‌الاهیّت انسان موحد، تصمیم‌گیری‌ها و خطمشی‌گذاری‌های الهی را با مشارکت مردم، به تصمیمی ممتاز، سالم، بی‌عیب و متعالی تبدیل خواهد کرد که برآورنده تمامی نیازهای فطری و شئون حیات مادی امت اسلامی خواهد بود.
۳. در این پژوهش بر اساس دیدگاه خبرگان مشخص شده است که هر اندازه جامعه و امت اسلامی و در رأس آن‌ها کارگزاران و خطمشی‌گذاران حکومت اسلامی به سمت آموزه-های دینی و وحیانی گرایش یابند، خطمشی‌های کارآمدتر و اثربخش‌تری تدوین خواهد شد که به سبب انطباق آن‌ها با فطرت و نیاز اساسی جامعه، بالطبع اجرای آن نیز با کم‌ترین مشکلات مواجه خواهد شد. به سبب اخذ تصمیم‌ها و تدوین خطمشی‌های عقلایی و خردسالارانه در کشورهای اسلامی، باید فضای اطلاعاتی بسیار شفاف داشته باشیم و حکومت‌ها تلاش کنند آگاهی فردی و گروهی جامعه به مراتب افزایش یابد. در نتیجه شرایط چنین اقتضا می‌کند که کم‌تر از تصمیم‌گیری‌های شهودی و اشراقی استفاده شود و عمدتاً خردمندی و عقلانیت چراغ راه کارگزاران در حوزه خطمشی‌گذاری قرار گیرد. خطمشی‌ها زمانی کارآمد و اثربخش خواهند بود که مبتنی بر فراگرد عقلانیت پاک انسان الهی شکل گرفته باشد.

۴. خطمشی‌های کمال‌گرا در کشورهای اسلامی، باید با موازینی همچون تربیت‌گرایی، معنویت‌گرایی، اخلاق‌مداری، تهذیب‌گرایی، تقرب‌گرایی محک زده شوند. این نوع خطمشی-گذاری در حکومت‌های اسلامی گویای نوعی خطمشی‌گذاری با دیدی کاملاً نوگرایانه است. خطمشی‌های کمال‌گرا در کشورها، توجه به ابعاد وجودی انسان را لازمهٔ سیر معرفتی و حیاتی امت اسلامی می‌دانند. نشاط معنوی امت اسلامی زمانی به دست می‌آید که اخلاق و ارزش‌های کمال‌جویانه کارگزاران و تصمیم‌گیرندگان حکومت در خطمشی‌گذاری و اجرای دستورالعمل‌ها دیده شود. مناسبات حکومت اسلامی در پرتو آیندهٔ موعود می‌تواند طوری برنامه‌ریزی و اجرا شود که امت اسلامی مسئله‌ای جز رشد و تعالی خود احساس نکند و شئون مادی و حیات طبیعی خود را تنها عرصه‌ای موقت برای حرکت به سمت معارج و مدارج عالی انسانی بداند. ایجاد اشتیاق در مردم برای حرکت به سمت جامعهٔ عدل مهدوی، در پرتو تصویرپردازی ناب از جامعهٔ منتظر اتفاق می‌افتد.

۵. خطمشی‌گذاران و کارگزاران حکومت‌های اسلامی، باید تصویری واضح، روشن و محرکی از جامعهٔ موعود داشته باشند تا بتوانند معیارهای تصمیم‌گیری در عصر موعود را در جامعه کنونی خود نهادینه کنند. لذا ارائه تصویر زیبایی جامعه و شهر عدل مهدوی، در کنار معرفی سبک خطمشی‌گذاری و تصمیم‌گیری و اهداف حکومت حضرت حجت علیه السلام کمک می‌کند تا هدف‌گیری و جهت‌گیری برنامه‌ها و خطمشی‌های فعلی کشورها و دولت‌های اسلامی، به سمت مهدویت و تفکر ناب موعودگرایی آخرالزمانی سوق پیدا کند. تنوریزه کردن اصل «ولایت» و «امامت» نیز با کمک‌گیری از تصویرپردازی درست و دقیق از مدینهٔ فاضلهٔ موعود، به انقلاب فکری و تغییر نگرش به سمت خطمشی‌های ناب منجر خواهد شد.

۶. اجرای کارآمد و اثربخش خطمشی‌های حکومتی در کشورهای اسلامی نیازمند سازمان‌های چابک و پویا است. از بین رفتن کژکارکردهای بوروکراسی، حذف سازمان‌های زاید، متناسب‌سازی اندازه دولت، ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد و اقتضایی؛ همگی از ویژگی‌های حکومت مهدوی است. در نتیجه اگر بخواهیم در جهت تحقق شهر عدل مهدوی حرکت کنیم، دیگر بوروکراسی‌های عظیم‌الجثه کارایی ندارند و به جای آن، دولت‌ها باید به سمت اجرای خطمشی‌ها با ابزارهای جایگزین، نظیر سازمان‌های ادھوکراسی^۱ شبکه‌های اجتماعی، خدمات الکترونیک پیش بروند.



نتیجه‌گیری

مهم‌ترین دستاورد این تحقیق آن است که به خطمشی‌گذاران، سیاست‌مداران، مدیران، کارگزاران، خبرگان و جامعه علمی مرتبط با مسائل خطمشی‌گذاری، این نکته را یادآور می‌شود که «تفکر ناب مهدویت»، هم رویکرد و بستری بکر، ناب و الاهی برای استقرار نظام ارزش و نگرشی مدیریتی بر مبنای خطمشی‌های مهدوی است و هم مدل‌سازی خطمشی‌گذاری بر مبنای این تفکر باشد. بر اساس نتایج این پژوهش، «عدالت‌محوری» از شقوق غیر قابل اجتناب خطمشی‌گذاری حکومت‌های اسلامی مبتنی بر مهدویت است. عدالت و برابری مفهومی صرفاً انتزاعی و کلی نیست. عدالت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و جنبه‌های رفتاری آن، می‌تواند به‌طور کاملاً عینی در خطمشی‌ها و تصمیم‌گیری‌های کارگزاران متبلور باشد. «خطمشی‌گذاری کمال‌گرا»، یافته دیگر این پژوهش است. جامعه موعود قرآنی در پرتو «خطمشی‌گذاری کمال‌گرا» باید مترصد انتخاب مسیرهای مفید و مناسب در خطمشی‌گذاری باشد، تا در آن حق افراد محترم شمرده شود و امکان رشد و کمال مکارم اخلاقی برای همگان فراهم گردد. یکی از مفاهیم مستخرج در این پژوهش، مفهوم اصیل خطمشی‌گذاری از منظر «خطمشی‌های مهدوی» است. با توجه به تعریف‌های ارائه شده در متون خطمشی‌گذاری، می‌توانیم به استناد نتایج این پژوهش و رویکردهای احصا شده از خبرگان این تحقیق، تعریف خطمشی‌گذاری مهدوی را از سه منظر «معرفت‌شناسی»، «هستی‌شناسی» و «شناخت‌شناسی» ارائه کرد. از منظر «معرفت‌شناسی»، در خطمشی‌گذاری مهدوی شناخت افراد و کسب اطلاعات درباره گزینه‌های خطمشی، از طریق جستارگری فردی و مشارکت گروهی انجام می‌پذیرد. از نگاه «هستی‌شناسی»، خطمشی‌های مهدوی، خطمشی‌هایی مبتنی بر فطرت و برخاسته از متن آموزه‌های وحیانی و سنت اهل بیت علیهم‌السلام است. این خطمشی‌ها به منظور حل مسائل و معضلات مادی و اخروی مردم شکل می‌گیرد و جز به سعادت دنیا و آخرت امت اسلامی به چیزی نمی‌اندیشد و نهایتاً خطمشی‌های مهدوی از دید «روش‌شناسی»، به این مسئله می‌پردازد که چگونه پژوهشگر باید شناختنی را بشناسد.



منابع

۱. الماسی، حسن (۱۳۹۴). *فرآیند خط‌مشی‌گذاری سبزه؛ سیاست، تحلیل‌ها و انتخابات*، تهران، انتشارات سپاهان.
۲. الوانی، سیدمهدی و شریف‌زاده، فتاح (۱۳۹۵). *فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی*، تهران، انتشارات علامه طباطبایی.
۳. الوانی، سید مهدی (۱۳۸۸). *تصمیم‌گیری و تعریف سیاست‌های دولت*، تهران، انتشارات مهربان.
۴. پورعزت، علی‌اصغر (بهار و تابستان ۱۳۸۲)، «*تصویرپردازی از آینده، استراتژی اقدام در نظام‌های اجتماعی*»، سخن سمت، تهران، شماره ۱۰.
۵. پورعزت، علی‌اصغر و الوانی سید مهدی (تیر ۱۳۸۳). *مبانی منطقی طراحی سیستم خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تحقق عدالت‌حق‌مدار*، فصلنامه دانشور رفتار، شماره ۵.
۶. دانش‌فرد، کرم‌الله (۱۳۹۴). *فرآیند خط‌مشی‌گذاری*، تهران، انتشارات صفار.
۷. دانایی‌فرد، حسن و زنگویی نژاد، ابوذر (سال ۱۳۸۸). «*تئوری مدیریت شایستگی بر مبنای استراتژی داده‌بنیاد: ادراکی از نهج البلاغه*»، فصلنامه دانشور رفتار، ۱۸(۱).
۸. ساباتی، پل (۱۳۹۴). *تئوری‌های فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی*، مترجم: حسن دانایی‌فرد، تهران، انتشارات صفار.
۹. شریف‌القریشی، باقر (۱۳۸۰). *سیستم دولت و اداره حکومت در اسلام*، مترجم: عباس سلطانی، مشهد، آستان قدس رضوی.
۱۰. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. قلیپور، رحمت‌الله و فقیهی، مهدی (۱۳۹۴). «*سیاست‌ها و تحلیل خط‌مشی‌های عمومی*»، تهران، انتشارات مهکامه.
۱۲. قلیپور، رحمت‌الله و غلامپور آهنگر، ابراهیم (۱۳۹۰). *فرآیند سیاست‌گذاری عمومی در ایران*، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس.
۱۳. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.
۱۴. مقیمی، سید محمد (۱۳۹۴). *اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام*، تهران، انتشارات راه دانش.
۱۵. نبوی، سید حسن (۱۳۹۲). *مدیریت اسلامی*، قم، انتشارات بوستان کتاب.
16. Dunn, William N. (1998). "Methods of the Second Type: Coping With the Wilderness of Conventional Policy Analysis", *Policy Studies Review*, Vol (7), No (4); pp 720-737.
17. Dye, T. (2013). "Understanding Public Policy (14th ed.)", Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.

18. Fischer F. and Miller G. and Sidney (2007). "Handbook of Public Policy Analysis; Theory, Politics, and Methods", CRC Press, Boca Raton London New York.
19. Haynes, Jeffrey, (2015), "Religion, 'soft power' and foreign policy making in the USA, India and Iran", Governance and International Relations journal, 11, 4; pp 1-21.
20. Hogwood, B. W., & Gunn, L. (1984), "Policy Analysis for the Real World", Oxford, UK: Oxford University Press.
21. Howlett, M. & Ramesh, M. and Perl A. (2009), "Study Public Policy: Policy Cycles and Policy Subsystems", Ontario: Oxford University Press.
22. Inayatullah, Sohail, (2002), "Framing the shape and time of the future", Futures, 23, 465-253.
23. Jenkins, W. (1978), "Policy Analysis: Apolitical and Organizational Perspective". London: Martin Robertson.
24. Novaky, E., (2007), "Responsibility for the Future", Journal of Futures Studies, 12(2): 101 – 110.
25. O' Neill, L., J. (2004), "Faith and decision-making in the Bush presidency: The God elephant in the middle of America's living-room", Special Double Issue Journal, Vol. 6, No. 1, pp, 149-156.
26. Osborne, Stephen P. (2010), "the (New) Public Governance: A Suitable Case for Treatment? In S.P.", The New Public Governance, LONDON: Rout ledge.
27. Parsons, Kurt R. (2007), "A Study of Religouce Faith and the Ethical Decision Making Prosses", Submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Science in Leadership and Human Resource Development.
28. Sardar, Ziauddin (2010), "The Namesake: Futures; futures studies; futurology; futuristic;
29. Foresight:What's in a name?", Futures, 42, 177-184.
30. Simon, C. A. (2007), "Public Policy: Preferences and Outcomes", New York: Pearson Longman.

31. Smith, K. B., & Larimer, C. W. (2009), "The Public Policy Theory Primer", Boulder, CO: Westview.
32. Schmidt, Vivien A. (2008), "Discursive Institutionalism: The Explanatory Power of Ideas and Discourse", Annual Review Political Science, 11: pp 303-326.
33. Schwarz, J.O., (2007), "Assessing the future of futures studies in management", Futures, 18 (8), 108-131.
34. Tapio P. and Hietanen O., (2002), "Epistemology and public policy: using a new typology to analyse the paradigm shift in Finnish transport futures studies", Futures, 34, 597-620.
35. Taslimi, M. Saeed (2014), "Policy Analysis and Decision Process Analysis", Samt Publication, (in Persian).
36. Vasconcelos, A., F. (2009), "Intuition, prayer, and managerial decision-making processes: a religion-based framework", Management Decision, Vol. (47), No. (6), pp 930-949.
37. Wilson, R. (2006), "Policy Analysis as Policy Advice. In M. Moran, M. Rein & R. E. Goodin (Eds)", The Oxford Handbook of Public Policy (pp. 152-168). New York, NY: Oxford University.
38. Dye, Thomas R. (1995), "Understanding Public Policy", Eight Edition, New Jersey, Prentice Hall, Englewood Cliffs.
39. Corbin, J., & Strauss, A. (2007). Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
40. Creswell, J. (2012). Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research (4th ed.). Pearson.
41. Golafshani, N. (2003). Understanding Reliability and Validity in Qualitative Research. The Qualitative Report, 8(4), 597-607.
42. Ghoshal, Sumantra (2005), "Bad Management Theories Are Destroying Good Management Practices", Academy of Management Learning & Education, Vol. 4, No. 1, 75-91.

43. Johnson, B. (1997). Examining the validity structure of qualitative research. *Education*, 118(3), 282-292.
44. Kvale, S. (1996). *Interviews: An Introduction to qualitative research interviewing*. Thousand Oaks, CA: Sage.
45. Lincoln, Y., & Guba, E. (1985). *Naturalistic inquiry*. Beverly Hills, CA: Sage.
46. Maykut, P., & Morehouse, R. (1994). *beginning qualitative research: A Philosophic and practical guide*. London: The Falmer Press.
47. Patton, M. (2002). *Qualitative evaluation and research methods*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications, Inc.
48. Stenbacka, C. (2001). Qualitative research requires quality concepts of its own. *Management Decision*, 39(7), 551-555.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الإنتظار الموعود مجلة فصلية علمية-تحقيقية

انتظار موعود

تم وحسب الرسالة المرقمة ٦٠٦٤ والصادرة بتاريخ ١٨ / ٧ / ١٣٩٥ من قبل شوراي وهيئة إصدار التراخيص العلمية التابعة للحوزة العلمية ترقية مجلة الإنتظار الموعود وجعلها في مصاف المجلات العلمية - التحقيقية

هيئة التحرير (حسب تسلسل الحروف):

بهرزوى لك، غلام رضا

(استاذ في جامعة باقر العلوم عليه السلام)

جبارى، محمد رضا

(معيد في مؤسسة الإمام الخميني عليه السلام للتعليمية والتحقيقية)

خسروپناه، عبدالحسين

(استاذ في مركز الدراسات الثقافية والفكر الإسلامى)

رضانجاده، عز الدين

(استاذ في جامعة المصطفى عليه السلام العالمية)

رضائى الاصفهاني، محمدعلى

(استاذ في جامعة المصطفى عليه السلام العالمية)

زارعى متين، حسن

(استاذ في جامعة طهران)

شاكرى الزواردهى، روح الله

(معيد في جامعة طهران)

صفرى الفروشانى، نعمة الله

(استاذ في جامعة المصطفى عليه السلام العالمية)

كلباسى، مجتبی

(استاذ فى الحوزة العلمية)

محمد الرضائى، محمد

(استاذ فى جامعة طهران)

صاحب الامتياز:

مركز المهدوية التخصصى الحوزة العلمية قم المقدسة

المدير المسئول:

حجة الإسلام والمسلمين الشيخ محسن القرائى

رئيس التقرير:

حجة الإسلام والمسلمين الدكتور روح الله شاكرى الزواردهى

المدير الداخلى و سكرتير التحرير:

محسن رحيمى الجعفرى

المحرر:

ابوالفضل عليدوست

التنفيذ والإخراج:

رضا فريدى

مصمم الغلاف:

عباس فريدى

المترجم الإنجليزى:

زينب فرجام فرد

المترجم العربى:

ضياء الزهاوى

المواقع المعتمدة فى نشر المجلة:

www.entizar.ir

www.isc.gov.ir (ISC)

www.magiran.com

www.noormags.com

www.sid.ir

موقع مجله الانتظار الموعود

موقع علوم العالم الإسلامى

بنك المعلومات للصحف والمجلات

موقع نور للمجلات التخصصية

موقع المعلومات العلمية للتعبئة الجامعية



مركز تخصصى مهادوت

العنوان: قم المقدسة شارع الشهداء (صفائىة) زقاق آمار، مركز المهدوية التخصصى

الهاتف: ٢٥٣٧٨٤١٦٦١ - رقم الفاكس: ٢٥٣٧٧٣٧١٦٠

موقع المجلة: www.entizar.ir

البريد الإلكتروني: Entizarmagg@gmail.com

قيمت: ٥٠٠/٠٠٠ ريال

إنتهاج وخوض العملية الواقعية الإنتقادية لأجل تجسيد

وتصوير المستقبل على اساس مواصفات

وخصوصيات الحكومة المهدوية عليه السلام العادلة

^١ على اصغر بور عزت

^٢ غلام رضا كودرزى

^٣ محمد مهدى ذو الفقار زاده

^٤ مونا بارسا

من الطبيعي القول بأن «التحقيقات المستقبلية» تعتبر العنوان العام لعلم الدراسات المستقبلية وتتطرق الى معرفة مستقبلات «الممكن» و «المحتمل» و «المطلوب» للمجتمع، ويمكن اعتبار عملية «التجسيد وإيجاد الصور» هي أيضاً من فنون بلورة ورسم المستقبل وصنعه وتعمل هذه العملية على سوق وهداية المستقبل نحو الوضع المطلوب وذلك على اساس مقومات ومعطيات وبيانات وجود المدينة الفاضلة للموعد التي تم تحديد هويتها بين الأمة وذلك من خلال تجسيد الإرهاصات الماضية والحالية والمستقبلية ويتمتع هذا البحث فى الاسلام بمكانة خاصة وبالطبع وحسب العقائد الشيعية فإن المستقبل فى ظهور الإمام المنتظر هو إجابة واضحة وشفافة وجامعة للأسئلة الفطرية والاساسية التي تقفز فى ذهن الإنسان فى خصوص الحياة المطلوبة والمثالية المستقبلية وفى هذا الجانب والإتجاه يمكن أن تكون عملية التجسيد ورسم الصور مسعاً إبداعياً من أجل تصور بنية وقاعدة هادفة من خلال الإعتماد على الواقعيات والحقائق الخارجية والقيم الموجودة فى حضارة المجتمع، حيث إن الهدف الاصلى له هو بناء الوضع المطلوب لاجل إيجاد الإرادة الوطنية والأمل للحركة صوب مدينة «العدل المهدوية» وذلك فى ظل سنة «العدل المحمدى» و «حكومة» العدل العلوية ويأخذ هذا المقال على عاتقه ومن خلال إستفادته من نظرية «الواقعية الإنتقادية» وفى إطار الخطوات والصور التصويرية دراسة الآيات والروايات ذات الصلة ومن ثم التطرق الى طرح الصورة المستقبلية لمواصفات وخصوصيات حكومة العدل المهدوية عليه السلام فى ثلاثة مجالات وهى الإدارية - والتنظيمية والسياسية - الإقتصادية والثقافية - الإجتماعية .

المصطلحات المحورية: الدراسات والتحقيقات المستقبلية، الواقعية الإنتقادية، التصوير، حكومة العدل المهدوية عليه السلام .

١. أستاذ فى جامعة طهران

٢. معيد فى جامعة الإمام الصادق عليه السلام .

٣. أستاذ مساعد فى جامعة طهران .

٤. طالب فى مرحلة الدكتوراه للدراسات المستقبلية فى جامعة طهران (الكاتب المسؤل) .

شؤون

سال هجدهم / شماره ٦٢ / بايز ١٣٩٧

تحليل معرفة الاسلوب العقلي للبحوث المهدوية

حسين الهى نجاد^١

من الواضح فإن «الدراسات والتحقيقات المهدوية» والتي تعتبر الشاخص والعنوان لمجالات الدراسات العامة بحاجة ومن أجل الوصول الى الميزان والمعيار والهيكل المعرفى والمتطلبات التوعوية الى الموضوع ومعرفته والغاية ومعرفتها والمسائل ومعرفتها والاسلوب ومعرفته ومن هذا المنطلق فإن المجال المذكور لا يمكن إستغناه عن الاسلوب ومعرفته وبما إن مسائل الدراسات والبحوث المهدوية تحتوى وتتضمن من جانب معرفة الماهية ومعرفة الاصل والاساس تنوعات وإمارات خاصة فهى بحاجة لتفسير تلك التوجيهات نحو مختلف الاساليب من قبيل الاسلوب الثقلى والعقلى والتجربى والشهودى وتطرقت المقالة هذه وطبقاً للرسالة التى تم تعريفها الى طرح ودراسة اسلوب المعرفة العقلية للدراسات والبحوث المهدوية فقط وقد جرى فى بداية المقالة الى تحليل ماهو الاسلوب العقلى وتنوعاته ومن ثم بيان المبتنيات والقواعد الثلاثة للاسلوب مثل مادة الاسلوب وجه الاسلوب وطالب الاسلوب وسالكه وبعد ذلك التطرق الى بحث معرفة اسلوب العقلى للدراسات المهدوية وطرح أشكاله وصوره على بساط البحث ودراسة مصاديقه نظير الاسلوب العقلى المحض (المستقلات العقلية) والاسلوب العقلى الدمجى (غير المستقلات العقلية) مثل الاسلوب العقلى - الثقلى والعقلى - التاريخى والعقلى - الشهودى ومن ثم البحث عن كيفية إستعمالاتها وإستخداماتها واين يمكن الاستفادة منها فى مجال الدراسات والبحوث المهدوية .

المصطلحات المحورية: الدراسات المهدوية، الاسلوب، معرفة الاسلوب، الاسلوب العقلى، مسائل الدراسات والبحوث المهدوية، اسلوب الدراسات والبحوث المهدوية .



تحليل الأدلة القرآنية لنظرية التسليم المطلق لمنتظري الإمام صاحب

العصر والزمان عليه السلام من خلال محورية مسألة عصمة الأئمة عليهم السلام

١ ولى الله تقى بورفر

٢ مهدي ياكوبي

٣ رضا فقيه زاده

الموضوع الذى تبثه هذه المقالة يدور حول الدلائل القرآنية لنظرية التسليم ومعنى ذلك هو الإتيان المطلق والمحض الذى يبدوه المنتظرين فى قبال عموم الأئمة الهداة ولاسيما مولانا صاحب العصر والزمان عليه السلام وذلك من خلال محورية مسألة عصمة الأئمة الظاهرين عليهم السلام والإتيان صوب تسليم الإنسان وخضوعه أمام البارئ عز وجل والرسول الأعظم عليه السلام وتُحسب من المراتب والدرجات المتعالية للضروريات والوجبات الدينية (مرتبة الإيمان واليقين) وتعتبر مسألة التسليم أمام الأئمة الهداة مثل عملية التسليم فى قبال القرآن الكريم ومعصومية الأئمة الهداة عليهم السلام ولكن تنعكس هذه الحالة عند اهل السنّة فهم يعتقدون بأن العصمة هى وحدها من تتعلق بالأنبياء عليهم السلام فقط وذلك فى زمان نبوتهم الأمر الذى أدى الى إلتزامهم بمواقف مختلفة قبال امر الطاعة وبالنتيجة عدم التسليم فى اقوالهم وافعالهم فى مقابل الأئمة عليهم السلام فى الوقت الذى نجد فيه بأن هذا الأمر يتناقض مع صريح الآيات القرآنية ويعتمد هذا البحث على الاسلوب التوصيفى وتحليل المضمون الكيفى ويصل وبعد بيان ماهية وحقيقة التسليم ومراتب المتطلبات والضروريات الدينية والأدلة القرآنية الواردة فى خصوص التسليم قبال الأئمة الهداة عليهم السلام وعصمتهم الى نتيجة مفادها: وهى كون التسليم والطاعة المطلقة فى قبال الإمام المعصوم عليه السلام فى كل عصر يعد من باب «كلهم نور واحد» ومن الضروريات الدينية والعقلية وبالتالي عدم تحقيق الإيمان الواقعى من دون ذلك. المصطلحات المحورية: التسليم، قبال، الأئمة الهداة عليهم السلام، الإمام صاحب العصر عليه السلام مسألة العصمة .



١. أستاذ مساعد فى قسم العلوم والمعارف الإسلامية - جامعة قم .

٢. أستاذ مساعد فى جامعة العلوم والمعارف القرآنية - قم .

٣. دكتوراه فى التفسير المقارن من جامعة العلوم والمعارف القرآنية - قم، (الكاتب المسؤول).

تحليل تطبيقات عقيدة الموعود ودورها في إيجاد التقارب والتلاحم في الأديان الإبراهيمية

مهراب صادق نيا^١

محمد مهدي لطفی^٢

تعانى الأديان في عالمنا المعاصر من تحديات مشابهة نسبياً وينبغي إيجاد الحلول الناجعة وذلك من أجل تجاوزها . وبطبيعة الحال فإن عملية التقارب بين الأديان يمكنها وعلى الرغم من وجود الاختلافات والتقاطعات الفكرية والعملية من العبور من كل تلك التحديات وتعبيد طريق ذلك ومن هنا تعتبر عملية دراسة العوامل والأرضيات والآليات التي يمكنها الوصول الى ذلك التقارب من الضروريات القصوى . وتم الاستفادة في هذه المقالة من اسلوب تحليل المضمون وقد جرى الإعتماد ومن خلال الرجوع الى النصوص المقدسة للأديان الإبراهيمية وتوصيف وتحليل تعاليم عقيدة الموعود وكذلك الكشف عن النقاط المشتركة لتكون القاعدة التي تستند عليها عملية التقارب وتم طرح إنموذج للتقارب الإبراهيمي وذلك على اساس عقيدة الموعود ويوجد فيها وطبقاً لهذا الإنموذج قضيتين وعنصرين مشابهيين وهما المستقبل المطلوب والوضع غير المنظم الموجود وقد أخرج هذان العنصران عقيدة الموعود في الأديان الإبراهيمية من «فكرة» ومن كونها عقيدة مطلقة وتبديلها الى «خطاب» وبنية تحتية من أجل النشاطات والفعاليات الإجتماعية لأتباع هذه الأديان وقد تؤدي عملية الإيمان بعقيدة الموعود في هذا الخطاب الى كشف الرؤى والإتجاهات والإجراءات التقاربية لدى أتباع هذه الأديان وبالتالي تكون نتيجته حصول حالات التقارب والإنسجام .

المصطلحات المحورية: عقيدة الموعود، المستقبل المطلوب، الوضع غير المنظم الموجود،

خطاب عقيدة الموعود، تقارب الأديان الإبراهيمية .



١. أستاذ مساعد في قسم الأديان الإبراهيمية في كلية الأديان والمذاهب - قم المقدسة.

٢. دكتوراه في الالهيات المسيحية، كلية الأديان والمذاهب - قم المقدسة، (الكاتب المسؤول).

التطبيقات الإجتماعية للرؤية المهدوية فى مجال الأمن والدفاع

محمود ملكى راد^١

لا يختلف اثنان بان دعم وتقوية المجالين «الدفاعى» و «الأمنى» يعدان من العناصر المهمة والأساسية لزيادة قدرات الدول ودينامياتها الحركية وهناك عوامل مختلفة تدخل فى إستمرار وإستقرار الأمن وتقوية الروح الدفاعية فى الناس وبطبيعة الحال فإن ترسيخ العقائد والتعاليم الدينية هى من العناصر الفعالة والمهمة فى عملية زيادة الروحية الدفاعية عند الأمة وتلعب وبناءاً عليها دوراً مهماً فى تثبيت الأمن والإستقرار . وفى هذا المضمار فإن «الرؤية المهدوية» وبعنوان كونها واحدة من التعاليم الأساسية للدين الإسلامى الحنيف لها استعمالات وقابليات وتطبيقات فى زيادة عملية الأمن والدفاع عن النظام الإسلامى ويمكن أن يوجد الإستعمال والتطبيق الإجتماعى للعقيدة المهدوية فى مجال الدفاع والأمن دراسات وتحليلات فى مجالات شتى من قبيل النظام الإجتماعى والوفاق والتضامن الإجتماعى وتقوية العلاقات الإجتماعية وتقوية القابليات والقدرات الإجتماعية ومن هنا فإن واحدة من أهم النتائج التى خرج بها هذا البحث هو إظهار وإبراز القدرات والقابليات لرؤية المهدوية فى مجال الدفاع والأمن وذلك عن طريق «بيان وشرح الإستعمال والتطبيق الإجتماعى» لها فى إيجاد الضوابط والتشريعات والوفاق والإنسجام وتقوية العلاقات والقدرات الإجتماعية . ومن أهم الأساليب والآليات لهذه الرؤية فى تلك المجالات هى عبارة عن: زيادة قدرة وقوة العقائد الدينية، لاسيما عقيدة الإمامة وإيجاد قراءات القيم الإخلاقية المشتركة وإيجاد العلاقات والإرتباطات العاطفية لدى الناس، وإيجاد الإتحاد والهوية الواحدة بين الأقسام والثقافات الفرعية وإيجاد حالة الإعتماد والثقة المتبادلة العامة التى تنشئ عادة من تقوية القيم والتمسك بالقواعد والأسس الأخلاقية .

المصطلحات المحورية: المهدوية، الدفاع، الأمن، الإجتماعى، الوفاق، العلاقات الإجتماعية، القدرات والقابليات الإجتماعية .



سال هجدهم / شماره ٤٢ / بايز ١٣٩٧

١. أستاذ مساعد فى معهد العلوم والثقافة الإسلامية .

إنموذج ونمط السياسات والخطوط العريضة للحكومة الإسلامية:

تجسيد لمقومات وشرح (المدينة الفاضلة)

لحكومة الموعود العالمية الواحدة

رحمان الغفارى¹

تعتبر «السياسات» فى الواقع هى من تمتلك معايير ترسيم وتجسيد صورة الحكومات وجواذبها ومؤثراتها وتقع بشدة تحت تأثير شكلها وماهيتها، والمسألة التى تتناولها هذه المقالة هى «وجود حالات التناقض والتباين بين السياسات الفعلية للحكومات الإسلامية مع قدوات العقيدة الإسلامية ومثلها» وإعتمدت المقالة فى كتابتها على الأسلوب «التركيبى» وتم إجراء وبعد تجميع المعطيات والبيانات فى الوهلة الأولى (الكيفية) والقيام بالمطالعات والقراءات والدراسات للأدبيات والنصوص الروائية والدينية لقاءات شبه منظمة مع ثمانية عشر من المختصين والنخب فى مجال رسم السياسات ومجال المهدوية التخصصية ومن ثم استخراج إنموذج البحث والتحقيق وذلك بعد الاستفادة من تقنية نظرية المعطيات والبيانات فكان المخزون العلمى والمعرفى المحورى للإنموذج المتعالى هو السياسات المهدوية وقد كانت السياسات التوحيدية والحكمة والعقلانية والكمال والعدالة جزء من ذلك المخزون وهذا ماظهرت النتائج التى خرج بها البحث وكانت من ثمارات هذا الإنموذج هو معطيات وقراءات من قبيل رضا البارى عز وجل والأمة والرفاه والامن والعصر الذهبى للحياة وكذلك فقد كانت عناصر الحكومة العالمية الواحدة ووحدة الشعوب والمشروعية الإلهية والمقبولية العامة والأمة الناضجة هى من العوامل التى تلعب دوراً فى التأثير على الاستراتيجيات والسياسات وايضاً فقد أشارت النتائج الى قيمة الإنموذج الذى تم طرحه وتقديمه . ولاشك فإن التطرق الى بحث السياسات هذا يفتح الآفاق على مصرعيها فى الخوض فيه وذلك نظراً للضروريات الملحة لعصر الظهور .

المصطلحات المحورية: السياسات المهدوية، السياسات التوحيدية، السياسات الكمالية، سياسات العدالة الاساسية، السياسات العقلانية .



١. أستاذ مساعد فى قسم الإدارة الحكومية، الجامعة الحرة مدينة سارى .

A Model of Policy Making in an Islamic Government: Drawing a Picture (Prospection) from the Utopia in the Promised Unified World-wide Government

Rahman Ghafari¹

“Policies” are actually the illustrator of the faces of the governments and are greatly influenced by the form and nature of governments. The main issue of this research is the “presence of the distinction between the current policies in the Islamic countries and their Islamic ideal model”. The methodological approach of this research is “mixed”. To collect data in the first phase (qualitative), after studying the narrative and religious literature, semi-structured interviews have been conducted with the participation of eighteen policy-makers and experts in the field of Mahdism and the paradigm model of this research has been extracted using the data-base theory technique. The central subject of the paradigm model is the Mahdavi policy making. The results show that monotheistic, rationalistic, perfectionist, and justice-based policies are the central issues and the outcomes such as the satisfaction of God and the people (Ummah), welfare, security and the golden epoch of life are the results of this model. Moreover, the unified world-wide government, nations’ unity, divine legitimacy, popular acceptability and the mature nation are the influential factors in the strategies. Additionally, the results show the confirmation and conformity of the presented model. Addressing the issue of policy making, with respect to the demands of the Appearance era is among the knowledge increasing aspect of this research.

1. Assistant Professor at the Faculty of Public Administration at Azad University-Sari Branch.

Social Functions of Mahdism Thought in Security and Defense

Mahmoud MalekiRaad¹

Strengthening the two fields of “defense” and “security” are considered as the important elements for the empowerment of countries. Various factors contribute to the continuity and sustainability of security and the strengthening of defensive spirit in the people. Consolidating the beliefs and teachings of the religion as an important element in strengthening the defensive spirit of the people consequently play an important role in stabilizing the security. In this regard, the “Mahdism thought” as one of the basic teachings of the religion of Islam has a function in enhancing the security and defending the Islamic system. The social function of belief in Mahdism in the fields of defense and security can be recognized and analyzed in the areas such as social order, social unity and solidarity, the firmness of social relations, the strengthening of social power. For this reason, one of the most important findings of this research is to demonstrate the capacity of Mahdism idea in the field of defense and security by “explaining its social function” in the realm of order, unity and firmness of relations and social power. The most prominent solutions of this thought in these fields are: the firmness of religious beliefs, specially the doctrine of Imamate, generating and re-reading the common moral values, establishing emotional relations and bonds in people, building unified union and identity between ethnic groups and sub-cultures, and building public trust which results from strengthening of values and adhering to ethical rules.

Keywords: Mahdism, defense, security, social, unity, social relations, social power.



1. Assistant Professor at the Research Center of Islamic Science and Culture.

The Functional Analysis of believing the Messiah and its Role in Creating Convergence among Abrahamic Religions

MehrabSadiqnia¹, Muhammad Mahdi Lotfi²

In the contemporary world, religions face relatively similar challenges that need to be addressed in order to overcome them. Convergence of religions, in spite of all intellectual and practical differences, can pave the way for passing these challenges. Therefore, research and investigation of the factors and ways of achieving this convergence in this regard is inevitable. In this paper, the content analysis method is used. In this method, by referring to the sacred texts of Abrahamic religions and describing and analyzing the doctrine of believing in a Messiah as well as discovering the commonalities, they have been used as a tool for convergence. In this paper, a model for the convergence of Abrahamic religions based on the belief in the Promised person is presented, according to this model, the doctrine of Messianism in the Abrahamic religions shows two similar components of a desirable future and a state of existent disarray. These constituents exclude the Messianism in Abrahamic religions from merely being “an idea” and transform it from a mere belief into “discourse” and an infrastructure for the social activities of the followers of these religions. In this discourse, the Messianism leads to the discovery of similar insights, tendencies and acts among the followers of these religions, the result of this similarity will be convergence.

Keywords: believing the Messiah, desirable future, the existent status of disarray, the discourse of believing the Messiah, convergence of Abrahamic religions.

-
1. Assistant Professor of Abrahamic Religions at the University of Religions and Denominations of Qom.
 2. PHD Graduate of Messianic Theology, University of Religions and Denominations (Corresponding Author).

The Analysis of the Qur’anic Reasons for the Theory of the Submission of those Waiting at the Presence of the Imam of the Time (A.S) with the Focus on the Issue of Infallibility of the Imams

Valyollah Taghipour far¹, Mahdi Bakouee², Reza Faghiehzadeh³

The issue of the present research is about the Qur’anic reasons of the theory of submission, that is the sheer obedience of those waiting at the general presence of Imams and specially the Imam of the Time (A.S) with the focus on the issue of infallibility of the Imams which is in line with the submission of human in front of God and His Prophet (P.B.U.H) and is considered to be the highest level of religious requirements (the level of faith and perfect certitude). The secret to the submission in front of the Imams like obedience in front of the Qur’an is the infallibility of Imams. However, for most Sunnis, unlike the Shiite, the restriction of infallibility to the prophets, only at the time of prophecy has led them to adopt a different approach toward the obedience and consequently to disobey the Imams both in their speech and behaviors in front of Imams; while this issue explicitly contradicts the verses of the Qur’an. This research, carried out with the descriptive approach and the qualitative analysis of the content, while it explains the nature of submission and the levels of religious requirements and Qur’anic reasons of obedience in front of the Imam and their infallibility, concluded that the sheer submission and obedience at the presence of the infallible Imam at any period is a religious and rational necessity in terms of “all of them are of the same light” and without believing this, the true faith would not be realized.

Keywords: submission, presence, the Imams, Imam of the Time (A.S), the issue of infallibility.

-
1. Assistant Professor of the Islamic Culture at Qom University.
 2. Assistant Professor at the University of the Holy Qur’an’s Science and Culture.
 3. PHD Graduate of Comparative Interpretation from the University of the Holy Qur’an’s Science and Culture at Qom. (Corresponding Author)

The Analysis of the Rational Methodology of Mahdism Studies *Husseyh Elahi Nezhad¹*

The field of “Mahdism Studies” as a field of study requires the organization of the subject and subject recognition, final goal and final goal recognition, issues and issue recognition, method and methodology in order to standardize the epistemic and structural knowledge. Thus, the mentioned field requires a method and methodology. Since the issues of Mahdism studies have variations and specific diversity in terms of their ontological and genealogical nature, in order to justify them, different methods such as the narrative method, rational method, empirical method and intuitive method are needed. The present paper only deals with the rational methodology in Mahdism studies based on its defined mission. This paper, at first, analyzes the essence of rational method and its variations and then explains the three categories of methods such as the material method, face method and the seeker’s method and in continuation, discusses the rational methodology of Mahdism studies and its variations such as pure rational method (rational independencies), the rational-combinative method (non-rational independencies) such as rational-narrative method, rational-historical method, and rational-intuitive method, analyzes the instances and discusses the howness of their application in the field of Mahdism studies.

Keywords: Mahdism studies, method, methodology, rational method, issues of Mahdism studies, the method of Mahdism research.

1. Associate Professor of Futures Studies at the Research Center of Islamic Science and Culture.

Adoption of a Critical Realistic Approach to the Prospecption from Future, Based on the Coordinates of the Justice-Based Mahdavi Government

Ali Asghar Pour-Ezzat¹, Gholamreza Goudarzi², Muhammad Mahdi Zolfagharzadeh³, Mona Parsa⁴

“Futures Studies” is the science of studying future to recognize “possible”, “probable”, and “preferable” futures of the society. “Prospecption” can also be seen as the art of shaping the future; aprocessing of the image which drives the future towards the desired state, based on the tribulations of the promised utopia which has found its identity among the Ummah with illustrating the ideals of the past, present and the future. This debate has a special place in Islam. Based on the Shia beliefs, future building at the appearance of the waiting Imam is a clear and comprehensive answer to the innate and fundamental questions of humanity about the desired and ideal life of future. In this regard, we can see the prospecption as the creative attempt to the purposeful visualization and construction with reliance on the external realities and available values in the civilization of the society which its main goal is to build a preferable situation in order to create national determination and hope for moving towards the city of “Mahdavi justice” in the light of the tradition of Muhammadi justice and the Alawi justice government. The present research examines the verses and traditions in the form of prospective steps using the theory of “critical realism” and then engages in designing a future image of coordinates of Mahdavi’s justice government in three areas of administration-management, politics-economy, and culture-society.

Keywords: futures studies, critical realism, prospecption, the Mahdavi’s justice government.

-
1. Professor at Tehran University
 2. Associate Professor at Imam Sadiq (A.S) University
 3. Assistant Professor at Tehran University
 4. PHD Student of Futurology at Tehran University (Corresponding Author)

According to the letter No.6064 of the council for granting licences and scientific privileges to the seminaries dated 18.7.1395, the journal of "Awaiting the Expected" was promoted to the rank of scientific-research.

Editorial Board: (In Alphabetical Order)
Behrouzi Lak, Gholamreza (*Professor at Baqir-al-Ulum University*)
Jabbari, Muhammadreza (*Associate Professor at Imam Khomeini Educational and Research Institution*)
Khosro Panah, Abdol Husseyn (*Professor at center of Islamic Culture and Thought*)
Rezanezhad, Ezzodeen (*Professor at AL-Mustafa International University*)
Rezaee Isfahani, Muhammad Ali (*Professor at AL-Mustafa International University*)
Zare'ee Matin, Hasan (*Professor at University of Tehran*)
Shakeri Zavardehi, Rouhollah (*Associate Professor at University of Tehran*)
Safari Foroushani, Ne'matollah (*Professor at AL-Mustafa International University*)
Mojtaba Kalbasi (*Professor at Qom Seminary*)
Muhammadreza'ee, Muhammad (*Professor at University of Tehran*)

IN THE NAME OF ALLAH

فصلنامه علمی - پژوهشی

انتظار موعود

Entizar-e-Moud (aj)

Owner:

Specialized Center of Mahdism of Qom Seminary

Managing Director:

Hojjat al-Islam Mohsen Ghara'ati

Editor in Chief:

Dr. Rouhollah Shakeri Zavardehi

Internal Manager and

Editorial Secretary:

Mohsen Rahimi Jafari

Editor:

Abolfazl Alidoust

Layout Specialist:

Reza Faridi

Cover Designer:

Abbas Faridi

English Translator:

Zeynab Farjamfard

Arabic Translator:

Ze'ya az-Zahavi

Full text in:

www.entizar.ir
www.isc.gov.ir (ISC)
www.magiran.com
www.noormags.com
www.sid.ir

Address: The Office of Entezar-e-Mo'oud Journal,
Specialized Center of Mahdism, Amar Alley, Shohada
Street (Safa'eeyeh), qom.
Tel: +982537841661
Fax: +982537737160
Journal site: www.entizar.ir
Email: entizarmagg@gmail.com
Price: 500/000 Rials



هزینه اشتراک

پیش‌تاز (ریال)	سفارشی (ریال)	پست عادی (ریال)	نوع درخواستی
۵۰۰۰۰۰ + ۵۰۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰ + ۳۰۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰ + ۱۴۰۰۰۰	تک شماره
۲۰۰۰۰۰۰ + ۲۰۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰ + ۱۲۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰ + ۵۶۰۰۰۰	دوره یک‌ساله

نحوه پرداخت:

وجه اشتراک را به حساب سیبا (۰۷۰۹۵۷۶۶۳۶۰۰۷) و یا شماره کارت ۶۰۳۷۹۹۱۸۹۹۵۳۲۰۷۵ بانک ملی شعبه حجتیه قم، کد ۲۷۱۱ به نام انتشارات مرکز تخصصی مهدویت واریز و اصل فیش بانکی را همراه این فرم به نشانی ذیل ارسال یا فاکس کنید:

قم، فیابان شهدا (صفائیه)، کوچه شماره ۲۲ (آمار)، بن بست شهید علیان،

مرکز تخصصی مهدویت (مندوق پستی ۳۷۱۳۵/۱۱۹) - فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰ - تلفن: ۰۲۵۳۷۸۱۴۱۶۶



یادآوری:

از ارسال وجه نقد به نشانی مرکز خودداری فرمایید. در صورت تغییر نشانی خود، مراتب را به این مرکز اطلاع دهید. تعداد و نوع سفارش خود را دقیقاً مشخص کنید.



فرم اشتراک فصلنامه علمی - پژوهشی انتظار موعود

نام خانوادگی نام میزان تحصیلات

شغل نشانی

کد پستی تلفن

تعداد درخواستی شروع اشتراک از شماره

مبلغ پرداختی

تک شماره‌های

نوع درخواست حواله

کد اشتراک نوع درخواست: پست عادی سفارشی پیش‌تاز

محل امضا